

احکام دین

مطابق با فتاوای مراجع بزرگ تقلید

حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت



www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.ir

احکام دین مطابق با فتاوای مراجع بزرگ تقلید

مشخصات کتاب

سرشناسه : فلاح زاده، محمدحسین، ۱۳۳۷-
عنوان و نام پدیدآور : احکام دین مطابق با فتاوای مراجع بزرگ تقلید/ تدوین محمدحسین فلاح‌زاده؛ [برای] حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت.
مشخصات نشر : تهران: نشر مشعر، ۱۳۷۴.
مشخصات ظاهری : ۲۲۸ ص. : مصور.
شابک : X-00-6293-964 ؛ ۵۵۰۰ ریال (چاپ هشتم) ؛ ۸۰۰۰ ریال (چاپ نهم) ؛ ۱۰۰۰۰ ریال (چاپ دوازدهم) ؛ ۱۰۰۰۰ریال (چاپ سیزدهم) ؛ ۱۵۰۰۰ ریال: چاپ شانزدهم: 978-964-6293-00-7 ؛ ۲۴۰۰۰ ریال (چاپ بیست و یکم) ؛ ۲۴۰۰۰ ریال (چاپ بیست و ششم)
یادداشت : چاپ هشتم و نهم: ۱۳۸۲.
یادداشت : چاپ دوازدهم: تابستان ۱۳۸۵.
یادداشت : چاپ سیزدهم: پاییز ۱۳۸۵.
یادداشت : چاپ شانزدهم: تابستان ۱۳۸۷.
یادداشت : چاپ بیست و یکم: تابستان ۱۳۸۹.
یادداشت : چاپ بیست و ششم: پاییز ۱۳۹۰.
یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس.
موضوع : فقه جعفری -- رساله عملیه
شناسه افزوده : حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت
رده بندی کنگره : BP۱۸۳/۹/ف۸الف۳ ۱۳۷۴
رده بندی دیویی : ۲۹۷/۳۴۲۲
شماره کتابشناسی ملی : م۷۵-۳۲۷۵
ص:1

اشاره

ص:2

ص:3

ص:4

ص:5

مقدمه ناشر

«مراتب معنوی حج که سرمایه حیات جاودانه است و انسان را به افق توحید و تنزیه نزدیک می‌نماید، حاصل نخواهد شد مگر آنکه دستورات عبادی حج بطورصحیح و شایسته مو به مو عمل شود». حضرت امام خمینی قدس سره

حجّ نمایشی پرشکوه، از اوج رهایی انسان موحّد ازهمه چیز جز او، و عرصه پیکاری فرا راه توسن نفس، و جلوه بی‌مانندی از عشق و ایثار، و آگاهی و مسئولیت، در گستره حیات فردی و اجتماعی است. پس حجّ تبلور تمام عیار حقایق و ارزشهای مکتب اسلام است.

مؤمنان گرچه با این عبادت الهی، آشنایی دیرینه دارند، و هر سال با حضور شورانگیز از سراسر عالم، زنگار دل، با زلال زمزم توحید می‌زدایند، و با حضرت دوست تجدید میثاق می‌کنند، و گرچه میراث ادب و فرهنگ ما، مشحون از آموزه‌های حیاتبخش حجّ است، امّا هنوز ابعاد بی‌شماری از این فریضه مهمّ، ناشناخته و مهجور مانده است.

پیروزی انقلاب اسلامی، در پرتو اندیشه‌های تابناک امام خمینی- رضوان‌اللَّه تعالی علیه- حجّ را نیز همچون سایر معارف و احکام اسلامی، در جایگاه واقعی خویش نشاند، و سیمای راستین و محتوای غنی آن را نمایاند.

امّا هنوز راهی دراز در پیش است، تا فلسفه و ابعاد و آثار و برکات حجّ، شناخته و شناسانده شود، و مؤمن حجّ‌گزار با آگاهی و شعور دینی، بر آن مواقف کریمه، و مشاعر عظیمه، که محلّ هبوط ملائکة اللّه، و توقّف انبیا و

اولیا بود، گام بگذارد.
در راستای تحقق این هدف بزرگ، بعثه مقام معظّم رهبری با الهام از اندیشه‌های والا و ماندگار امام راحل، احیاگر حجّ ابراهیمی- قدّس سرّه‌الشّریف- و بهره‌گیری از رهنمودهای ارزشمند رهبر عزیز انقلاب اسلامی حضرت آیةاللّه خامنه‌ای- مدّظلّه‌العالی- با تأسیس معاونت آموزش و تحقیقات، تلاش می‌کند فصل جدیدی فراراه اندیشمندان مسلمان، و علاقمندان به فرهنگ حجّ، و زائران و راهیان حرمین شریفین بگشاید. از این رو در عرصه تحقیق و تألیف و ترجمه، آثار گوناگون پیرامون حقایق و معارف حجّ، آشنایی با اماکن مقدسه، تاریخ و سرگذشت شخصیتهای بزرگ اسلام، بررسی رویدادها و عرضه خاطرات و بویژه آموزش مسائل و آداب حجّ تلاش‌هایی را آغاز کرده است.
آنچه اینک پیش روی خواننده قرار دارد برگ سبزی است از این دفتر.
بی‌گمان راهنمایی و همراهی اندیشوران، از نارسائی‌ها خواهد کاست، و در این راه معاونت آموزش و تحقیقات بعثه مقام معظّم رهبری، از همکاری همه علاقمندان استقبال کرده، و دست آنان را به گرمی می‌فشارد.
و من اللّه‌التوفیق و علیه التکلان
معاونت آموزش و تحقیقات
بعثه مقام معظم رهبری

ص:7

پیشگفتار

بسم اللَّه الرّحمن الرّحیم
آفرینش انسان، هرگز بیهوده و بی‌هدف نیست، بلکه آدمی در زندگی خود باید برای رسیدن به سعادت و کمال، تلاش کند.
اسلام به عنوان آخرین مکتبِ تضمین کننده سعادت بشری، شرط اصلی و اساسی رسیدن به این هدف بزرگ را اعتقادصحیح می‌داند، و برای سالم‌سازی اندیشه و اعتقاد انسانها، به اصول خاصّی باور دارد که آغاز و پایان هستی را مشخص می‌کند و انسانها را از افکار پوچ و خیالهای بیهوده می‌رهاند و به زندگی هدفدار راهنمایی می‌کند.
البته اسلام، تنها اعتقادصحیح را کارساز نمی‌داند، بلکه مردم در مرحله عمل و رفتار نیز باید راه درست را از نادرست بازشناسند و خوبیها را عمل کنند و از بدیها بپرهیزند. «(1)» آنچه عهده‌دار این بخش از برنامه‌های اسلام است «فِقه» یا «احکام»

1- - قال علی علیه‌السلام: الایمان معرفة بالقلب، و قول باللسان، و عملٌ بالارکان. شرح نهج‌البلاغه، ج 19، ص 51.

نام دارد، که در حقیقت مجموعه قوانین عملی اسلام است و از وحی الهی سرچشمه گرفته و با بیان معصومین- علیهم‌السلام- تفسیر و تبیین شده است، قوانینی که هرگز تغییر پذیر نیست و تمام موضوعات و مصادیق خارجی و حوادث واقعه «(1)» را دربرمی‌گیرد، بدون آنکه به اصول آن خدشه‌ای وارد شود. «(2)» شناخت این قوانین، در حدّ نیاز برای تمام افراد، لازم و ضروری است. آنچه امروزه به نام «رساله توضیح المسائل» از مراجع بزرگوار تقلید در دسترس مردم قرار دارد، حاوی مجموعه مسائلی است که تمام افراد جامعه در موقعیت‌های گوناگون ممکن است به آنها نیاز داشته باشند، ولی از آنجا که آن رساله‌ها فراتر از نیاز یک قشر خاص نگاشته شده، و در بردارنده برخی از مسائلی می‌باشد که ممکن است درحدّ نیاز اوّلیه شما زائران عزیز نباشد، افزون برآنکه در برخی موارد، اصطلاحات و لغات غیر مأنوس و مشکلی در آنها دیده می‌شود که نیاز به توضیح و تفسیر دارد، لذا بر آن شدیم، تا مسائل فقهی مورد نیاز زائران، بویژه حجاج عزیز را، بدون هیچگونه دخل و تصرفی در فتاوای فقیهان، با تغییر عبارت و تنظیم مطالب و حذف برخی از مسایلی که هم‌اکنون مورد نیازشان نمی‌باشد، بدین‌صورت تدوین کنیم. یادآوری این نکته ضروری است که هدف اصلی ما از تدوین و نگارش این کتاب، نیاز حجاج بیت‌اللّه الحرام بوده است، و در برخی از فصلهای کتاب، مسائل ویژه آنان آورده شده است، امّا فراتر از این نیاز، عموم زائران، و حتی اقشار

1- - اشاره به نوشته حضرت ولی عصر عج که راویان احادیث اهل بیت را مرجع این‌گونه حوادث معرفی کرده‌اند. وسائل الشیعه، ج 18، ص 101.
2- - عن الصادق علیه‌السلام:« ... حتّی جاءَ محمّد ص فجاء بالقرآن و بشریعته و منهاجه فحلاله حلالٌ الی یوم القیامة و حرامه حرامٌ الی یوم القیامة ...» اصول کافی، ج 2، ص 17، حدیث 2.

مختلف مردم در نظر بوده‌اند، و انتخاب مسائل و شیوه نگارش بگونه‌ای است که می‌تواند برای سایرین نیز مفید باشد.
سخنی با حجّاج بیت‌اللّه الحرام آنچه حجاج عزیز از احکام دین باید بدانند یا بدان عمل کنند، به دو دسته تقسیم می‌شود:
دسته اول: مسائلی است که در کتابهای «مناسک» آمده و بیان کننده کیفیت اعمال عمره و حج است.
دسته دوم: مسائلی است که در کتابهای «مناسک» نیامده و مربوط به کیفیّت اعمال عمره و حج نیست، ولی شناخت آنها تأثیر بسیاری درصحّت اعمال حج دارد، و در برخی موارد غفلت از آنها سبب باطل شدن اعمال نیز می‌گردد، در این نوشته در پی آنیم تا درحدّ توان، آن‌دسته از مسائل احکام را که در کتابهای مناسک نیامده و مورد نیاز زائران عزیز می‌باشد، با مراعات اختصار بیاوریم ولی باید دانست که مطالعه این کتاب آنها را از مطالعه «مناسک حج» و شرکت در کلاسهای آموزشی روحانیان کاروانها بی‌نیاز نمی‌کند، گرچه می‌تواند آنان را در عمل به احکام دینی یاری دهد.
یادآوری چند نکته:
1- متن کتاب مطابق با فتاوای بنیانگذار جمهوری اسلامی، حضرت آیةالله العظمی امام خمینی (قدس سره) می‌باشد.
2- فتاوای سه تن از مراجع بزرگ تقلید؛ یعنی، حضرت آیةالله العظمی اراکی (دام ظله) و حضرت آیةالله العظمی گلپایگانی (دام ظله) و حضرت آیةالله العظمی خوئی (قدس سره) به آن افزوده شده که موارد

اختلاف، در همان صفحه، با علامت ستاره (*) مشخص شده است.
3- در متن کتاب بیشتر مسائل ضروری و کلی آمده و به مسائل جزئی کمتر پرداخته شده است و اختلاف چندانی در آنها وجود ندارد، بعلاوه، همه اختلاف فتواها بگونه‌ای نیست که اگر مقلّد به مسائل متن عمل کند، خلاف فتوای مرجع تقلیدش عمل کرده، و یا واجبی را ترک کرده باشد، مثلًا اگر مسأله‌ای که در متن آمده، فتوا باشد و مرجع تقلید کسی در همان مسأله، احتیاط واجب داشته باشد، اگر مقلد به آن فتوا عمل کند، به همان احتیاط نیز عمل کرده است و مشکلی پیش نمی‌آید.
4- در انتخاب مسائل، تلاش شده است تا مقدار مورد نیاز اولیه زائران عزیز آورده شود، و در مواردی که فرعی از فروع مسائل حذف شده، عنوان مسأله بگونه‌ای آمده که اشکالی در فتوا پیش نیاید؛ به عنوان مثال در بحث مُطهّرات، با اینکه مطهرات ده‌تاست، در این نوشته تنها به پنج مورد آن اکتفا شده ولی عنوان مسأله اینگونه نگاشته شده است:
«همه اشیاء نجس پاک می‌شود و عمده پاک کننده‌ها عبارتند از:» 5- برای آنکه خوانندگان عزیز اگر خواستند جزئیات مسائل را بدانند و یا متن مسائل را از منابع آنها ببینند، آدرس مسائل در پایان هرصفحه آمده است، بعلاوه، حواشی مراجع تقلید نیز همراه با شماره مسأله- مطابق رساله ایشان- آورده شده است.
6- با ادای احترام مجدّد به مراجع بزرگوار تقلید، جهت اختصار درحواشی، القاب‌آنان حذف‌گردیده وتنها به لقب مشهور اکتفا شده است.
7- جهت اختصار در آدرس مطالب علائم زیر به کار رفته است:
ج/ جلد،ص/صفحه، م/ مسأله، س/ سؤال

8- در تهیه این کتاب از متون زیر استفاده شده است:
* تحریرالوسیله- امام خمینی- ناشر، دارالانوار، بیروت.
* العروة الوثقی (دوجلدی) با حاشیه مراجع تقلید- ناشر، انتشارات علمیه اسلامیه.
* وسیلة النجاة با حاشیه آیةالله العظمی گلپایگانی- ناشر، دارالتعارف للمطبوعات، بیروت.
* رساله توضیح المسائل- امام خمینی- ناشر، بنیاد پژوهشهای اسلامی، آستان‌قدس رضوی.
* رساله توضیح المسائل- آیةالله العظمی گلپایگانی- ناشر، دارالقرآن الکریم.
* رساله توضیح المسائل- آیةالله العظمی اراکی- ناشر، دفترتبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
* رساله توضیح المسائل- آیةالله العظمی خوئی- چاپ، چاپخانه علمی.
* استفتاآت- امام خمینی- ناشر، دفتر انتشارات اسلامی.
* مناسک حج (محشی)- ناشر، نشر مشعر، حوزه نمایندگی ولی‌فقیه در امور حج و زیارت.
* استفتائات ویژه حج، ناشر، بعثه مقام معظم رهبری، معاونت آموزش و تحقیقات.
امید است این نوشته، زائران عزیز را در فهم احکام دین یاری کند.
خدای را بر این توفیق سپاس می‌گوییم و از نظرات و پیشنهادهای سازنده شما استقبال می‌کنیم. «(1)» ربّنا تَقبَّل مِنَّا انَّک انْتَ السَمیعُ العَلیم «(2)»
زمستان 1372، ه. ش. محمّد حسین فلّاح‌زاده ابرقوئی

1- - پیشنهادات و نظرات خود را برای ما به آدرس: قم- صندوق پستی 3698- 37185 ارسال نمایید.
2- - بقره: 127.

ص:12

ص:13

جایگاه احکام در اسلام

اشاره

اسلام، آخرین و کامل‌ترین مکتبی است که تمامی برنامه‌های آن، مطابق فطرت و مصلحت انسانهاست، و با پیاده کردن آن، سعادت انسانها تأمین خواهد شد، و جامعه‌ای که در آن قوانین اسلام اجراء شود، جامعه ایده‌آل خواهد بود. «احکام» یکی از پایه‌های اصلی و اساسی مقررات و قوانین انسان‌ساز اسلام است؛ چرا که: برنامه‌های نجات بخش اسلام عبارت است از:

برنامه‌های اعتقادی که به «اصول دین» تعبیر می‌شود.

دستورات عملی که «فروع دین» یا «احکام» نامیده می‌شود.

مسائل روانی و رفتاری که «اخلاق» نام دارد.

دسته اول: برنامه‌هائی است در رابطه با سالم‌سازی فکر و اعتقاد انسان، که باید آنها را از روی دلیل پذیرفته و معتقد باشد (هرچند دلیل ساده) و چون این دسته از برنامه‌های اسلام، امور اعتقادی است و محتاج به یقین می‌باشد، پیروی از دیگران (تقلید) در آنها راه ندارد.
دسته دوم: برنامه‌های عملی است که وظیفه انسانها را نسبت به کارهایی که باید انجام دهند و یا از آن دوری جویند، مشخص می‌کند. اینگونه برنامه‌ها «احکام» نام دارد، و برای شناخت آنها، تقلید و پیروی از مجتهد (کارشناس) این فن مانع ندارد.

تقسیم احکام

هرکاری که انسان انجام می‌دهد، در اسلام دارای حکم خاصی است، که عبارت است از:
واجب: عملی‌که‌انجام آن‌لازم‌است وترک‌آن عذاب دارد؛ مانند نماز و روزه.
حرام: عملی‌که‌ترک آن‌لازم است و انجامش عذاب دارد؛ مانند دروغ و ظلم.

مستحب: عملی که انجام آن نیکو است و ثواب دارد ولی ترک آن هم عذاب ندارد؛ مانند نماز شب وصدقه.
مکروه: عملی که ترک آن نیکو است و ثواب دارد ولی انجامش عذاب ندارد؛ مانند فوت کردن به غذا و خوردن غذای داغ.
مباح: عملی که انجام و ترک آن مساوی است، نه عذابی دارد و نه ثوابی؛ مانند راه رفتن، نشستن. «(1)»

تقلید به معنای پیروی کردن و دنباله روی است و در اینجا پیروی از «فقیه» می‌باشد؛ یعنی انسان کارهای خود را مطابق فتوای مجتهد انجام دهد. «(2)» 1- کسی که مجتهد نیست و نمی‌تواند احکام و دستورهای الهی را بدست

1- الفتاوی الواضحه- ج 1- ص 83.
2- تحریرالوسیله- ج 1 ص 5.

آورد باید از مجتهد تقلید کند. «(1)» 2- وظیفه اکثر مردم در تقلید است چون افراد کمی هستند که بتوانند در احکام، اجتهاد کنند. «(2)» 3- به مجتهدی که دیگران از او تقلید می‌کنند «مرجع تقلید» می‌گویند.
4- مجتهدی که انسان از او تقلید می‌کند بنابر احتیاط واجب باید دانش فقهی او از سایر مجتهدین زمان خود بیشتر باشد.

1- شخص عادل در مرتبه‌ای از تقوا قرار دارد که در پی انجام واجبات و پرهیزاز گناهان است و نشانه عدالت آن است که گناهان کبیره «(3)» را انجام نمی‌دهد، و گناهصغیره را تکرار نمی‌کند. «(4)» «(5)»

1- تحریرالوسیله- ج 1 ص 5.
2- همان مدرک.
3- گناه کبیره، گناه بزرگ است که بر آن وعده عذاب و آتش داده شده است؛ مانند: دروغ و تهمت غیر آن را گناه صغیره گویند.
4- تحریرالوسیله- ج 1 ص 10، م 28.
5- گلپایگانی- خوئی نشانه عدالت آن است که اگر از اهل محل یا همسایگان او یا کسانی که با او معاشرت دارند، حال او را بپرسند، خوبی او را تصدیق کنند. مسأله 2

2- کسی که تازه به سن بلوغ رسیده است و یا تاکنون تقلید نمی‌کرده، باید مجتهدی را مرجع تقلید خود قرار دهد که زنده باشد و نمی‌تواند از مجتهدی که فوت کرده است تقلید کند. «(1)» 3- کسی که از مجتهدی تقلید می‌کند، اگر مرجع تقلیدش از دنیا برود، می‌تواند با اجازه مجتهد زنده، بر تقلید وی باقی بماند. «(2)» 4- کسی که بر تقلید میت باقی مانده است در مسائلی که میت در آنها فتوا ندارد و همچنین مسائل جدید؛ مانند جنگ وصلح و ... باید از مجتهد زنده تقلید کند. «(3)» 5- مجتهدی که انسان از او تقلید می‌کند، باید پیرو مذهب جعفری؛ یعنی شیعه دوازده امامی باشد، پس شیعیان نمی‌توانند در احکام، به فتوای علمای غیر دوازده امامی عمل کنند. «(4)» 6- اسلام وظیفه زن و مرد را متناسب با طبیعت و چگونگی خلقت وی قرار داده است، برداشتن مسؤولیت بسیار خطیر و سنگین مرجعیّت، از دوش بانوان، نادیده گرفتن حق آنها نیست؛ چون در اسلام بانوان نیز

1- تحریرالوسیله- ج 1 ص 7، م 13.
2- تحریرالوسیله- ج 1 ص 7، م 13.
3- استفتائات- ج 1 ص 12، س 20.
4- توضیح المسائل، م 2.

می‌توانند در علوم اسلامی تا اجتهاد پیش بروند و احکام خدا را از منابع آن (قرآن و روایات) استخراج کنند و از کسی تقلید نکنند.
7- اعلم کسی است که در استخراج احکام (از قرآن و روایات) از مجتهدان دیگر استادتر باشد. «(1)» 8- بر مُکلّف واجب است که جهت شناختن مجتهد اعلم جستجو کند. «(2)» 9- انسان در تقلید مستقل است و تابع دیگران نمی‌باشد، مثلًا زن در این مسأله تابع شوهر نیست و هر کس را دارای شرایط تشخیص داد از او تقلید می‌کند هرچند شوهرش مقلد مجتهد دیگری باشد. «(3)»

راههای شناخت مجتهد و اعلم:

الف) خود انسان یقین کند، مثل آنکه از اهل علم باشد و بتواند مجتهد و اعلم را بشناسد.
ب) دو نفر عالم عادل که می‌توانند مجتهد و اعلم را تشخیص دهند، مجتهد بودن یا اعلم بودن کسی را تصدیق کنند. «(4)» ج) عده‌ای از اهل علم که می‌توانند مجتهد و اعلم را تشخیص

1- العروة الوثقی، ج 1 ص 7، م 17.
2- تحریر الوسیله، ج 1 ص 6، م 5.
3- استفتائات- ج 1 ص 13، س 25.
4- خویی به گفته یک نفر اهل خُبره نیز ثابت می‌شود. مسأله 3

دهند و از گفته آنان اطمینان پیدا می‌شود، مجتهد بودن یا اعلم بودن کسی را تصدیق کنند. «(1)»

راههای بدست آوردن فتوای مجتهد:

* شنیدن از خود مجتهد.
* شنیدن از دو نفر یا یک نفر عادل.
* شنیدن از یک نفر مورد اطمینان و راستگو.
* دیدن در رساله مجتهد. «(2)» چند مسأله:
1- اگر مجتهد اعلم در مسأله‌ای فتوا نداشته باشد، مُقلِّد می‌تواند به مجتهد دیگری که در آن مسأله فتوا دارد رجوع کند، و بنابر احتیاط واجب باید مجتهدی که به فتوایش رجوع می‌شود از دیگران اعلم باشد. «(3)» 2- اگر فتوای مجتهد در مسأله‌ای عوض شود، مقلّد باید به فتوای جدید عمل کند و عمل کردن به فتوای گذشته جایز نیست. «(4)» 3- مسائلی را که انسان غالباً به آنها احتیاج دارد واجب است یاد بگیرد.

1- تحریرالوسیله- ج 1 ص 8، م 19.
2- تحریر الوسیله- ج 1 ص 8، م 21.
3- تحریرالوسیله- ج 1 ص 7، م 11.
4- العروةالوثقی- ج 1 ص 12، م 31.

ص:20

مکلّف کیست؟

افراد عاقل و بالغ مکلّفند؛ یعنی نسبت به احکام وظیفه دارند و باید به واجبات عمل کنند و از محرمات بپرهیزند.

سنّ بلوغ

پسرها، پس از تمام شدن پانزده سال و دخترها، پس از نه سالگی بالغ می‌باشند و باید تمام وظایف شرعی را انجام دهند، گرچه، کودکانِ کمتر از این سن هم اگر کارهای نیک، مانند نماز را بطورصحیح انجام دهند، پاداش و ثواب خواهند داشت. باید توجه داشت که سن بلوغ، به سال قمری حساب می‌شود و چون هر سال قمری سیصد و پنجاه و چهار روز و شش ساعت است، ده روز و هیجده ساعت از سال شمسی کمتر می‌باشد، بنابراین، با کم کردن نود و شش روز و هیجده ساعت از نه سال شمسی، نه سال قمری به دست می‌آید، و با کم کردنصد و شصت و شش روز و شش ساعت از پانزده سال شمسی، پانزده سال قمری معلوم خواهد شد.

فرق بین «احتیاط واجب» و «احتیاط مستحب»

«احتیاط مستحب» همیشه همراه با فتواست؛ یعنی در آن مسأله، مجتهد پس از اظهارنظر، راه احتیاط را هم نشان داده است و مقلّد می‌تواند در آن مسأله، به فتوای مجتهد و یا به احتیاط عمل کند و نمی‌تواند به مجتهد دیگری رجوع کند، مانند این مسأله:

«اگر نداند بدن یا لباسش نجس است و بعد از نماز بفهمد نجس بوده، نماز اوصحیح است ولی احتیاط آن است که اگر وقت دارد، نماز را دوباره بخواند.»
«احتیاط واجب» همراه با فتوا نمی‌باشد و مقلّد باید به همان احتیاط عمل کند و یا به فتوای مجتهد دیگر مراجعه کند، مانند این مسأله:
«احتیاط آن است که بر برگ درخت انگور، اگر تازه باشد سجده نکنند.»
راهنمایی
از آنجا که تمام اعمال ما باید مطابق فتوای مرجع تقلید باشد، چنانچه کسی تاکنون، مجتهد معینی را به عنوان مرجع تقلید خود انتخاب نکرده، باید پس از تحقیق از اهل علم، مجتهد جامع الشرایط را شناخته و در مسائل حج و سایر مسائل، به فتوای او عمل کند، و آن دسته از افرادی که مقلّد حضرت امام (قدس سره) یا سایر مراجع از دنیا رفته، بوده‌اند توجه داشته باشند که باید در احکام، یا به فتوای مجتهد زنده عمل کنند و یا با اجازه مجتهد زنده می‌توانند به تقلید مرجع خود باقی بمانند.

ص:22

طهارت

اشاره

نماز مهمترین واجب الهی است، که انسانها با انجام آن قبولی سایر اعمال را تضمین می‌کنند. برای انجام این عبادت بزرگ، نمازگزار باید بدن و لباس خود را از نجاستها پاک کند و با انجام وضو یا غسل، با ظاهری آراسته و روحی نورانی رو به قبله ایستاده و نماز را بجای آورد.
برای پاکی از نجاست، شناخت آنها و راه پاک کردن اشیاء نجس نیز لازم است. بنابراین به بیان آنها می‌پردازیم:
قبل از شناخت نجاستها، به یک قاعده کلّی اسلامی توجه کنید:
«در عالَم همه چیز پاک است، مگر یازده چیز و آنچه براثر برخورد با اینها نجس شود.»

ص:23
1- ادرار (بول) انسان و حیوانهای حرام گوشتِ خون
2- مدفوع (غائط) جهنده‌دار «(1)» مانند گربه و موش.
3- منی
انسان‌وحیوانی که خون جهنده دارد.
4- مردار
مانند: گوسفند.
5- خون
نجاسات 6- سگ که در خشکی زندگی می‌کند
7- خوک ولی دریایی آن نجس نمی‌باشد.
8- شراب و هر مایع مست‌کننده
9- آبجو (فُقّاع)- آبجوی غیر طبی
10- کافر
11- عرق شتر نجاستخوار
1- ادرار و مدفوع انسان و تمامی حیوانهای حرام گوشت که خون جهنده دارند نجس است. «(2)»
2- ادرار و مدفوع حیوانهای حلال گوشت، مانند گاو و گوسفند و حیوانهائی که خون جهنده ندارند؛ مانند: مار و ماهی پاک است. «(3)» 3- بول و غائط حیوانهائی که گوشت آنها مکروه است پاک می‌باشد؛ مانند: اسب و الاغ. «(4)»

1- حیوانی که اگر رگ آنرا بِبُرند خون از آن جستن می‌کند خون جهنده دارد.
2- گلپایگانی بنابر احتیاط واجب باید از بول و غائط حیوان حرام گوشتی که خون آن جستن نمی‌کند اجتناب کرد. مسأله 85
3- العروةالوثقی- ج 1 ص 55.
4- العروةالوثقی- ج 1 ص 55.

4- فضله پرندگان حرام‌گوشت، مانند کلاغ، نجس است. «(1)» «(2)»

احکام خون

1- خون انسان و هر حیوانی که خون جهنده دارد نجس است؛ مانند مرغ و گوسفند.
2- خون حیوانی که خون جهنده ندارد پاک است؛ مانند ماهی و پشه.
3- خونی که گاهی در تخم مرغ یافت می‌شود نجس نیست، ولی بنابر احتیاط واجب باید از خوردن آن اجتناب کرد و اگر خون را با زرده تخم مرغ به هم بزنند که از بین برود، خوردن زرده هم مانعی ندارد. «(3)»
4- خونی که از لای دندان (لثه) می‌آید، اگربا آب دهان مخلوط شده و از بین برود پاک است و در آنصورت فرو بردن آب دهان هم اشکال ندارد. «(4)»

چگونه چیز پاکی نجس می‌شود؟

چیزهای پاک هم ممکن است با برخورد با نجاسات نجس شود، درصورتی که یکی از آن دو (چیز پاک یا نجس) طوری تر باشد که

1- توضیح المسائل، م 85.
2- سایر مراجع پاک است. مسأله 86
3- سایر مراجع بنابر احتیاط واجب، از تخم مرغی که ذرّه‌ای خون در آن است باید اجتناب کرد. ولی اگر خون در زرده باشد، تا پوست نازک روی آن پاره نشده، سفیده پاک می‌باشد. مسأله 99
4- توضیح المسائل- م 96 و 98 تا 101.

رطوبت یکی از آن دو به دیگری برسد. «(1)»

«(2)»
انسان مرده هر چند تازه از دنیا رفته و بدنش سرد نشده باشد (بجز اجزاء بی‌روح او مانند ناخن و مو و دندان) تمام بدنش نجس می‌باشد، مگر آنکه: «(3)» الف: شهید معرکه «(4)» باشد.
ب: او را غسل داده باشند (سه غسلش تمام شده باشد).
مردار حیوان
1- مردار حیوانی که خون جهنده ندارد پاک است، مانند ماهی.
2- مردار حیوانی که خون جهنده دارد، اجزاء بی‌روح آن مانند؛ مو و شاخ، پاک و اجزاء روح‌دارش مانند گوشت و پوست، نجس است. «(5)» 1- سگ و خوک، تمام اجزاء آن نجس است.
1- خون‌جهنده‌دارد 1. اجزاءروح‌دار، نجس‌است.
مردار حیوان 2. اجزاء بی‌روح، پاک است.
2- غیرسگ‌وخوک
2- خون‌جهنده‌ندارد، تمام‌اجزاءآن‌پاک

1- توضیح المسائل- م 125
2- مردار، حیوانی است که خود مرده است یا به غیر طریق شرعی ذبح شده است.
3- العروةالوثقی- ج 1 ص 58. الرابع و ص 61، م 12.
4- شهیدی که در میدان نبرد جان داده است.
5- العروة الوثقی- ج 1 ص 58؛ الرابع- تحریرالوسیله ج 1 ص 115، الرابع.

است.
در موارد زیر حکم به پاکی می‌شود:
* ندانیم پاک و نجس به هم برخورد کرده‌اند یا نه.
* ندانیم چیز پاک و نجس مرطوب بوده‌اند یا نه.
* ندانیم رطوبت یکی به دیگری سرایت کرده است یا نه. «(1)» چند مسأله:
1- اگر انسان نداند چیز پاکی نجس شده یا نه؟ پاک است و جستجو و وارسی هم لازم نیست، هر چند بتواند نجس‌بودن یا پاک بودن آن را بفهمد. «(2)» 2- خوردن و آشامیدن چیز نجس حرام است. «(3)» 3- اگر انسان ببیند کسی چیز نجسی را می‌خورد، یا با لباس نجس نماز می‌خواند، لازم نیست به او بگوید. «(4)»

1- توضیح المسائل- م 126؛ و العروة الوثقی، ج 1، ص 79، م 1.
2- . توضیح‌المسائل- م 123.
3- توضیح‌المسائل- م 141.
4- توضیح المسائل- م 143.

ص:27

مُطهِّرات (پاک کننده‌ها)

چگونه چیز نجس پاک می‌شود؟
همه اشیاء نجس پاک می‌شود و عمده پاک کننده‌ها عبارتند از:
1- آب
2- زمین
3- آفتاب
4- اسلام
5- برطرف شدن نجاست «(1)»
آب
آب، بسیاری از چیزهای نجس را پاک می‌کند امّا اقسام مختلفی دارد که شناخت آنها، ما را برای یادگرفتنِ بهترِ مسائل مربوط به آن، کمک می‌کند.
1- مُضاف
1- آب چاه
اقسام آبها
2- آب جاری
2- مُطلق 3- آب باران
4- آب راکد کُر
قَلیل

1- توضیح‌المسائل- م 148.

آب مضاف: آبی است که یا ازچیزی گرفته باشند (مانند آب سیب و هندوانه) و یا با چیزی مخلوط شده باشد، به قدری که به آن، آب نگویند؛ مانند شربت.
آب مطلق: آبی است که مضاف نباشد.
احکام آب مضاف
1- چیز نجس را پاک نمی‌کند (از مطهرات نمی‌باشد).
2- با برخورد نجاست، نجس می‌شود، هر چند نجاست کم باشد و بو یا رنگ یا مزه آب عوض نشود.
3- وضو و غسل با آن باطل است. «(1)» اقسام آب مطلق
آب یا از زمین می‌جوشد.
و یا از آسمان می‌بارد.
و یا نه می‌جوشد و نه می‌بارد.
به آبی که از آسمان ببارد «باران» گویند.
و به آبی که از زمین می‌جوشد، اگر جریان داشته باشد «آب جاری» گویند و اگر بدون جریان باشد، «آب چاه» گویند.
آبی که از زمین نمی‌جوشد و از آسمان نمی‌بارد، «آب راکد»

1- توضیح المسائل، م 47- 48.

است.
«آب راکد» اگر مقدارش زیاد باشد، «کر» و اگر کم باشد «قلیل» است.
حجم: 875/ 42 وجب، مقدار آبی که اگر در ظرفی که درازا و پهناوگودی آن هریک حداقل 5/ 3 وجب‌باشد مقدار کُر: «(1)»
بریزند پر شود، به مقدار کر است. «(2)»
وزن: 419/ 377 کیلوگرم.
مقدار آب قلیل: آبی که از کر کمتر باشد قلیل است.
تنها آب مطلق، آلودگیها را پاک می‌کند. گرچه ممکن است آب مضاف چیز کثیفی را تمیز کند ولی هرگز نجس را پاک نمی‌کند.

1- . تحریرالوسیله- ج 1 ص 14، م 14؛ توضیح‌المسائل- م 16.
2- خوئی اگر طول و عرض و ارتفاع آن سه وجب باشد، کُر است. مسأله 16

ص:30

احکام آبها

آب قلیل:

1- آب قلیل با برخورد نجاست نجس می‌شود (روی چیز نجس ریخته شود یا چیز نجس به آن برسد). «(1)» 2- اگر آب کر یا جاری به آب قلیلِ نجس، متصل و با آن مخلوط شود پاک می‌گردد. (مثلًا ظرف آب قلیلی که نجس شده زیر شیر آبی که به منبع کر متصل می‌باشد گذاشته و آب را بر آن باز کرده و با آن مخلوط شود «(2)»). «(3)»

آب کر- جاری- چاه:

1- تمام اقسام آبهای مطلق بجز آب قلیل تا زمانی که بو یا رنگ یا

1- توضیح‌المسائل- م 26.
2- در تطهیر آب شرط است که بو یا رنگ یا مزه نجاست نداشته باشد. و چنانچه بو یا رنگ یا مزه نجاست گرفته است، باید به قدری با آب کر یا جاری مخلوط شود که بو و رنگ و مزه نجاست از بین برود.
3- تحریرالوسیله- ج 1 ص 14، م 11.

مزه نجاست نگرفته باشد پاک است و هرگاه بر اثر برخورد با نجاست، بو یا رنگ یا مزه نجاست بگیرد نجس می‌شود (بنابراین، آب جاری، چاه، کر و حتّی باران در این حکم مشترکند). «(1)» 2- آب لوله‌های عمارات که متصل به منبع کر می‌باشد در حکم آب کر است. «(2)»

برخی از خصوصیات آب باران:

1- اگر بر چیز نجسی که عینِ نجس «(3)» در آن نیست یکبار ببارد پاک می‌شود.
2- اگر بر فرش و لباس نجس ببارد پاک می‌شود و فشار لازم ندارد. «(4)»
3- اگر بر زمین نجس ببارد پاک می‌شود.
4- هرگاه باران در جائی جمع شود، اگر چه کمتر ازکرباشد، چنانچه تا موقعی که باران می‌بارد چیز نجسی را در آن بشویند، تا زمانی که بو یا رنگ یا مزه نجاست نگرفته، پاک است. «(5)»

1- تحریرالوسیله- ج 1 ص 13، م 4.
2- توضیح‌المسائل- م 35.
3- عین نجس چیزی است که خودبخود نجس است مانند بول و خون.
4- در صفحه 38 خواهد آمد، که در شستن فرش و لباس و مانند آن بعد از هر مرتبه شستن باید آن را فشار داد تا آبهای داخل آن بیرون آید.
5- توضیح المسائل- م 37، 40، 41، 42.

ص:32

چگونگی تطهیر اشیاء نجس با آب:

آب، مایه زندگی و پاک کننده بیشترین نجاسات است و از جمله مطهراتی است که همه روزه تمام افراد با آن سروکار دارند. اینک چگونگی تطهیر چیزهای نجس را فرا می‌گیریم.

1- با آب کر: یک مرتبه

1- ظرف

2- باآب‌قلیل: سه‌مرتبه

1. باآب‌کر:

یک‌مرتبه «(1)» تطهیراشیاءنجس «(2)» 1- به بول نجس شده

2. باآب قلیل: دومرتبه

2- غیرظرف

1. باآب‌کر:

یک‌مرتبه

2- به‌غیربول نجس‌شده

2. باآب‌قلیل: یک‌مرتبه

1- خویی اگر لباس و مانند آن به بول نجس شده باشد در کُر نیز دو مرتبه شستن لازم است. مسأله 160

2- توضیح‌المسائل، م 150- 159- 160.

توضیح:
الف: برای تطهیر اشیاء نجس، ابتدا باید عین نجس را برطرف کرده سپس به همان تعداد که در نمودار آمده است آن‌را آبکشید؛ مثلًا ظرف نجس را بعد از برطرف کردن آلودگی، اگر یک مرتبه در آب کر بشویند کافی است.
ب: فرش و لباس و چیزهایی مانند فرش و لباس که آب را به خود می‌گیرد و قابل فشردن است، چنانچه با آب قلیل تطهیر می‌کنند، باید بعد از هر بار شستن، آن را فشرد تا آبهای داخل آن بیرون آید و یا بگونه‌ای دیگر آب آن گرفته شود و در آب کر و جاری هم احتیاط واجب آن است که آب داخل آن گرفته شود. «(1)»
ج: آب جاری و چاه در احکامی که برای تطهیر اشیاء نجس بیان شد، مانند آب کر است.
مسأله:
ظرف نجس را می‌توان این گونه آب کشید:
با آب کر: یک بار آن را در آب برده و بیرون آورند.
با آب قلیل: آن را سه مرتبه پر از آب کرده و خالی کنند، یا سه مرتبه قدری آب در آن ریخته و هر مرتبه آب را بطوری در آن بگردانند که به جاهای نجس برسد و بیرون بریزند.

1- خوئی فشردن آن لازم است. اراکی، گلپایگانی در آب کُر فشار لازم نیست. مسأله 161

ص:34

زمین

1- اگر کف پا یا کف کفش، هنگام راه‌رفتن، نجس شود، و به سبب تماس با زمین، آلودگی‌ها برطرف گردد، پاک می‌شود. پس زمین، فقط پاک کننده کف پا و کف کفش است، آنهم با این شرایط:
* پاک باشد.
* خشک باشد، (ترنباشد).
* خاک، شن، سنگ، آجر فرش و مانند اینها باشد. «(1)» مسأله: اگر بر اثر تماس ته کفش یا کف پا با زمین، نجاست برطرف شود پاک می‌گردد، ولی بهتر است حداقل پانزده قدم راه برود. «(2)»

آفتاب

آفتاب هم با شرایطی که خواهد آمد، این اشیاء را پاک می‌کند.
* زمین.
* ساختمان و چیزهایی که در آن بکار رفته است، مانند در و پنجره.
* درخت و گیاه. «(3)»

1- توضیح‌المسائل، مسأله 183، 192.
2- العروةالوثقی، ج 1، ص 125.
3- العروةالوثقی، ج 1، ص 129، و تحریرالوسیله، ج 1، ص 130.

شرایط مُطهِّر بودن آفتاب
* چیز نجس تر باشد به قدری که اگر چیزی به آن برسد تر شود.
* با تابش آفتاب خشک شود، اگر مرطوب بماند، پاک نشده است.
* چیزی مانند ابر یا پرده، مانع تابش آفتاب نباشد، مگر آنکه رقیق و نازک باشد و از تابش آفتاب جلوگیری نکند.
* آفتاب، به تنهائی آن را خشک کند، مثلًا به کمک باد خشک نشود.
* هنگام تابش آفتاب، عین نجاست «(1)» در آن نباشد، پس اگر عین نجاست هست، پیش از تابش آفتاب برطرف کنند.
* قسمت بیرون و درون دیوار یا زمین را یکباره خشک کند، پس اگر روی آن امروز خشک شود و درون آن فردا، تنها روی آن پاک می‌شود.
مسأله: اگر زمین و مانند آن نجس باشد، ولی رطوبتی نداشته باشد، می‌توان مقداری آب، یا چیز دیگری که سبب مرطوب شدن آن بشود، بر آن ریخته و سپس آفتاب بتابد و آن را پاک کند.

1- العروةالوثقی، ج 1، ص 129 تا 131 و تحریرالوسیله، ج 1، ص 130.

ص:36

اسلام

اگر کافر، شهادتین را بگوید، مسلمان می‌شود و با اسلام، تمام بدن او پاک می‌گردد؛ یعنی بگوید:
«اشْهَدُ انْ لااله الاّ اللّه، وَ اشْهَدُ انَّ مُحَمَّداً رسُولُ‌اللّه». «(1)»

برطرف شدن عین نجاست

در دو مورد، با برطرف شدن آلودگی، چیز نجس پاک می‌شود و نیازی به آب کشیدن ندارد.
الف: بدن حیوان؛ مثلًا منقار مرغی که غذای نجس خورده است، هنگامی که نجاست برطرف شود پاک است.
ب: باطن بدن انسان، مانند داخل دهان و بینی و گوش؛ مثلًا اگر هنگام مسواک کردن، از لثه‌ها خون بیاید، وقتی که آب دهان رنگ خون نداشته باشد، پاک است و آب کشیدن داخل دهان لازم نیست. «(2)»

1- انسان در هنگام تخلّی نباید رو به قبله یا پشت به قبله باشد. «(3)»

1- تحریرالوسیله، ج 1، ص 131 و توضیح المسائل، م 207.
2- توضیح‌المسائل، م 216، 217.
3- توضیح المسائل، م 59.

2- پس از برطرف شدن بول، یکبار شستن مخرج بول برای مردان کافی است «(1)» ولی زنها بنابر احتیاط واجب، باید دو بار بشویند. «(2)» «(3)»
3- در تطهیر مخرج غائط، اگر در دفعه اوّل طوری شسته شود که ذره‌ای غائط باقی نماند، دوباره شستن لازم نیست. «(4)» راهنمایی
در برخی از اماکن مکّه و مدینه، بر اثر ازدحام جمعیّت، ممکن است نظافت آن اماکن به خوبی مراعات نشود، ولی تمیز نبودن، دلیل بر نجس بودن نیست، و تا یقین به نجس شدن چیزی حاصل نشود، آن چیز پاک است و حجاج عزیز هرگز نباید به خود وسوسه راه دهند، که سبب غفلت از مراتب معنوی اعمال عمره و حج است. همچنان‌که امام خمینی- قدس سره- می‌فرمایند.

1- اراکی مخرج بول با غیر آب پاک نمی‌شود و باید با آب دو مرتبه شسته شود. مسأله 66
2- توضیح المسائل، م 66.
3- گلپایگانی- خوئی ولی با آب قلیل باید دو مرتبه شسته شود و بهتر است سه‌بار بشویند.
4- توضیح‌المسائل، م 67.

ص:38

وضو

اشاره

نمازگزار باید قبل از انجام نماز، وضو گرفته و خود را برای انجام این عبادت بزرگ آماده کند.
در برخی از موارد هم باید «غُسل» کند؛ یعنی تمام بدن را بشوید و هرگاه نتواند وضو بگیرد یا غسل کند، باید به جای آن عملِ دیگری به نام «تیمّم» انجام دهد که در این قسمت با احکام هریک آشنا خواهید شد.

چگونگی وضو

انسان باید در وضو ابتداصورت را بشوید و سپس دست راست و بعد از آن دست چپ را، بعد از شستن این اعضا باید با رطوبتی که از شستن دست بر کف آن است، سر را مسح کند؛ یعنی دست را بر آن بکشد و سپس پای راست و در آخر پای چپ را مسح کند، اکنون برای آشنایی بیشتر با اعمال وضو، به نمودارصفحه بعد توجه کنید:

ص:39
از جائی که موی سر روییده تا 1-صورت آخر چانه (طول). و ازپهنا فاصله بین شست و انگشت میانه که برصورت قرار گیرد (عرض).
1- شستن 2- دست‌راست
از آرنج تا نوک انگشتان.
3- دست چپ
کارهای‌وضو «(1)» 1- سر قسمت جلوی آن، که بالای پیشانی است
2- پای راست
2- مسح روی پا از نوک انگشت تا برآمدگی. «(2)»
3- پای چپ

شستن
1- مقدار واجب در شستنصورت و دستها، همان است که گذشت، ولی برای آنکه یقین کند مقدار واجب را شسته، باید کمی اطراف

1- . تحریرالوسیله- ج 1 ص 21، م 1.
2- سایر مراجع احتیاط واجب آن است که تا مفصل را هم مسح کند. مسأله 258

آن را هم بشوید. «(1)» 2- بنا بر احتیاط واجب، «(2)» بایدصورت و دستها را از بالا به پائین شست و اگر از پائین به بالا بشوید وضو باطل است.
«(3)» مسح سر
1- جای مسح: یک قسمت از چهار قسمت سر، که بالای پیشانی است (بالای سر).
2- مقدار واجب مسح: هر قدر باشد کافی است (به مقداری که اگر کسی ببیند بگوید مسح کرد).
3- مقدار مستحب آن: به پهنای سه انگشت بسته و طول یک انگشت.
4- لازم نیست مسح برپوست سرباشد، بلکه بر موی جلوی سرهمصحیح است، مگر موی سربه قدری بلند باشد که هنگام شانه زدن، بهصورتش بریزد، که باید، پوست سر یا قسمت پائین (بیخ) مو را مسح نماید.
مسح پا
1- جای مسح: روی پا است.

1- تحریرالوسیله- ج 1 ص 21، م 1 و 2.
2- سایر مراجع باید از بالا به پائین بشوید. مسأله 249
3- توضیح‌المسائل- م 243.

2- مقدار واجب مسح: طول؛ از سرانگشت تا بر آمدگی روی پا، «(1)» عرض؛ هر اندازه باشد کافی است هر چند به قدر یک انگشت باشد.
3- مقدار مستحب مسح: همه روی پا.
4- پای راست را باید قبل از پای چپ مسح کند، «(2)» ولی لازم نیست پای راست را با دست راست و پای چپ را با دست چپ مسح کند. «(3)»
مسائل مشترک مسح سر و پا
1- در مسح باید دست را بر سر و پاها بکشد و اگر دست را نگه دارد، و سر یا پا را به آن بکشد وضو باطل است، ولی اگر موقعی که دست را می‌کشد، سر یا پا مختصری حرکت کند اشکال ندارد. «(4)» 2- اگر برای مسح، رطوبتی در کف دست نمانده باشد، نمی‌تواند دست را با آب خارج تر کند، بلکه باید از اعضای دیگرِ وضو، رطوبت بگیرد و با آن مسح کند. «(5)» 3- رطوبت دست باید بقدری باشد که بر سر و پا اثر بگذارد. «(6)»
4- محل مسح (سر و روی پاها) باید خشک باشد، بنابراین اگر

1- سایر مراجع احتیاط واجب آن است که تا مفصل را هم مسح کند. مسأله 249
2- گلپایگانی- اراکی باید پای چپ را پیش از پای راست مسح نکند؛ خوئی بنابر احتیاط واجب پای چپ را بعد از پای راست مسح کند شرایط وضو، شراط نهم.
3- توضیح‌المسائل- م 252 و 253 و العروةالوثقی- ج 1 ص 209.
4- توضیح‌المسائل. م 255.
5- . توضیح‌المسائل- م 257.
6- العروةالوثقی- ج 1 ص 212، م 26.

جای مسح تر باشد، باید آن را خشک کرد ولی اگر رطوبت آن بقدری کم باشد که مانع از تأثیر رطوبت دست، بر آن نباشد مانع ندارد. «(1)» 5- بین دست و سر یا پاها باید چیزی مانند چادر و کلاه، یا جوراب و کفش فاصله نباشد. هر چند بسیار رقیق و نازک باشد و رطوبت به پوست برسد (مگر در حال ناچاری). «(2)» 6- محل مسح باید پاک باشد، پس اگر نجس است و نمی‌تواند آن را آب بکشد باید تیمم کند. «(3)» شرایط وضو
با شرایطی که خواهد آمد، وضوصحیح است، و با از بین رفتن هر یک از آنها وضو باطل می‌شود.
شرایط آب وضو
1- پاک باشد.
2- مباح باشد (غصبی نباشد). «(4)» 3- مطلق باشد (مضاف نباشد).

1- العروةالوثقی- ج 1 ص 212، م 26.
2- العروةالوثقی- ج 1 ص 212، م 27.
3- توضیح‌المسائل- م 260.
4- . سایر مراجع آب وضو و فضایی که در آن وضو می‌گیرد نیز مباح باشد. بعد از مسأله 272، شرط سوّم.

شرایط ظرف آب وضو
1- مباح باشد.
2- طلا و نقره نباشد.
شرایط اعضای وضو
1- پاک باشد.
2- مانعی از رسیدن آب در آن نباشد.
شرایط وضو گیرنده
1- استعمال آب برای او مانعی نداشته باشد.
2- با قصد قربت وضو بگیرد (ریا نکند).
سایر شرایط وضو
1- رعایت ترتیب (همانگونه که در اعمال وضو گذشت).
2- رعایت موالات (بین اعمال وضو فاصله نیفتد).
3- شخصاً وضو بگیرد (از دیگری کمک نگیرد).
توضیح: شرایط آب وضو و ظرف آن
1- وضو با آب نجس و مضاف باطل است، خواه بداند آن آب نجس یا مضاف است یا نداند، یا فراموش کرده باشد. «(1)» 2- آب وضو باید مباح باشد، بنابر این در موارد زیر وضو باطل است:
* وضو گرفتن با آبی کهصاحب آن راضی نیست (راضی نبودن او معلوم است).
* آبی که معلوم نیستصاحب آن راضی است یا نه.
* آبی که وقف افراد خاصی است، مانند حوض برخی از مدارس و وضوخانه بعضی از هتلها و مسافرخانه‌ها و ... «(2)» 3- وضو گرفتن از نهرهای بزرگ، گرچه انسان نداندصاحبان آنها راضی هستند یا نه اشکال ندارد، امّا اگرصاحبان آن از وضو گرفتن جلوگیری کنند، احتیاط واجب آن است که وضو نگیرند. «(3)» 4- اگر آب وضو در ظرف غصبی باشد و با آن وضو بگیرد باطل است. «(4)»

1- توضیح‌المسائل- 265.
2- العروةالوثقی- ج 1 ص 225، م 6، 7، 8 و توضیح‌المسائل- م 267 تا 272.
3- توضیح‌المسائل، مسأله 271.
4- توضیح‌المسائل- شرایط وضو- شرط چهارم.

شرایط اعضای وضو
1- اعضای وضو در موقع شستن و مسح باید پاک باشد. «(1)» 2- اگر چیزی بر اعضای وضو باشد (اعضای شستن) که از رسیدن آب به آن جلوگیری کند، یا بر اعضای مسح است، هر چند از رسیدن آب جلوگیری نکند، برای وضو باید برطرف شود. «(2)»
3- خطوط قلم خودکار و لکه‌های رنگ و چربی و کِرِمْ درصورتی که رنگ بدون جِرم باشد، مانع وضو نیست، ولی اگر جِرم داشته باشد (روی پوست را گرفته) باید بر طرف شود. «(3)» شرایط وضو گیرنده:
1- کسی که می‌داند اگر وضو بگیرد مریض می‌شود و یا می‌ترسد که مریض شود، باید تیمم کند و اگر وضو بگیرد باطل است. ولی اگر نداند که آب برای او ضرر دارد و وضو بگیرد و بعد بفهمد که ضرر داشته، وضویشصحیح است. «(4)» «(5)»
2- وضو، باید به قصد قربت انجام شود، یعنی برای انجام فرمان

1- توضیح‌المسائل- ص 35، شرط ششم.
2- توضیح‌المسائل- ص 37، شرط سیزدهم و مسأله 259.
3- استفتاآت- ج 1 ص 36 و 37، س 40 تا 45.
4- العروةالوثقی- م ج 1 ص 232- توضیح‌المسائل- م 288 و 672.
5- خوئی اگر بعد از وضو بفهمد ضرر داشته و ضرر به حدی که شرعاً حرام است نبوده، وضویش صحیح است؛ گلپایگانی اگر بعد از وضو بفهمد ضرر داشته، احتیاط واجب آن است که علاوه بر وضو، تیمم نیز بنماید. مسأله 294

خداوند عالم وضو بگیرد. «(1)» 3- لازم نیست نیّت رابه زبان آورد، یا از قلب خود بگذراند، بلکه همین مقدار که می‌داند وضو می‌گیرد کافی است، بطوری که اگر از او بپرسند، چه می‌کنی؟ بگوید وضو می‌گیرم. «(2)»

«(3)»
کارهای وضو بدین ترتیب باید انجام شود:
* شستنصورت
* شستن دست راست
* شستن دست چپ
* مسح سر
* مسح پای راست
* مسح پای چپ
اگر ترتیب اعمال وضو بهم بخورد وضو باطل است، حتی اگر پای چپ و راست را همزمان مسح کند. «(4)» مُوالات
1- موالات یعنی؛ پشت سر هم انجام دادن و فاصله نینداختن بین

1- توضیح المسائل، ص 31، شرط هشتم.
2- توضیح المسائل، م 282.
3- تحریرالوسیله- ج 1 ص 28.
4- پاورقی ص را نگاه کنید.

اعمال وضو.
2- اگر بین کارهای وضو به قدری فاصله شود که وقتی می‌خواهد جایی را بشوید یا مسح کند رطوبت جاهایی که پیش از آن شسته یا مسح کرده، خشک شده باشد، وضو باطل است. «(1)» از دیگران کمک نگیرد
1- کسی که می‌تواند اعمال وضو را انجام دهد، نباید از دیگری کمک بگیرد، پس اگر شخص دیگریصورت و دست او را بشوید و یا مسح او را انجام دهد وضو باطل است. «(2)» 2- کسی که نمی‌تواند وضو بگیرد، باید نائب بگیرد که او را وضو دهد و چنانچه مزد هم بخواهد، درصورتی که بتواند باید بدهد، ولی خود او باید نیّت وضو کند. «(3)» مسأله:
اگر وقت نماز به قدری تنگ است که اگر وضو بگیرد، تمام نماز یا قسمتی از آن، بعد از وقت خوانده می‌شود، باید تیمم کند. «(4)»

1- تحریرالوسیله- ج 1 ص 28، م 15 و توضیح‌المسائل- م 283.
2- العروةالوثقی- ج 1 ص 234.
3- توضیح‌المسائل- م 286.
4- توضیح المسائل، م 280.

راهنمایی

زائران عزیز توجه داشته باشند، که در مساجد مکه و مدینه و سایر اماکن، ظرف‌های آب سردی که برای نوشیدن قرار می‌دهند، چون ممکن است وضو گرفتن از آنها ممنوع باشد، احتیاط کرده و از آن وضو نگیرند، تا سایر اعمال آنها دچار اشکال نشود.

وضوی جَبیره‌ای

تعریف جبیره: دوایی که بر زخم می‌زنند و چیزی که با آن زخم را می‌بندند، «جَبیره» نام دارد.
1- شخصی که بر اعضای وضویش، زخم یا شکستگی است؛ اگر بتواند بطور معمول وضو بگیرد، باید بطور معمول وضو بگیرد. «(1)» مثلاً؛
الف: روی زخم باز است و آب برای آن ضرر ندارد.
ب: روی زخم بسته است ولی باز کردن آن امکان دارد و آب ضرر ندارد.
2- چنانچه زخم برصورت یا دستهاست و روی آن باز است و آب ریختن روی آن ضرر دارد، «(2)» اگر اطراف آن را بشوید کافی است. «(3)»

1- توضیح المسائل- م 324- 325.
2- . توضیح المسائل- م 324- 325.
3- توضیح المسائل- م 324- 325.

3- اگر زخم یا شکستگی در جلوی سر یا روی پاها است (محل مسح) و روی آن باز است، چنانچه نتواند آن را مسح کند، باید پارچه پاکی روی آن بگذارد و روی پارچه را با تری آب وضو که در دست مانده، مسح کند.
«(1)» «(2)» کیفیت انجام وضوی جبیره‌ای
در وضوی جبیره‌ای، باید جاهایی که شستن یا مسح آن امکان دارد بطور معمول بشوید یا مسح کند، و مواردی که امکان ندارد، دست‌تر بر جبیره بکشد.
چند مسئله:
1- اگر جبیره بیش از حد معمول، اطراف زخم را پوشانده باشد، و برداشتن آن ممکن نیست، باید «(3)» وضوی جبیره‌ای گرفته و بنابر احتیاط

1- توضیح المسائل- م 326.
2- گلپایگانی و بنابر احتیاط لازم تیمم هم بنماید؛
خوئی باید تیمم کند و بنابر احتیاط وضوی جبیره‌ای هم بگیرد. مسأله 332
3- خوئی باید تیمم کند، مگر آنکه جبیره در مواضع تیمم باشد که در این‌صورت لازم است هم وضو بگیرد و هم تیمم کند. مسأله 341

واجب تیمم هم انجام دهد. «(1)» 2- کسی که نمی‌داند وظیفه‌اش وضوی جبیره‌ای است یا تیمم، بنا بر احتیاط واجب باید هر دو را انجام دهد. «(2)» 3- اگر درصورت و دستها چند جبیره باشد، باید بین آنها را بشوید و اگر جبیره‌ها در سر یا روی پاها باشد باید بین آنها را مسح کند و در جاهایی که جبیره است باید به دستور جبیره عمل کند. «(3)»

چیزهایی که باید برای آنها وضو گرفت

1- برای انجام نماز (بجز نماز میت).
2- برای انجام طواف کعبه.
3- برای رساندن جایی از بدن به نوشته قرآن و اسم خداوند. «(4)»
«(5)» چند مسأله:
1- اگر نماز یا طواف بدون وضو انجام شود باطل است.
2- کسی که وضو ندارد نباید جائی از بدن خود را به این نوشته‌ها برساند:
* خط قرآن، ولی ترجمه آن اشکال ندارد.

1- توضیح المسائل- م 335.
2- توضیح المسائل- م 343.
3- توضیح المسائل- م 334.
4- توضیحالمسائل- م 316.
5- تفصیل این مسأله در درس 44 خواهد آمد.

* اسم خداوند به هر زبانی نوشته شده باشد، مانند: «اللَّه»، «خدا»، «God».
* نام پیامبر اکرم-صلی اللَّه علیه و آله- (بنابر احتیاط واجب).
* اسامی امامان- علیهم السلام- (بنابر احتیاط واجب).
* نام حضرت زهرا- علیها السلام- (بنابر احتیاط واجب). «(1)» 3- برای این کارها وضو گرفتن مستحب است:
* رفتن به مسجد و حرم امامان.
* خواندن قرآن.
* همراه داشتن قرآن.
* رساندن جایی از بدن به جلد یا حاشیه قرآن.
* زیارت اهل قبور. «(2)»

چگونه وضو باطل می‌شود؟

1- خارج شدن ادرار یا مدفوع یا باد از انسان.
2- خواب، چنانچه گوش نشنود و چشم نبیند.
3- چیزهایی که عقل را از بین می‌برد، مانند: دیوانگی، مستی، بی‌هوشی.
4- استحاضه زنان. «(3)»

1- توضیح المسائل- م 317 و 319.
2- توضیح المسائل- م 322.
3- این مسأله مربوط به بانوان است که می‌توانند برای توضیح بیشتر به رساله توضیح‌المسائل مسأله 329 تا 520 رجوع کنند.

5- آنچه سبب غسل شود، مانند جنابت و مَسّ میّت. «(1)» راهنمایی از مجموع اعمال عمره و حج، تنها طواف و نماز طواف است که باید با طهارت انجام شود، و در سایر اعمال، طهارت شرط نیست، گرچه در برخی از آنها مستحب است، بنابر این حجاج عزیز توجه داشته باشند که برای انجام طواف و نماز آن (طواف عمره، حج و نساء)، حتماً باید وضو بگیرند، و غسل مستحبی احرام یا طواف، کافی نیست.

1- توضیح المسائل- م 323.

ص:52

غسل

اشاره

گاهی اوقات باید برای نماز (و هر کاری که باید با وضو انجام شود) غسل کرد؛ یعنی برای اطاعت فرمان خداوند، تمام بدن را شست.
اکنون به بیان موارد غسل و چگونگی آن می‌پردازیم:
1- جنابت
مشترک بین‌مردان‌وزنان 2- مس‌میت
3- میت
اقسام غسلهای واجب
1- حیض
مخصوص‌بانوان 2- استحاضه
3- نفاس
پس از تعریف و تقسیم غسل به بیان مسائل هر یک از غسلهای واجب می‌پردازیم:

ص:53

غسل جنابت

1- چگونه انسان جنب می‌شود؟
کم باشد یا زیاد.
1- بیرون آمدن منی
در خواب باشد یا بیداری.
عوامل جنابت
با حلال باشد یا با حرام.
2- جماع (آمیزش)
منی بیرون بیاید یا نیاید. «(1)» 2- اگر منی از جای خود حرکت کند، ولی بیرون نیاید سبب جنابت نمی‌شود. «(2)» 3- کسی که می‌داند منی از او خارج شده است و یا می‌داند آنچه بیرون آمده است منی می‌باشد، جنب است و باید غسل کند. «(3)» 4- کسی که نمی‌داند آنچه از او بیرون آمده منی است یا نه درصورتی که نشانه‌های منی را داشته باشد جنب است و در غیر اینصورت حکم به جنابت نمی‌شود. «(4)»

1- تحریرالوسیله- ج 1 ص 36.
2- تحریرالوسیله- ج 1 ص 36، م 1.
3- تحریرالوسیله- ج 1 ص 136 و العروةالوثقی- ج 1 ص 378.
4- . تحریرالوسیله- ج 1 ص 136 و العروةالوثقی- ج 1 ص 378.

5- نشانه‌های منی: «(1)»
* با شهوت بیرون آید.
* با فشار و جستن بیرون آید.
* بعد از بیرون آمدن، بدن سست شود. «(2)»
بنابراین کسی که آبی از او خارج شده و نمی‌داند منی است یا نه، درصورتی که تمام این نشانه ها را داشته باشد جنب است وگرنه جنب نمی‌باشد، حتی اگر یکی از نشانه‌ها وجود نداشته باشد، بجز زن و مریض که وجود یک نشانه؛ یعنی بیرون آمدن از روی شهوت، کافی است. «(3)»
6- مستحب است انسان بعد از بیرون آمدن منی بول کند و اگر بول نکند و بعد از غسل رطوبتی از او خارج شود که نداند منی است یا رطوبت دیگر، حکم منی را دارد. «(4)»

«(5)»
* رساندن جایی از بدن به خط قرآن، اسم خداوند و بنابر احتیاط واجب اسامی پیامبران و ائمه و حضرت زهرا (علیهم‌السلام). «(6)»
* رفتن به مسجدالحرام و مسجدالنبی (صلی‌اللّه علیه وآله) هر

1- تحریرالوسیله- ج 1 ص 136 و العروةالوثقی- ج 1 ص 378.
2- گلپایگانی چنانچه با شهوت و جستن بیرون آمده و یا با جستن بیرون آمده و بعد از بیرون آمدن آن بدن سست شده، آن رطوبت حکم منی دارد. مسأله 352
3- خوئی اگر با شهوت بیرون آید و بدن سست شود، در حکم منی است. مسأله 352
4- توضیح‌المسائل م 348.
5- . تحریرالوسیله- ج 1 ص 39- 38.
6- خوئی اسامی پیامبران و امامان علیهم السلام هم حرام است. مسأله 361

چند از یک در داخل شود و از در دیگر بیرون رود.
* توقف در مساجد.
* گذاشتن چیزی در مسجد هر چند از بیرون مسجد باشد. «(1)»
* خواندن سوره‌هایی از قرآن که سجده واجب دارد، حتی یک حرف از آن. «(2)»
* توقف در حرم امامان علیهم‌السلام، بنابر احتیاط واجب). «(3)»
سوره‌های سجده‌دار قرآن: «(4)» سوره شماره 32/ سجده
سوره شماره 41/ فُصِّلت
سوره شماره 53/ نَجم
سوره شماره 96/ عَلَق
3- اگر جنب از یک درِ مسجد وارد شود و از در دیگر خارج شود (عبور بدون توقف) مانع ندارد، بجز مسجدالحرام ومسجدالنبی که عبور هم جایز نیست. «(5)» 4- اگر شخصی در خانه‌اش مکانی را برای نماز قرار دهد و همچنین نمازخانه مؤسسه‌ها و ادارات، حکم مسجد ندارد. «(6)»

1- اراکی اگر توقف نداشته باشد، گذاشتن چیزی در مسجد، اشکال ندارد؛ خوئی وارد شدن برای برداشتن چیزی هم حرام است. مسأله 352
2- گلپایگانی- خوئی تنها خواندن آیات سجده واجب حرام است. مسأله 361
3- اراکی توقف در حرم امامان هم در حال جنابت حرام است. مسأله 352
4- تحریرالوسیله- ج 1 ص 38- 39.
5- تحریرالوسیله- ج 1 ص 38- 39.
6- العروةالوثقی- ج 1 ص 288، م 3.

ص:56

انجام غسل

در غسل باید تمام بدن و سر و گردن شسته شود، خواه غسل واجب باشد مانند جنابت، و یا مستحب، مانند غسل جمعه، به عبارت دیگر تمام غسلها در انجام فرقی ندارند مگر در نیّت.
غسل، به گونه‌های زیر انجام می‌شود:
اول سر و گردن،
1- ترتیبی «(1)» و سپس نیمه راست بدن.
و بعد از آن نیمه چپ بدن را بشوید.
نحوه‌انجام‌غسل* با نیت غسل یکباره زیر آب می‌رود بطوری‌که تمام بدن در آب قرار گیرد.
* یا به تدریج زیر آب می‌رود، که در 2- ارتماسی نهایت تمام بدن در آب قرار گیرد.
* و یا زیر آب رفته و در آب به نیت غسل بدن را تکان می‌دهد.
توضیح:
غسل را به دوصورت می‌توان انجام داد: «ترتیبی» و «ارتماسی».

1- توضیح‌المسائل- م 361 و 367 و 368.

ص:57
در غسل ترتیبی، ابتدا سرو گردن شسته می‌شود، سپس نیمه راست بدن و بعد از آن نیمه چپ.
در غسل‌ارتماسی، تمام بدن یکباره در آب قرار می‌گیرد، پس در غسل ارتماسی باید آب به قدری باشد که انسان بتواند تمام بدن را زیر آب برد.

شرایط صحیح بودن غسل:

1- تمام شرطهایی که برایصحیح بودن وضو گفته شد، درصحیح بودن غسل هم شرط است، بجز موالات. و همچنین لازم نیست بدن را از بالا به پائین بشوید. «(1)»
2- کسی که چند غسل بر او واجب است، می‌تواند به نیّت همه آنها یک غسل بجا آورد. «(2)»
3- کسی که غسل جنابت کرده، نباید برای نماز وضو بگیرد، ولی با غسلهای دیگر نمی‌شود نماز خواند و باید وضو هم بگیرد. «(3)» «(4)»
4- در غسل ارتماسی باید تمام بدن پاک باشد، ولی در غسل ترتیبی پاک بودن تمام بدن لازم نیست، و اگر هر قسمتی را پیش از غسل

1- توضیح‌المسائل- م 380.
2- توضیح‌المسائل- م 389.
3- توضیح‌المسائل- م 391.
4- خوئی با غسلهای واجب دیگر غیر از غسل استحاضه متوسطه و غسلهای مستحب نیز می‌تواند بدون وضو نماز بخواند اگر چه احتیاط مستحب آن است که وضو هم بگیرد. مسأله 397

دادن همان قسمت، تطهیر کند کافی است. «(1)» «(2)»
5- غسل جبیره‌ای مثل وضوی جبیره‌ای است ولی بنابر احتیاط واجب «(3)» باید آن را ترتیبی بجا آورد. «(4)»
6- کسی که روزه واجب گرفته، نمی‌تواند در حال روزه غسل ارتماسی انجام دهد، چون روزه‌دار نباید تمام سر را در آب فرو برد ولی اگر از روی فراموشی غسل ارتماسی کندصحیح است. «(5)»
7- در غسل لازم نیست تمام بدن با دست شسته شود، و چنانچه با نیت غسل، آب به تمام بدن برسد کافی است. «(6)»

غسل مَسّ میّت

اگر کسی جایی از بدن خود را به بدن انسان مرده‌ای که سرد شده و غسلش نداده‌اند برساند، باید غسل مَسّ میت کند. «(7)»

1- توضیح‌المسائل- م 372.
2- خوئی در غسل ارتماسی یا ترتیبی پاک بودن تمام بدن پیش از غسل لازم نیست، بلکه اگر به فرو رفتن در آب یا ریختن آب به قصد غسل، بدن پاک شود، غسل محقق می‌شود. مسأله 378
3- اراکی احتیاط مستحب است، آن را ترتیبی بجا آورند نه ارتماسی؛ خوئی باید آن را ترتیبی بجاآورند. مسأله 337؛ گلپایگانی اگر ترتیبی انجام دهند بهتر است، گر چه ارتماسی هم صحیح است. مسأله 345
4- توضیح‌المسائل- م 339.
5- توضیح‌المسائل- م 371.
6- استفتائات- ج 1 ص 56، س 117.
7- توضیح المسائل- م 521.

ص:59

غسل میّت

1- هرگاه مؤمنی «(1)» از دنیا برود، بر همه مکلفین واجب است که او را غسل داده و کفن کنند و بر او نماز بخوانند و سپس دفن کنند، و اگر بعضی انجام دهند، از دیگران ساقط می‌شود. «(2)»
2- واجب است میّت را سه غسل بدهند:
اول: به آبی که با سدر مخلوط باشد.
دوم: به آبی که با کافور مخلوط باشد.
سوم: با آب خالص. «(3)»
3- غسل میّت مثل غسل جنابت است، و احتیاط واجب آن است که تا غسل ترتیبی ممکن است، میّت را غسل ارتماسی ندهند. «(4)»

1- سایر مراجع مسلمانی مسأله 548.
2- توضیح المسائل- م 542.
3- . توضیح‌المسائل- م 550.
4- توضیح‌المسائل- م 565.

ص:60

غسلهای اختصاصی بانوان

حیض، نِفاس، استحاضه:
1- خونی که زن هنگام تولد بچه می‌بیند خون نفاس است. «(1)»
2- خونی که زن در ایّام عادت ماهانه می‌بیند، حیض است. «(2)»
3- وقتی که زن از خون حیض و نفاس پاک شد، باید برای نماز و طواف و سایر کارهایی که نیاز به طهارت دارد، غسل کند و وضو هم بگیرد. «(3)»
4- اگر زن در ایام عادت ماهانه، طواف بجا آورد باطل است. «(4)»
5- طهارت از حدث شرط طواف مستحبی نیست، ولی زن حایض و نفساء چون نباید به مسجد الحرام وارد شوند، نمی‌توانند طواف مستحبی بجا آورند. «(5)»
6- اگر سهواً یا از روی غفلت و یا به جهت ندانستن مسأله، طواف را بی‌وضو یا با حال جنابت یا حیض یا نفاس بجا آورد، باطل است. «(6)»
7- اگر زنی قبل از احرام یا هنگام احرام و در بین اعمال عمره یا حج حایض شود، وظایف خاصی دارد، که در مناسک حج آمده است،

1- . توضیح‌المسائل- م 508.
2- توضیح المسائل- ص 55.
3- توضیح‌المسائل- م 515 و 446.
4- مناسک، ص 109، م 1.
5- مناسک، ص 109، م 2.
6- مناسک، ص 120، م 32.

به آنجا مراجعه کند «(1)» و یا از روحانی کاروان سؤال نماید.
8- یکی دیگر از خون‌هایی که زنها می‌بینند، استحاضه است و در برخی از موارد آن، باید برای نماز و عبادتهایی که نیاز به طهارت دارد غسل کنند. «(2)»
9- استحاضه بانوان از نظر کمی و زیادی خون، به سه دسته تقسیم می‌شود؛ قلیله، متوسطه و کثیره. «(3)» وظیفه مستحاضه نسبت به طواف و نماز طواف
1- مستحاضه قلیله برای انجام طواف واجب و نماز آن، باید مانند نمازهای یومیّه، بدن و لباس را تطهیر کند و وضو هم بگیرد. «(4)»
2- مستحاضه متوسطه، به علاوه کارهای قلیله، باید برای طواف و نماز طواف، غسل استحاضه انجام دهد، و بنابر احتیاط واجب، به غسلی که برای انجام نمازهای یومیّه به‌جا آورده اکتفا نکند. «(5)»
3- مستحاضه کثیره باید تمام وظایفی که برای نماز یومیه انجام می‌دهد، برای طواف واجب و نماز آن نیز جداگانه انجام دهد، و احتیاط واجب آن‌است به وظایفی که برای نمازهای یومیه انجام داده اکتفا نکند. «(6)»

1- نویسنده این اثر،« احکام ویژه بانوان در حج» را در مجموعه‌ای گردآوری کرده که با همین نام به چاپ رسیده است.
2- توضیح المسائل- م 395 و 396.
3- توضیح المسائل، م 393.
4- العروةالوثقی، ج 1، ص 253، م 18.
5- همان مدرک.
6- همان مدرک.

تيمُّم

اشاره

(جانشین وضو وغسل)
در این موارد باید بجای وضو و غسل تیمم کرد:
1- آب نباشد و یا دسترسی به آن نداشته باشد.
2- آب برای او ضرر داشته باشد (؛ مثلًا به سبب استعمال آب مرضی در او پیدا می‌شود).
3- اگر آب را به مصرف وضو یا غسل برساند، خودش یا همسر او یا فرزندانش یا رفیقش یا کسانی که به او مربوطند از تشنگی بمیرند یا مریض شوند (حتی حیوانی که در اختیار اوست).
4- بدن یا لباس او نجس است و آب بیش از تطهیر آن ندارد، و لباس دیگری هم ندارد.
5- وقت برای وضو گرفتن یا غسل کردن ندارد. «(1)»

1- توضیح‌المسائل- تیمم.

ص:63

چگونه تیمم کنیم؟

اعمال تیمم
1- زدن کف دو دست با هم بر چیزی که تیمم بر آنصحیح است.
2- کشیدن هر دو دست بر تمام پیشانی و دو طرف آن، از جایی که موی سر روییده است، تا روی ابروها و بالای بینی.
3- کشیدن کف دست چپ بر تمام پشت دست راست.
4- کشیدن کف دست راست بر تمام پشت دست چپ.
تمام کارهای تیمم باید با قصد تیمم و برای اطاعت از دستور الهی انجام شود، و همچنین باید معلوم کند که تیمم بجای وضو است یا غسل. «(1)»

چیزهایی که تیمم بر آنهاصحیح است:

* خاک
* ریگ
* اقسام سنگها مانند: سنگ سیاه، سنگ مرمر، سنگ گچ (قبل از پخته شدن)، سنگ آهک (قبل از پخته شدن).
* گِل پخته؛ مانند: آجر، کوزه. «(2)» «(3)»

1- توضیح‌المسائل- م 700.
2- توضیح‌المسائل- م 684 و 685؛ و العروة الوثقی، ج 1 ص 485.
3- اراکی- گلپایگانی تیمم بر گل پخته صحیح نیست؛ خوئی بنا بر احیتیاط تیمم بر گل پخته صحیح نیست. العروة الوثقی، ج 1، ص 485

چند مسأله:
1- تیمّمی که به‌جای وضو است با تیممی که به جای غسل است فرقی ندارد مگر در نیّت. «(1)»
2- کسی که بجای وضو تیمم کرده است، اگر یکی از چیزهایی که وضو را باطل می‌کند از او سر بزند تیممش باطل می‌شود. «(2)»
3- کسی که به جای غسل تیمم کرده است هرگاه یکی از اسباب غسل؛ مثل جنابت یا مسّ میت پیش آید تیممش باطل می‌شود. «(3)»
4- تیمم درصورتی صحیح است که نتواند وضو بگیرد، یا غسل کند، بنابراین اگر بدون عذر تیمم کند،صحیح نیست و اگر عذر داشته باشد و برطرف شود؛ مثلًا آب نداشته، و آب پیدا کند، تیمم او باطل می‌شود. «(4)»
5- اگر به جای غسل جنابت تیمم کند، لازم نیست «(5)» برای نماز وضو بگیرد ولی اگر به جای غسلهای دیگر تیمم کند، با آن تیمم نمی‌تواند نماز بخواند و باید برای نماز وضو بگیرد و اگر نتواند وضو بگیرد، باید تیمم دیگری به جای وضو انجام دهد. «(6)»

1- توضیح‌المسائل- م 701.
2- توضیح‌المسائل- م 720.
3- توضیح‌المسائل- م 720.
4- توضیح‌المسائل- م 722.
5- گلپایگانی نباید وضو بگیرد. مسأله 731
6- توضیح‌المسائل- م 723.

ص:65

شرایط صحیح بودن تیمم:

* اعضای تیمم؛ یعنی پیشانی و دستها پاک باشد.
* پیشانی و پشت دستها را از بالا به پائین مسح کند.
* چیزی که بر آن تیمم می‌کند پاک و مباح باشد.
* ترتیب را رعایت کند.
* موالات را رعایت کند.
* چیزی بین دست و پیشانی وهمچنین کف دست و پشت دست در هنگام مسح فاصله نباشد. «(1)»

1- العروة الوثقی، ج 1 ص 495 و توضیح‌المسائل- م 692- 694- 704 تا 706.

ص:66

نماز

وقت نماز

پس از فرا گرفتن مسائل طهارت، کم‌کم برای انجام نماز، آماده می‌شویم. برای آشنایی با مسائل و احکام نماز ابتدا یادآور می‌شویم که نماز یا واجب است و یا مستحب، نمازهای واجب هم دو دسته‌اند؛ بعضی از آنها تکلیف هر روزه می‌باشد و در هر شبانه‌روز، در زمانهای خاصی باید بجا آورده شود و برخی دیگر نمازهایی هستند که گاهی اوقات به سببی خاص واجب می‌شود و برنامه همیشگی و هر روزه نمی‌باشد، جهت آشنایی با نمازهای واجب به نمودارصفحه بعد توجه کنید:

ص:67
1-صبح
2- ظهر
1- هرروزه (یومیّه) 3- عصر
4- مغرب
5- عشاء
1- واجب
1- آیات
2- طواف واجب
3- میّت
اقسام نماز 2- مَقطعی 4- قضای پدر بر پسر بزرگتر
5- نمازی که با نذر واجب می‌شود
2- مستحب: نمازهای مستحب بسیار است. «(1)»

وقت نمازهای روزانه:

نمازهای هر روزه، پنج نماز و مجموع آنها هفده رکعت است.
نمازصبح: دو رکعت
نماز ظهر: چهار رکعت
نماز عصر: چهار رکعت
نماز مغرب: سه رکعت
نماز عشاء: چهار رکعت
اولین سؤالی که در رابطه با نمازهای روزانه مطرح می‌باشد این است که این نمازها در چه وقتی باید خوانده شود؟
وقت نمازصبح: از اذانصبح تا طلوع آفتاب
وقت نماز ظهر و عصر: از ظهر شرعی تا مغرب

1- توضیح‌المسائل، نمازهای واجب.

وقت نماز مغرب و عشاء: از مغرب تا نصف شب «(1)» نمودار فرضی وقت نمازهای یومیه
توضیح:
وقت اذانصبح
نزدیک اذانصبح، از طرف مشرق، سفیده‌ای رو به بالا حرکت می‌کند که آن را «فجراوّل» گویند، هنگامی که آن سفیده پهن شد، «فجر دوّم» و ابتدای وقت نمازصبح است. «(2)»

1- توضیح‌المسائل- م 731 و 736.
2- توضیح‌المسائل- م 741.

ظهر:

اگر چوب یا چیزی مانند آن را عمود بر زمین قرار دهیم، وقتی که سایه آن به کمترین مقدار رسید و رو به افزایش گذاشت «ظهر شرعی» و ابتدای وقت نماز ظهر است. «(1)» مغرب:

«مغرب» موقعی است که سرخی طرف مشرق، که بعد از غروب آفتاب پیدا می‌شود از بین برود. «(2)» «(3)» نیمه شب

اگر فاصله بین غروب آفتاب با اذانصبح «(4)» را دو نیم کنیم، وسط آن «نیمه شب» و آخر وقت نماز عشاء است. «(5)» «(6)»

1- نمازهای غیر روزانه و مقطعی دارای وقت مشخصی نمی‌باشد،

1- توضیح‌المسائل- م 729.
2- توضیح‌المسائل- م 735.
3- سایر مراجع از بالای سر بگذرد. مسأله 743
4- خوئی باید از اوّل غروب تا اوّل آفتاب حساب کرد. مسأله 747
5- احتیاط واجب آن است که برای نماز عشاء همانگونه که در متن آمده است و برای نماز شب تا اوّل آفتاب حساب شود. توضیح المسائل- م 739
6- تقریباً یازده ساعت و ربع بعد از ظهر شرعی، آخر وقت نماز مغرب و عشاء است.

بلکه وقت انجام آنها بستگی به زمانی دارد که به علّتی آن نماز واجب شود.
مثلًا؛ نماز آیات بستگی به زلزله یا کسوف یا خسوف و یا حادثه‌ای دارد که پیش آمده است، و نماز میّت، زمانی واجب می‌شود که مسلمانی از دنیا برود، و تفصیل هر کدام در جای خود خواهد آمد.
2- اگر تمام نماز قبل از وقت خوانده شود و یا عمداً نماز را قبل از وقت شروع کند، باطل است. «(1)» اگر نماز در وقت خودش خوانده شود در اصطلاح احکام، گویند: نماز «ادا» شده است.
اگر نماز بعد از وقت خوانده شود، در اصطلاح احکام گویند: نماز «قضا» شده است.
3- مستحب است انسان نماز را در اول وقت بخواند، و هر چه به اول وقت نزدیکتر باشد بهتر است، مگر آنکه تأخیر آن از جهتی بهتر باشد؛ مثلًا صبر کند که نماز را به جماعت بخواند. «(2)»
4- اگر وقت نماز تنگ باشد، که اگر بخواهد مستحبّات نماز را بجا آود، بخشی از نماز بعد از وقت خوانده می‌شود، باید مستحبّات را بجا نیاورد؛ مثلًا اگر بخواهد قنوت بخواند، وقت می‌گذرد، باید قنوت

1- توضیح‌المسائل- م 744.
2- توضیح‌المسائل- م 751.

نخواند. «(1)» استفتاء
س: شرکت در نماز جماعت اهل سنت، با توجه به اینکه وقت نماز مغرب نزد آنها زودتر از مغرب شرعی نزد شیعیان است، آیا کفایت از نماز مغرب می‌نماید یا نه؟
(امام خمینی «ره»): در فرض مرقوم جماعتصحیح است و اعاده ندارد.
(گلپایگانی): شرکت با آنها مندوب «(2)» است ولی درصورت تمکن اعاده نماید- واللّه العالم-.
(اراکی) وقت هم مثل سایر شرایط و اجزاء است که با تقیّه ساقط می‌شود. «(3)»

قبله

1- خانه کعبه، که در شهر مَکّه و در مسجد الحرام قرار دارد، «قبله» است و نمازگزار باید رو به آن نماز بخواند.
2- کسی که بیرون شهر مکه و دور از آن است اگر طوری بایستد که بگویند رو به قبله نماز می‌خواند، کافی است. «(4)»

1- توضیح‌المسائل- م 747.
2- مندوب/ مستحب.
3- استفاءات ویژه حج، س 54.
4- توضیح‌المسائل، م 776.

ص:72

پوشانیدن بدن در نماز

یکی از مسائلی که قبل از شروع نماز توجه به آن لازم است، مسأله پوشش است، و اکنون به بیان مقدار پوشش و شرایط آن می‌پردازیم:

مقدار پوشش

1- مردان باید عورت را بپوشانند و بهتر است از ناف تا زانو را بپوشانند.

2- زنان باید تمام بدن را بپوشانند بجز:

* دستها تا مچ.

* پاها تا مچ.

*صورت به مقداری که در وضو باید شسته شود. «(1)»

3- بر زنان پوشاندن دستها و پاها وصورت به مقداری که در مسأله پیش گفته شد در نماز واجب نیست، گرچه پوشاندن آن هم مانع ندارد. «(2)»

4- لباس نمازگزار باید این شرایط را دارا باشد:

* پاک باشد (نجس نباشد).

* مباح باشد (غصبی نباشد).

1- توضیح‌المسائل، م 788 و 789.

2- توضیح‌المسائل، م 789.

* از اجزاء مردار نباشد؛ مثلًا از پوست حیوانی که مطابق دستور اسلام کشته نشده است تهیه نشده باشد، حتی کمربند و کلاه.
* از حیوان حرام گوشت نباشد؛ مثلًا از پوست پلنگ یا خوک تهیه نشده باشد.
* اگر نمازگزار مرد است لباس او طلاباف یا ابرایشم خالص نباشد.
از شرایط بالا، آنچه ممکن است برای هر کس پیش آید شرط اول است چون کمتر کسی است که با لباس غصبی یا با لباسی که از اجزاء مردار تهیه شده، نماز بخواند، بنابر این به توضیح شرط اول می‌پردازیم:
گفتنی است که علاوه بر لباس، بدن نمازگزار نیز باید پاک باشد.
در این موارد نماز خواندن با بدن یا لباس نجس، باطل است:
* عمداً با بدن یا لباس نجس نماز بخواند؛ یعنی با این که می‌داند بدن یا لباسش نجس است با همان حال نماز بخواند. «(1)»* در یاد گرفتن مسأله کوتاهی کرده «(2)» و به جهت ندانستن مسأله با بدن یا لباس نجس نماز خوانده است. «(3)»* نجس بودن بدن یا لباس را می‌دانسته، ولی هنگام نماز فراموش

1- توضیح‌المسائل، م 799.
2- گلپایگانی کسی که نمی‌داند با بدن یا لباس نجس نماز باطل است، اگر با بدن یا لباس‌نجس نماز بخواند، بنابر احتیاط لازم، نمازش باطل است مسأله 8089؛ اراکی کسی که نمی‌داند با بدن و لباس نجس نماز باطل است اگر با بدن یا لباس نجس نماز بخواند، نمازش باطل است. مسأله 794
3- توضیح‌المسائل، م 800.

کرده و با آن نماز خوانده است. «(1)» در این موارد، اگر با بدن یا لباس نجس نماز بخواندصحیح است:
* نداند بدن یا لباسش نجس است و بعد از نماز متوجه شود. «(2)»* به واسطه زخمی که در بدن اوست، بدن یا لباسش نجس شده و آب‌کشیدن یا عوض کردن آن هم دشوار است. «(3)»* لباس یا بدن نمازگزار به خون نجس شده است ولی مقدار آلودگی کمتر از دِرْهَم «(4)» است.
* ناچار باشد که با بدن یا لباس نجس نماز بخواند؛ مثلًا آب برای تطهیر ندارد.
چند مسأله:
1- اگر لباسهای کوچک نمازگزار مثل دستکش و جوراب، نجس باشد، و یا دستمال کوچک نجسی در جیب داشته باشد، چنانچه از اجزاء مردار یا حرامگوشت نباشد اشکال ندارد. «(5)»
2- پوشیدن عبا و لباس سفید و پاکیزه‌ترین لباسها و استعمال بوی خوش و دست کردن انگشتری عقیق در نماز، مستحب است. «(6)»

1- توضیح‌المسائل، م 803.
2- توضیح‌المسائل، م 802.
3- توضیح‌المسائل، م 848.
4- یک درهم، تقریباً به اندازه یک سکه دو ریالی است.
5- . توضیح‌المسائل، م 848.
6- توضیح‌المسائل، م 848.

3- پوشیدن لباس سیاه و چرک و تنگ و لباسی که نقش صورت دارد و باز بودن تکمه‌های لباس در نماز مکروه است. «(1)» راهنمایی
حجاج عزیز باید توجه داشته باشند که لباس احرام هم مانند لباس نمازگزار باید پاک باشد، بنابر این در مدّت اعمال، مواظب باشند که لباس احرامشان نجس نشود، بویژه در عرفات، مشعر، منی و قربانگاه که احتمال آن زیادتر است، و چنانچه نجس شد، باید آن را تطهیر یا تعویض کنند، و بهتر است لباس احرامی نیز اضافه همراه داشته باشند.

مکان نمازگزار

مکانی که انسان در آن نماز می‌خواند باید دارای شرایط زیر باشد:
* مباح باشد (غصبی نباشد).
* ثابت باشد (مانند اتومبیل در حال حرکت نباشد).
* تنگ و سقف آن کوتاه نباشد تا بتواند قیام و رکوع و سجود را بطورصحیح انجام دهد.
* جایی که پیشانی را می‌گذارد (در حال سجده) پاک باشد.
* مکان نمازگزار اگر نجس است طوری‌تر نباشد که به بدن یا لباس وی سرایت کند.

1- توضیح‌المسائل، م 865.

* جایی که پیشانی را می‌گذارد (در حال سجده) از جای زانوها و بنا بر احتیاط واجب از جای انگشتان پا، بیش از چهار انگشت بسته، پست‌تر یا بلند تر نباشد. «(1)» «(2)» احکام مکان نمازگزار:
1- نماز خواندن در مکان غصبی (مثلًا در خانه‌ای که بدون اجازهصاحبخانه وارد شده است) باطل است. «(3)»
2- در حال ناچاری نماز خواندن بر چیزی که حرکت می‌کند؛ مانند قطار و هواپیما و در جایی که سقف آن کوتاه است و یا جایش تنگ است؛ مانند سنگر. و بر مکان ناهموار اشکال ندارد. «(4)»
3- انسان باید رعایت ادب را بکند و جلوتر از قبر پیغمبر-صلی اللَّه علیه و آله- و امام- علیه‌السلام- نماز نخواند. «(5)» «(6)»
4- مستحب است، انسان نماز را در مسجد بخواند، و در اسلام بر این مسأله سفارش بسیار شده است. «(7)»
5- از مسائلی که خواهد آمد، به اهمیت حضور در مسجد و نماز خواندن در آن پی می‌بریم:

1- توضیح‌المسائل، مکان‌نمازگزار.
2- در رساله‌های سایر مراجع برخی شرایط دیگر هم آمده است.
3- توضیح‌المسائل، م 866.
4- . توضیح‌المسائل، م 880.
5- توضیح‌المسائل، م 884.
6- گلپایگانی بنابر احتیاط واجب، باید جلوتر یا مساوی قبر پیغمبر- ص- و امام- ع- نماز نخواند. مسأله 898
7- توضیح‌المسائل، م 893.

* زیاد رفتن به مسجد مستحب است.
* رفتن به مسجدی که نمازگزار ندارد مستحب است.
* همسایه مسجد اگر عذری نداشته باشد مکروه است در غیر مسجد نماز بخواند.
* مستحب است، انسان با کسی که در مسجد حاضر نمی‌شود:
غذا نخورد، در کارها با او مشورت نکند، همسایه او نشود، از او زن نگیرد و به او زن ندهد. «(1)» «(2)» یادآوری
در برخی روایات، آمده است که ثواب یک رکعت نماز در مسجد الحرام، معادلصدهزار رکعت و در مسجد النبی معادل ده‌هزار رکعت نماز در جای دیگر است. «(3)» چه بجا و مناسب است که زائران محترم از این فرصت به خوبی استفاده کنند و نمازهای واجب بلکه مستحب را در این مکانهای شریف بجای آورند، و از پاداش بسیار زیاد آن بهره‌مند گردند.

1- توضیح‌المسائل، م 896 و 897.
2- احکام مسجد به تفصیل در درس 44 خواهد آمد.
3- فروع کافی، ج 4، ص 526 و 556.

ص:78
آمادگی برای نماز
اکنون، پس از فراگرفتن مسائل وضو، غسل، تیمم، وقت نماز، پوشش و مکان نمازگزار آماده شروع نماز می‌شویم:

اذان و اقامه

1- بر نمازگزار مستحب است، قبل از نمازهای یومیه، ابتدا اذان بگوید و بعد از آن اقامه، و سپس نماز را شروع کند. «(1)» اذان
اللّهُ اکْبَر 4 مرتبه
اشْهَدُ انْ لااله الّا اللّه 2 مرتبه
اشْهَدُ انَّ مُحمَّداً رَسوُلُ اللّه 2 مرتبه
حَیَّ عَلیَ الصَّلوةِ 2 مرتبه
حَیَّ عَلیَ الفَلاح 2 مرتبه
حَیَّ عَلی خَیْرِالْعَمَلِ 2 مرتبه
اللّه اکْبَرُ 2 مرتبه
لا اله الّا اللّه 2 مرتبه

1- توضیح‌المسائل، م 926 و 918.

اقامه
اللَّهُ اکْبَر 2 مرتبه
اشْهَدُ انْ لااله الَّا اللَّه 2 مرتبه
اشْهَدُ انَّ مُحمَّداً رَسوُلُ اللَّه 2 مرتبه
حَیَّ عَلیَ الصَّلوةِ 2 مرتبه
حَیَّ عَلیَ الفَلاح 2 مرتبه
حَیَّ عَلی خَیْرِالْعَمَلِ 2 مرتبه
قَدْقا مَتِ الصَّلوةُ 2 مرتبه
اللَّه اکْبَرُ 2 مرتبه
لا اله الَّا اللَّه 1 مرتبه
2- جمله «اشْهَدُ انَّ عَلیًّا وَلیُّ اللَّه» جزء اذان و اقامه نیست، ولی خوب است بعد از «اشْهَدُ انَّ مُحمَّداً رَسوُلُ اللَّه» به قصد قربت گفته شود.
«(1)» احکام اذان و اقامه
1- اذان و اقامه باید بعد از داخل شدن وقتِ نماز گفته شود و اگر قبل از وقت بگوید باطل است. «(2)»
2- اقامه باید بعد از اذان گفته شود و اگر قبل از اذان بگویدصحیح

1- . توضیح‌المسائل، م 919.
2- توضیح‌المسائل، م 935.

نیست. «(1)»
3- بین جمله‌های اذان و اقامه باید، زیاد فاصله نشود و اگر بین آنها بیشتر از معمول فاصله بیندازد، باید دوباره آن را از سر بگیرد. «(2)»
4- اگر برای نماز جماعتی اذان و اقامه گفته باشند، کسی که با آن جماعت نماز می‌خواند، نباید برای نماز خود اذان و اقامه بگوید. «(3)»
5- نماز مستحبی اذان و اقامه ندارد. «(4)»
6- مستحب است در روز اوّلی که بچه به دنیا می‌آید، در گوش راست او اذان و در گوش چپش اقامه بگویند. «(5)»
7- مستحب است کسی که برای گفتن اذان معین می‌کنند، عادل و وقت شناس وصدایش بلند باشد. «(6)»

1- توضیح‌المسائل، م 931.
2- توضیح‌المسائل، م 920.
3- توضیح‌المسائل، م 923.
4- العروة الوثقی، ج 1- ص 601.
5- توضیح‌المسائل- م 917.
6- توضیح‌المسائل- م 941.

ص:81

واجبات نماز

اشاره

1- نماز باگفتن «اللَّهُ‌اکْبَرُ» شروع می‌شود و با سلام به پایان می‌رسد.
2- آنچه در نماز انجام می‌شود یا واجب است و یا مستحب.
3- واجبات نماز، یازده چیز است که برخی رُکن و برخی غیر رکن است.
1- نیت
2- قیام
رکن 3- تکبیرةالاحرام
4- رکوع
5- سجود
واجبات نماز «(1)»
1- قرائت
2- ذکر
غیررکن 3- تشهد
4- سلام
5- ترتیب
6- موالات

1- توضیح‌المسائل، واجبات نماز.

فرق بین رُکن و غیر رُکن:
ارکان نماز، اجزاء اساسی آن به شمار می‌آید و چنانچه یکی از آنها بجا آورده نشود و یا اضافه شود، هر چند بر اثر فراموشی هم باشد، نماز باطل است.
واجبات دیگر، گرچه انجام آنها لازم است ولی چنانچه از روی فراموشی، کم یا زیاد شود نماز باطل نیست. «(1)»

نیّت
1- نمازگزار، از آغاز تا پایان نماز، باید بداند چه نمازی می‌خواند و آن را برای انجام فرمان خداوند عالم بجا آورد. «(2)»
2- به زبان آوردن نیت، لازم نیست، ولی چنانچه به زبان هم بگوید اشکال ندارد. «(3)»
3- نماز، باید از هر گونه ریا و خودنمایی بدور باشد؛ یعنی نماز را تنها برای انجام دستور خداوند بجا آورد و چنانچه تمام نماز یا قسمتی از آن، برای غیر خدا باشد، باطل است. «(4)» «(5)»

1- توضیح‌المسائل، م 942.
2- همان مدرک.
3- توضیح‌المسائل، م 943.
4- توضیح‌المسائل، م 947- 946.
5- گلپایگانی اگر در جزء مستحب نماز ریا کند، احتیاط لازم آن است که نماز را تمام کند و دوباره بخواند. مسأله 956

ص:83

تکبیرةالاحرام

همانگونه‌که‌گذشت نماز با گفتن «اللَّهُ اکْبَر» آغاز می‌شود و به آن «تَکْبیرَةُ الاحرام» می‌گویند. چون با همین تکبیر است که بسیاری از کارها که قبل از نماز جایز بوده بر نمازگزار حرام می‌شود؛ مانند خوردن و آشامیدن، خندیدن و گریستن.
واجبات تکبیرةالاحرام:
1- به عربیصحیح گفته شود.
2- هنگام گفتن «اللّه اکبر» بدن آرام باشد.
3- تکبیرةالاحرام را طوری بگوید که اگر مانعی در کار نباشد خودش بشنود؛ یعنی بسیار آهسته نگوید.
4- بنا بر احتیاط واجب آن را به چیزی که پیش از آن می‌خواند وصل نکند.
«(1)» مستحب است موقع گفتن تکبیرةالاحرام و تکبیرهای بین نماز دستها را تا مقابل گوشها بالا ببرد. «(2)»

1- توضیح‌المسائل، م 948، 949، 951 و 952.
2- توضیح‌المسائل، م 955.

ص:84

قیام

قیام یعنی ایستاده بودن، که در بعضی موارد، از ارکان نماز است و ترک آن نماز را باطل می‌کند، ولی افرادی که نمی‌توانند ایستاده نماز بخوانند، وظیفه‌ای دارند که در مسائل آینده خواهد آمد.

1- قیام هنگام تکبیرةالاحرام رکن

2- قیام پیش از رکوع

اقسام قیام

1- قیام هنگام قرائت غیررکن

2- قیام بعد از رکوع. «(1)» احکام قیام:

1- واجب است پیش از گفتن تکبیرةالاحرام و بعد از آن، مقداری بایستد تا یقین کند که تکبیر را در حال قیام گفته است. «(2)»

2- قیام پیش از رکوع بدان معنی است که در حالت ایستاده به رکوع برود، بنابراین اگر رکوع را فراموش کند و بعد از قرائت به سجده برود و قبل از وارد شدن به سجده یادش بیاید، باید کاملاً بایستد سپس به

1- توضیح‌المسائل، م 958.

2- توضیح‌المسائل، م 959.

رکوع برود و پس از آن سجده‌ها را بجا آورد. «(1)»
3- اموری که در حال قیام باید از آن پرهیز شود:
* بدن را حرکت دادن.
* به طرفی خم شدن.
* به جایی یا چیزی تکیه کردن.
* پاها را زیاد باز گذاشتن.
* پاها را از زمین بلند کردن. «(2)»
4- نمازگزار باید موقع ایستادن هر دو پا را بر زمین بگذارد، «(3)» ولی لازم نیست سنگینی بدن روی هر دو پا باشد و اگر روی یک پا هم باشد اشکال ندارد. «(4)»
5- کسی که به هیچ وجه نتواند ایستاده نماز بخواند، باید نشسته رو به قبله بخواند، و اگر نشسته هم نتواند، باید خوابیده بجا آورد. «(5)»
6- واجب است بعد از انجام رکوع بطور کامل بایستد و سپس به سجده برود و چنانچه این قیام عمداً ترک شود نماز باطل است. «(6)»

1- توضیح‌المسائل، م 960.
2- توضیح‌المسائل، م 961، 963 و 964.
3- خوئی احتیاط مستحب است که هر دو پا روی زمین باشد. مسأله 972
4- توضیح‌المسائل، م 963.
5- توضیح‌المسائل، م 970 و 971.
6- تحریرالوسیله، ج 1، ص 162، م 1؛ و العروة الوثقی، ج 1، ص 665، الرابع.

ص:86

قرائت

خواندن حمد و یک سوره دیگر در رکعت اول و دوم نماز و خواندن حمد (بدون سوره) یا تسبیحات اربعه در رکعت سوم و چهارم را «قرائت» گویند.

سوره حمد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیم

اَلْحَمْدُلِلَّهِ رَبّ الْعالَمینَ* اَلرَّحْمنِ الرَّحیمِ* مالِکِ یَوْمِ الدّینِ* إِیَّاکَ نَعْبُدُ وَ إِیَّاکَ نَسْتَعینُ* إِهْدِنَا الصِراطَ الْمُسْتَقیمَ*صِراطَ الَّذینَ أَنْعَمْتَ عَلَیْهِمْ* غَیْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَیْهِمْ وَلَا الضَّالّینَ*

در رکعت اول و دوم نماز باید پس از حمد، سوره دیگری از قرآن، خوانده شود؛ مثلاً سوره «توحید»:

بِسْمِ ا للَّهِ ا لرَّحْمنِ ا لرَّحیمِ

قُلْ هُوَ اللَّهُ احَدٌ* اَللَّهُ الصَّمَدُ* لَمْ یَلِدْ وَ لَمْ یوُلَدْ* وَ لَمْ یَکُنْ لَهُ کُفُواً احَدٌ*

و در رکعت سوم و چهارم نماز، باید سوره حمد، یا سه مرتبه

تسبیحات اربعه خوانده شود و اگر یک مرتبه هم بخواند کافی است. «(1)»
تسبیحات اربعه:
«سُبْحانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُلِلَّهِ وَ لا الهَ الَّا اللَّهُ وَاللَّهُ اکْبَر»
احکام قرائت
1- قرائت رکعت سوم و چهارم نماز باید آهسته خوانده شود، ولی حکم حمد و سوره در رکعت اول و دوم نماز به این شرح است: «(2)» نماز
نمازگزار حکم
ظهر و عصرمرد «(3)» و زن‌باید آهسته بخوانند
مردباید بلند بخواند
مغرب، عشاء،صبح‌اگر نامحرمصدای‌اورا نمی‌شنود می‌تواندبلند
زن‌بخواند و اگر می‌شنود، بنابر احتیاط واجب
بایدآهسته بخواند
2- اگر در جایی که باید نماز را بلند بخواند، عمداً آهسته بخواند یا در جایی که باید آهسته بخواند، عمداً بلند بخواند، نمازش باطل است،

1- توضیح‌المسائل، م 1005.
2- توضیح‌المسائل، م 992 تا 994 و 1007.
3- احکامی که برای مردان گفته می‌شود، پسرها هم همین احکام را دارند.

ولی اگر از روی فراموشی یا ندانستن مسأله باشد،صحیح است. «(1)»
3- اگر در بین خواندن حمد و سوره بفهمد اشتباه کرده است، (مثلًا می‌بایست بلند بخواند ولی آهسته خوانده است) لازم نیست مقداری را که خوانده، دوباره بخواند. «(2)»
4- انسان باید نماز را یاد بگیرد که غلط نخواند و کسی که اصلًا نمی‌تواندصحیح آن را یاد بگیرد، باید هر طور که می‌تواند بخواند و احتیاط مستحب «(3)» است که نماز را به جماعت بجا آورد. «(4)»
5- بر تمام افراد بالغ و عاقل، یاد گرفتن نماز واجب است، و برای کسی که عزم رفتن به حج را دارد بیشتر تأکید می‌شود؛ زیرا- به گفته برخی از فقها- اگر کسی قرائت و ذکرهای واجب نماز را درست نخواند، علاوه بر باطل شدن حج و عمره، همسر و دیگر محرمات احرام بر او حلال نمی‌شود. «(5)»
6- اگر انسان، کلمه‌ای راصحیح بداند؛ مثلًا کلمه «عَبْدُهُ» را در تشهد «عَبدَهُ» می‌دانسته و درنماز همانطور بخواند، و بعد بفهمد غلط خوانده است، لازم نیست «(6)» دوباره نماز را بخواند. «(7)»
7- مواردی که ذکر می‌شود نمازگزار نباید در رکعت اول و دوم،

1- توضیح‌المسائل، م 995.
2- همان مدرک.
3- گلپایگانی احتیاط لازم آن است که نماز را به جماعت بخواند. مسأله 1006
4- توضیح‌المسائل، م 997.
5- - مناسک حج، فصل پنجم، نماز طواف، م 16.
6- گلپایگانی- اراکی باید دوباره بخواند. مسأله 1010
7- توضیح‌المسائل، م 1001.

سوره بخواند و باید تنها به خواندن حمد اکتفا کند:
الف: وقت نماز تنگ باشد.
ب: ناچار باشد که سوره نخواند؛ مثلًا بترسد که اگر سوره را بخواند دزد یا درنده، یا چیز دیگری به اوصدمه بزند. «(1)»
8- در تنگی وقت باید تسبیحات اربعه را یک مرتبه بگوید. «(2)» بعضی از مستحبات قرائت:
1- در رکعت اول پیش از حمد بگوید: «اعوُذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّیْطانِ الرَّجیم».
2- در رکعت اول و دوم نماز ظهر و عصر «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ» را بلند بگوید.
3- حمد و سوره را شمرده بخواند و در آخر هر آیه وقف کند، یعنی آن را به آیه بعد نچسباند.
4- در حال خواندن حمد و سوره به معنای آن توجه داشته باشد.
5- در تمام نمازها در رکعت اول، سوره «انَّا انْزَلْناهُ» و در رکعت دوم سوره «قُلْ هُوَاللَّهُ احَدٌ» را بخواند. «(3)»

ذکر

یکی از واجبات رکوع و سجده ذکر است؛ یعنی گفتن «سُبحانَ‌اللَّه»

1- . توضیح‌المسائل، م 979.
2- توضیح‌المسائل، م 1006.
3- توضیح‌المسائل، م 1017 و 1018.

یا «اللّه اکبر» و مانند آن، که تفصیل هر یک خواهد آمد.

رکوع

1- در هر رکعت بعد از قرائت، نمازگزار باید به اندازه‌ای خم شود که بتواند دست را به زانو بگذارد و این عمل را «رکوع» می‌گویند. «(1)»
1- خم شدن به مقداری که بیان شد.
2- ذکر، (گفتن حداقل، سه مرتبه سُبحان‌اللَّه).
واجبات رکوع 3- آرامش بدن در حال گفتن ذکر رکوع.
4- ایستادن بعد از رکوع.
5- آرامش بدن بعد از رکوع. «(2)»
ذکر رکوع
در رکوع، هر ذکری گفته شود کافی است، ولی‌احتیاط واجب «(3)» آن است که به‌قدر سه‌مرتبه «سُبْحانَ اللَّهِ» یایک‌مرتبه «سُبْحانَ رَبِیَ‌العَظیمِ وَبِحَمْدِهِ» کمتر نباشد. «(4)»

1- توضیح‌المسائل، م 1022.
2- العروةالوثقی، ج 1- ص 664.
3- اراکی شرط است که به این مقدار باشد. مسأله 1020؛ گلپایگانی باید به قدر سه« سبحان‌الله» باشد. مسأله 1037
4- توضیح‌المسائل، م 1028.

آرامش بدن در رکوع
1- در رکوع باید به مقدار ذکر واجب، بدن آرام باشد. «(1)»
2- اگر پیش از آنکه به مقدار رکوع خم شود و بدن آرام گیرد، عمداً ذکر رکوع را بگوید، «(2)» نمازش باطل است. «(3)»
3- اگرپیش‌از تمام‌شدن ذکرواجب، عمداًسراز رکوع بردارد نمازش باطل است. «(4)» ایستادن و آرامش بعد از رکوع
بعد از تمام شدن ذکر رکوع، باید بایستد و بعد از آنکه بدن آرام گرفت به سجده برود واگرعمداً پیش از ایستادن، یا پیش از آرام گرفتن بدن، به سجده برود نمازش باطل است. «(5)» وظیفه کسی که نمی‌تواند بطور معمول رکوع کند:
1- کسی که نمی‌تواند به مقدار رکوع خم شود باید به هر اندازه که می‌تواند خم شود. «(6)»

1- توضیح‌المسائل، م 1030.
2- گلپایگانی باید بعد از آرام گرفتن بدن، دوباره ذکر را بگوید و بنابر احتیاط لازم نماز را تمام کرده و دوباره بخواند و اگر به همان ذکر اوّل اکتفا کند نمازش باطل است. مسأله 1041
3- توضیح‌المسائل، م 1032.
4- توضیح‌المسائل، م 1033.
5- . توضیح‌المسائل، م 1040.
6- گلپایگانی در این صورت احتیاط لازم آن است که نماز را دوباره بخواند و رکوع آن را نشسته بجا آورد و اگر هیچ نتواند خم شود باید موقع رکوع بنشیند و نشسته رکوع کند و احتیاط لازم آن است که نماز دیگری هم بخواند و برای رکوع آن با سر اشاره کند. مسأله 1045

2- کسی که اصلًا نتواند خم شود «(1)» باید نشسته رکوع کند.
3- کسی که نمی‌تواند نشسته رکوع کند باید ایستاده نماز بخواند و برای رکوع، با سر اشاره کند. «(2)» برخی از مستحبات رکوع
1- مستحب است ذکر رکوع را سه یا پنج یا هفت مرتبه بلکه بیشتر بگوید.
2- مستحب است پیش از رفتن به رکوع در حالی که راست ایستاده تکبیر بگوید.
3- مستحب است در حال رکوع بین دو قدم (روی زمین) را نگاه کند.
4- مستحب است پیش از ذکر رکوع یا بعد از آنصلوات بفرستد.
5- مستحب است بعد از رکوع، هنگامی که ایستاد و بدن آرام گرفت بگوید «سَمِعَاللّٰهُ لِمَنْ حَمِدَه». «(3)»

سجود

1- نمازگزار باید در هر رکعت از نمازهای واجب و مستحب، بعد

1- خوئی باید برای رکوع با سر اشاره کند. مسأله 1045
2- . توضیح‌المسائل، م 1037.
3- توضیح‌المسائل، م 1043.

از رکوع دو سجده بجاآورد. «(1)»
2- سجده آن است که پیشانی و کف دو دست و سر زانوها و سر دو انگشت بزرگ پاها (شست) را بر زمین بگذارد.
1- گذاشتن هفت عضو از بدن بر زمین.
2- ذکر.
3- آرامش بدن در حال ذکر سجده.
4- سر برداشتن و نشستن و آرامش بین دو سجده.
واجبات سجده 5- بر زمین بودن هفت عضو در هنگام ذکر.
6- مساوی‌بودن‌جاهای سجده (پست و بلند نبودن).
7- گذاشتن پیشانی بر چیزی که سجده بر آنصحیح است.
8- پاک بودن جائی که پیشانی را می‌گذارد.
9- موالات بین دو سجده. «(2)»

ذکر:
در سجده هر ذکری بگوید کافی است ولی احتیاط واجب «(3)» آن است که مقدار ذکر از سه مرتبه «سُبْحانَ اللّهِ» یا یک مرتبه «سُبْحانَ رَبِّیَ الاعْلی وَ بِحَمْدِهِ» کمتر نباشد. «(4)»

1- توضیح‌المسائل، م 1045.
2- العروة الوثقی، ج 1، ص 673.
3- اراکی شرط است که از این مقدار کمتر نباشد. مسأله 1041.
4- توضیح‌المسائل، م 1049.

آرامش:
1- در سجده باید به مقدار ذکر واجب، بدن آرام باشد. «(1)»
2- اگر پیش از آنکه پیشانی به زمین برسد و آرام گیرد، عمداً ذکر را بگوید نماز باطل است «(2)» و چنانچه از روی فراموشی باشد، باید دوباره در حال آرام بودن، ذکر را بگوید. «(3)» سربرداشتن از سجده:
1- بعد از تمام شدن ذکر سجده اول باید بنشیند تا بدن آرام گیرد و دوباره به سجده رود. «(4)»
2- اگر پیش از تمام شدن ذکر، عمداً سر از سجده بردارد، نماز باطل است. «(5)» برزمین بودن هفت عضو:
1- اگر موقعی که ذکر سجده را می‌گوید، یکی از هفت عضو را عمداً از زمین بردارد، نماز باطل می‌شود، «(6)» ولی موقعی که مشغول گفتن

1- توضیح‌المسائل، م 1050.
2- گلپایگانی باید بعد از رسیدن پیشانی به زمین و آرام گرفتن بدن دوباره ذکر را بگوید و بنابر احتیاط لازم، نماز را تمام کرده و و دوباره بخواند. مسأله 1060
3- توضیح‌المسائل، م 1051 و 1052.
4- توضیح‌المسائل، م 1056.
5- توضیح‌المسائل، م 1052.
6- گلپایگانی احتیاط لازم آن است که بعد از آرام گرفتن همه اعضاء دوباره ذکر واجب را بگوید و نماز را تمام کند و دوباره بخواند. مسأله 1063

ذکر نیست اگر غیر از پیشانی، جاهای دیگر را از زمین بردارد و دوباره بگذارد، اشکال ندارد. «(1)»
2- اگر همراه با انگشتان شست پا، انگشتان دیگر هم بر زمین باشد مانع ندارد. «(2)» مساوی بودن مواضع سجده:
1- جای پیشانیِ نمازگزار باید از جای زانوهایش پست‌تر و بلندتر از چهار انگشتِ بسته نباشد. «(3)»
2- احتیاط واجب «(4)» آن است که جای پیشانی نمازگزار از جای انگشتان پایش هم پست‌تر و بلندتر از چهار انگشت بسته نباشد. «(5)»
گذاشتن پیشانی بر چیزی که سجده بر آن صحیح است:
1- در سجده باید پیشانی را بر زمین و یا آنچه از زمین می‌روید ولی خوراکی و پوشاکی نیست قرار دهد. «(6)»
2- نمونه‌هایی از چیزهایی که سجده بر آنهاصحیح است:
* خاک* سنگ* گل پخته «(7)»* گچ* چوب* چمن

1- توضیح‌المسائل، م 1054 0
2- تحریرالوسیله، ج 1، ص 173، م 2؛ و العروة الوثقی، ج 1، ص 676، م 7.
3- توضیح‌المسائل، م 1057.
4- خوئی- اراکی باید پست‌تر یا بلندتر نباشد. مسأله 1066
5- توضیح‌المسائل، م 1057.
6- توضیح‌المسائل، م 1076.
7- اراکی- گلپایگانی سجده بر گچ و آهک و گل پخته صحیح نیست. مسأله 1090

چند مسأله
1- سجده بر چیزهای معدنی؛ مانند طلا و نقره و عقیق و فیروزه،صحیح نیست: «(1)»
2- سجده کردن برای غیر خداوند حرام است. «(2)»
3- سجده بر چیزهایی که از زمین می‌روید و خوراک حیوان است، مثل علف و کاهصحیح است. «(3)»
4- سجده بر کاغذ، اگر چه از پنبه و مانند آن ساخته شده باشدصحیح است. «(4)» «(5)»
5- برای سجده، بهتر از هر چیز، تربت حضرت سیدالشهداء- علیه‌السلام- می‌باشد و بعد از آن بدین ترتیب؛ یعنی: خاک، سنگ، گیاه می‌باشد. «(6)»
6- اگر در سجده اول، مُهر به پیشانی بچسبد و بدون این‌که مُهر را بردارد دوباره به سجده رود نماز باطل است. «(7)»
7- سجده کردن بر سنگهایی که هم‌اکنون مسجدالحرام و

1- توضیح المسائل، م 1076.
2- توضیح المسائل، م 1090.
3- توضیح‌المسائل، م 1078.
4- توضیح‌المسائل، م 1082.
5- گلپایگانی سجده بر کاغذی که از پنبه و مانند آن ساخته شده و همچنین کاغذی که انسان نمی‌داند از چیزی که سجده بر آن صحیح است ساخته شده یا نه اشکال دارد. مسأله 1091
6- توضیح‌المسائل، م 1083.
7- توضیح‌المسائل، م 1086.

مسجدالنبی-ص- با آنها فرش شده است، اشکال ندارد.
استفتاء
س 1- در مسجد الحرام و مسجد النبی و سایر مساجد مکه و مدینه، بعضی جاها مفروش است و بعضی غیر مفروش و با سنگ ساخته شده است، آیا لازم است برای انجام نماز جماعت یا فُرادی به جایی برود که بر سنگ سجده کند و آیا می‌تواند بر فرش سجده کند؟
(امام خمینی): سجده کردن بر فرشهای مسجد مانع ندارد و مهر گذاشتن جایز نیست و لازم نیست در جایی که سنگ است نماز بخواند.
(گلپایگانی): سجده بر سنگها مانعی ندارد- واللّه العالم-.
(اراکی): سجده کردن بر سنگ مانعی ندارد، هرچند بر فرش هم می‌تواند سجده کند. «(1)»
س 2- در مسجد النبی، پس از اتمام نماز جماعت، آیا می‌توان روی فرشهای مسجد سجده نمود و یا این‌که باید برود در جایی که سنگفرش است و بر سنگ نماز بخواند؟
(امام خمینی): لازم نیست به جای دیگر که سنگفرش است برود.
(گلپایگانی- اراکی): حکم مسأله قبل را دارد. «(2)»

1- - استفتاآت ویژه حج، س 52.
2- - مناسک، مسائل متفرقه، س 23.

وظیفه کسی که نمی‌تواند بطور معمول سجده کند:
1- کسی که نمی‌تواند پیشانی را به زمین برساند، باید به قدری که می‌تواند خم شود و مهر را برجای بلندی مثل بالش، بگذارد و سجده کند، ولی باید کف دستها و زانوها و انگشتان پا را بطور معمول بر زمین بگذارد.»(1)«
2- اگر نمی‌تواند خم شود باید برای سجده بنشیند و با سر اشاره کند، «(2)» ولی احتیاط واجب آن است که مهر را بالا بیاورد و پیشانی را بر آن بگذارد.
برخی از مستحبات سجده:
1- در این موارد، مستحب است تکبیر بگوید:
* بعد از رکوع و قبل از سجده اول.
* بعد از سجده اول، در حالی که نشست و بدنش آرام گرفت.
* قبل از سجده دوم، در حالی که نشسته است و بدنش آرام است.
* بعد از سجده دوم.
2- طول دادن سجده‌ها مستحب است.
3- گفتن «اسْتَغْفِرُاللّٰهَ رَبِّی وَ اتوُبُ الَیهِ» بعد از سجده اول در حالی

1- . توضیح‌المسائل، م 1068.
2- توضیح‌المسائل، م 1069.

که بدنش آرام گرفت مستحب است.
4-صلوات فرستادن در سجده‌ها مستحب است. «(1)»

سجده واجب قرآن

1- در چهار سوره قرآن، آیه سجده است که اگر انسان آن آیه را بخواند یا وقتی که دیگری آن را می‌خواند به آن گوش دهد، بعد از تمام شدن آن آیه، باید فوراً سجده کند. «(2)» 1- سوره شماره 32/ سجده
2- سوره شماره 41/ فُصِّلت
2- سوره‌هائی که آیه سجده دارد
3- سوره شماره 53/ نَجم
4- سوره شماره 96/ عَلَق «(3)» 3- چنانچه سجده را فراموش کند، هر وقت یادش آمد باید سجده کند. «(4)» 4- اگرآیه‌سجده را از ضبط صوت‌بشنود، لازم نیست سجده کند. «(5)» «(6)» 5- اگر آیه سجده را از بلندگو یا رادیو یا تلویزیون بشنود، چنانچه

1- توضیح‌المسائل، م 1091.
2- توضیح‌المسائل، م 1093.
3- توضیح‌المسائل، م 1093.
4- توضیح‌المسائل، م 1093.
5- توضیح‌المسائل، م 1096.
6- گلپایگانی اگرآیه سجده از بلندگو یا رادیو هم خوانده شود وبه آن گوش دهد باید سجده کند. مسأله 1102؛ اراکی اگر از مثل ضبط صوت آیه را بشنود، بنابر احتیاط واجب باید سجده کند ولی اگر از مثل بلندگو که صدای انسان را می‌رساند بشنود، واجب است سجده کند. مسأله 1088

صدای انسان را می‌رساند و از نوار استفاده نمی‌شود، یعنی همان وقت که صدا پخش می‌شود، شخصی در حال خواندن آن آیه است و این وسیله،صدای او را می‌رساند واجب است سجده کند. «(1)» 6- هنگام سجده برای این آیه‌ها، باید پیشانی را بر چیزی که سجده بر آن صحیح است بگذارد ولی مراعات سایر شرایط سجده، لازم نیست. «(2)» «(3)» 7- گفتن ذکر در این سجده واجب نبوده و مستحب می‌باشد. «(4)»

تشهّد

در رکعت دوم و آخر نمازهای واجب، نمازگزار باید بعد از سجده دوم بنشیند و در حال آرام بودن بدن، تشهد بخواند؛ یعنی بگوید:
«اشْهَدُ انْ لا الهَ الّا اللّهُ وَحْدَهُ لا شَریکَ لَهُ
وَ اشْهَدُ انَّ مُحمَّداً عَبْدُهُ و رَسوُلُهُ
اللّهُمَّصَلِّ عَلی مُحمَّدٍ وَ الِ مُحمَّدٍ». «(5)»

1- توضیح‌المسائل، م 1096.
2- . توضیح‌المسائل، م 1097.
3- سایر مراجع مراعات بعضی از شرائط سجده لازم است، به توضیح‌المسائل، مسأله 1089 مراجعه کنید.
4- توضیح‌المسائل، م 1099.
5- توضیح‌المسائل، م 1100.

ص:101

سلام

1- در رکعت آخر هر نماز پس از تشهد باید سلام دهد و نماز را به پایان ببرد.
2- مقدار واجب سلام یکی از این دو است:
1- «السَّلامُ عَلَیْنا وَ علی عِبادِاللّهِ الصالِحینَ». «(1)» 2- «السَّلامُ عَلَیْکُمْ وَ رَحْمَةُ اللّهِ وَ بَرکاتُهُ». «(2)» 3- مستحب است قبل از این دو سلام بگوید: «السَّلامُ عَلَیکَ ایَّها النَّبِیُّ وَ رَحْمَةُ اللّهِ وَ بَرَکاتُهُ».
و هر سه را نیز بگوید. «(3)»

ترتیب

نماز باید بدین ترتیب خوانده شود: تکبیرةالاحرام، قرائت، رکوع، سجود، و در رکعت دوم پس از سجود، تشهد بخواند و در کعت آخر، پس از تشهد، سلام دهد.

مُوالات

1- موالات؛ یعنی پشت سرهم بودن اجزای نماز و فاصله نینداختن

1- گلپایگانی اگر این سلام را بگوید، احتیاط واجب آن است که بعد از آن« السلام علیکم و رحمةالله و برکاته» را هم بگوید. مسأله 1114
2- توضیح‌المسائل، م 1105.
3- توضیح‌المسائل، م 1105.

بین آنها.
2- اگر بقدری بین اجزای نماز فاصله بیندازد که نگویند نماز می‌خواند، نمازش باطل است. «(1)» 3- طول دادن رکوع و سجود و خواندن سوره‌های بزرگ، موالات را بهم نمی‌زند. «(2)»

قنوت

1- مستحب است در رکعت دوم نماز بعد از حمد و سوره و پیش از رکوع، قنوت بخواند، یعنی دستها را بلند کند و مقابل صورت بگیرد و دعا یا ذکری بخواند. «(3)» 2- در قنوت هر ذکری بگوید اگر چه یک «سُبْحانَ اللَّهِ» باشد کافی است و می‌تواند این دعا را بخواند.
«رَبَّنا اتِنا فِی‌الدُّنْیا حَسَنَةً وَ فِی‌الاخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنا عَذابَ النَّارِ». «(4)»

تعقیب نماز

تعقیب (در بحث نماز) یعنی مشغول شدن به ذکر و دعا و قرآن بعد از سلام نماز.
1- بهتر است در حال تعقیب رو به قبله باشد.

1- توضیح‌المسائل، م 1114.
2- . توضیح‌المسائل، م 1116.
3- توضیح‌المسائل، م 1117.
4- توضیح‌المسائل، م 1118.

2- لازم نیست تعقیب به عربی باشد، ولی بهتر است چیزهایی را که در کتابهای دعا دستور داده‌اند بخواند.
3- گفتن تسبیح حضرت زهرا یعنی: 34 مرتبه «اللَّهُ اکبر» و 33 مرتبه «الحمدُ للَّه» و 33 مرتبه «سُبْحانَ اللَّه» مستحب است. «(1)»

مُبطِلات نماز

آنگاه که نمازگزار، تکبیرةالاحرام می‌گوید و نماز را شروع می‌کند تا پایان آن، بعضی از کارها بر او حرام می‌شود که اگر در نماز، یکی از آنها راانجام دهد نمازش باطل است، مهمترین آنها عبارت است از:
خوردن و آشامیدن.
سخن گفتن.
خندیدن.
گریستن.
روی از قبله برگرداندن.
کم یا زیاد کردن ارکان نماز.
بر هم زدن صورت نماز. «(2)»

1- . توضیح‌المسائل، م 1122.
2- توضیح‌المسائل، م 1126.

ص:104

سخن گفتن
1- اگر نمازگزار عمداً کلمه‌ای بگوید «(1)» و بخواهد با آن معنایی را برساند نمازش باطل است. «(2)» 2- اگر عمداً کلمه‌ای بگوید که دو حرف یا بیشتر داشته باشد، هر چند نخواهد با گفتن آن معنایی را برساند، بنابر احتیاط واجب باید نماز را دوباره بخواند. «(3)» «(4)» 3- در نماز نباید به کسی سلام کرد، ولی اگر کسی به نماز گزار سلام کند واجب است جواب او را بدهد، و باید سلام را مقدم بدارد؛ مثلًا بگوید: «السَّلامُ عَلَیْکَ» یا «السَّلامُ عَلَیکُمْ» و نباید «عَلَیْکُمُ السَّلام» بگوید. «(5)» «(6)»

1- گلپایگانی- اراکی در صورتی که آن کلمه، دو حرفی یا بیشتر باشد. توضیح المسائل ص 199
2- توضیح‌المسائل، ص 154.
3- توضیح‌المسائل، ص 154.
4- خوئی نمازش باطل نیست ولی لازم است بعد از نماز سجده سهو بجا آورد. مسأله 1141
5- توضیح‌المسائل، م 1137.
6- اراکی- گلپایگانی باید همانطور که او سلام کرده جواب دهد ولی در جواب« علیکم السلام» باید بگوید« سلام علیکم». مسأله 1146؛ خوئی بنابر احتیاط واجب باید همانطور که او سلام کرده جواب دهد ولی در جواب« علیکم السلام» هرگونه بخواهد می‌تواند بگوید. مسأله 1146

خندیدن و گریستن:
1- اگر نمازگزار عمداً باصدا بخندد، نمازش باطل است.
2- لبخند زدن نماز را باطل نمی‌کند.
3- اگر نمازگزار برای کار دنیا عمداً باصدا گریه کند نمازش باطل است.
4- گریه بدون صدا و گریه از ترس خدا یا برای آخرت، هر چند باصدا باشد، نماز را باطل نمی‌کند. «(1)» «(2)» روی از قبله برگرداندن
1- اگر عمداً به مقداری روی خود را از قبله برگرداند بطوری که نگویند رو به قبله است، نمازش باطل است.
2- اگر سهواً تمامصورت را به طرف راست یا چپ قبله برگرداند، «(3)» احتیاط واجب آن است که نماز را دوباره بخواند. ولی اگر به طرف راست یا چپ قبله نرسیده است، نمازصحیح است. «(4)»

1- توضیح‌المسائل، ص 156 هفتم و هشتم از مبطلات نماز.
2- سایر مراجع احتیاط واجب آن است که برای کار دنیا بی‌صدا هم گریه نکند. توضیح المسائل ص 209
3- گلپایگانی اگر سر را به طرف راست یا چپ قبله بگرداند، عمداً باشد یا سهواً، نمازش باطل نمی‌شود ولی کراهت دارد مسأله 1140
4- توضیح‌المسائل، م 1131.

برهم زدن صورت نماز

1- اگر در بین نماز کاری کند کهصورت نماز را بر هم زند مثل دست زدن، به هوا پریدن و مانند اینها، هر چند از روی فراموشی باشد، نماز باطل می‌شود. «(1)» 2- اگر در بین نماز به قدری ساکت بماند که نگویند نماز می‌خواند نمازش باطل می‌شود. «(2)» 3- رها کردن نماز واجب (شکستن نماز) حرام است مگر در حال ناچاری؛ مانند این موارد:

* حفظ جان
* حفظ مال
* جلوگیری از ضرر مالی و بدنی

4- شکستن نماز برای پرداخت بدهی مردم با این شرایط اشکال ندارد:

* طلبکار، طلب خود را می‌خواهد.
* وقت نماز تنگ نیست؛ یعنی، می‌تواند پس از پرداخت بدهی، نماز را در وقتِ آن بخواند.
* در بین نماز نمی‌تواند بدهی را بپردازد. «(3)»

1- توضیح‌المسائل، ص 156، نهم از مبطلات نماز.
2- توضیح‌المسائل، م 1152.
3- . توضیح المسائل، م 1159 تا 1161.

5- شکستن نماز برای مالی که اهمیّت ندارد مکروه است. «(1)» چیزهایی که در نماز مکروه است:
1- برهم گذاشتن چشمها.
2- بازی کردن با انگشتان و دستها.
3- سکوت کردن در هنگام خواندن حمد یا سوره و یا ذکر، برای شنیدن حرف کسی.
4- انجام هر کاری که خضوع و خشوع را از بین ببرد.
5- برگرداندنصورت به طرف راست یا چپ به مقدار کم (چون زیاد آن نماز را باطل می‌کند). «(2)»

1- توضیح المسائل، م 1160.
2- توضیح المسائل، م 1157.

ص:108

ترجمه اذان، اقامه، نماز

ترجمه اذان
* «اللَّهُ اکْبَرُ».
خدا از همه بزرگتر است.
* «اشْهَدُ ان لااله الَّا اللَّهُ».
گواهی می‌دهم که جز آفریدگار جهان خدایی نیست.
* «اشْهَدُ انَّ مُحَمَّداً رَسُولُ اللَّهِ».
گواهی می‌دهم که محمّد پیغمبر خدا است.
* «حَیَّ عَلَی الصّلاةِ».
بشتابید به سوی نماز.
* «حَیَّ عَلَی‌الفَلاح».
بشتابید به سوی رستگاری.
* «حَیَّ عَلَی خَیرِالعَمَلِ».
بشتابید به سوی بهترین کارها.
* «قَدْ قامَتِ الصَّلاةُ».

نماز برپا شد.
* «اللَّهُ اکْبَرُ».
خدا از همه بزرگتر است.
* «لااِلهَ الّا اللَّهُ».
جز آفریدگار جهان خدایی نیست.
ترجمه نماز تکبیرةالاحرام:* «اللَّهُ اکْبَرُ».
خداوند از هر کس و هر چیز بزرگتر است.
حمد:* «بِسْمِ ا للَّهِ ا لرَّحْمنِ ا لرَّحیمِ».
بنام خداوند بخشنده مهربان.
* «الْحَمْدُلِلَّهِ رَبّ ا لْعالَمینَ».
ستایش، مخصوص خدا؛ پروردگار جهانیان است.
* «الرّحمنِ الرَّحیم».
خدای بخشنده مهربان.
* «مالِکِ یَوْمِ‌الدّین».
صاحب روز پاداش (قیامت).
«ایَّاکَ نَعْبُدُ وَ ایَّاکَ نَسْتَعین».
* تنها تو را می‌پرستیم و تنها از تو کمک می‌خواهیم.
* «اهْدناالصِّراطَ الْمُستَقیم».

* ما را به راه راست هدایت فرما.
* «صِراطَ الَّذینَ انْعَمْتَ عَلَیْهِم».
* راه آنانکه به آنها نعمت دادی.
* «غَیْرِالْمَغضوُبِ عَلَیْهِم».
* نه راه کسانی که بر آنها خشم شده است.
* «وَلاالضَّالّینَ».
* و نه راه گمراهان.
سوره:* «بِسْمِ ا للَّهِ ا لرَّحْمنِ ا لرَّحیمِ».
* بنام خداوند بخشنده مهربان.
* «قُل هُوَاللَّهُ احَدٌ».
* بگو اوست خدای یکتا.
* «اللَّهُ الصَّمَدُ».
* خدای بی‌نیاز.
* «لَمْ یَلِدْ وَ لَمْ یوُلَدْ».
* خدایی که نه فرزند کسی است و نه فرزندی دارد.
* «وَ لَمْ یَکُنْ لَهُ کُفُواً احَدٌ».
* و هیچ کسی، همتای او نیست.
ذکر رکوع:* «سُبْحانَ رَبّیَ‌الْعَظیمِ وَ بِحَمْدِهِ».
* خدای بزرگ خود را می‌ستایم و پیراسته می‌شمرم.

ذکر سجود:* «سُبْحانَ رَبّیَ‌الْاعْلی وَ بِحَمْدِهِ».
* خدای‌خودراکه ازهمه‌بالاتراست می‌ستایم و منزّه می‌دانم.
تسبیحات‌اربعه:* «سُبْحانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُلِلَّهِ وَ لا الهَ الَّا اللَّهُ وَاللَّهُ اکْبَر».
* منزّه است خدا، ستایش مخصوص خدا است، جز آفریدگار جهان خدایی نیست و خدا از همه بزرگتر است.
تشهّد:* «اشْهَدُ انْ لا الهَ الَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لا شریکَ لَهُ».
* گواهی می‌دهم که جز آفریدگار، خدایی نیست و یکتا و بی‌همتاست و شریک ندارد.
* «وَ اشْهَدُ انَّ مُحمّداً عَبْدُهُ وَ رَسوُلُه».
* وگواهی‌می‌دهم‌که محمد (ص) بنده و فرستاده خداوند است.
* «اللَّهُمَّصَلِّ علی مُحَمَّدٍ وَ الِ مُحمّدٍ».
* خداوندا! بر محمد و خاندان او درود فرست».
سلام:* «السَّلامُ عَلَیْکَ ایُّهاالنَّبیُّ وَ رَحْمَةُاللَّهِ وَ بَرَکاتُهُ».
* درود و رحمت و برکات خدا بر تو ای پیامبر.
* «السَّلامُ عَلَیْنا وَ علی عِبادِاللَّهِ الصَّالِحینَ».
درود بر ما (نمازگزاران) و بر بندگان شایسته خدا.
* «السَّلامُ عَلَیْکُمْ وَ رَحْمَةُاللَّهِ وَ بَرَکاتُهُ».
درود بر شما و رحمت و برکات خدا بر شما.

ص:112

شَکیّات نماز

اشاره

گاهی ممکن است نمازگزار در انجام جزئی از نماز شک کند؛ مثلًا نمی‌داند تشهد را خوانده است یا نه و یانمی‌داند یک سجده بجا آورده است یا دو سجده و گاهی در تعداد رکعاتی که خوانده است شک می‌کند؛ مثلًا نمی‌داند اکنون مشغول رکعت سوم است یا چهارم.
برای شک در نماز، احکام خاصی است و بیان تمام موارد آن از حدّ این جزوه خارج است ولی بطور مختصر، به بیان اقسام شک و احکام هر کدام می‌پردازیم:

اقسام شک در نماز

«(1)»
1- شک در اجزای نماز:
الف: اگر در انجام جزئی از اجزای نماز شک کند؛ یعنی نمی‌داند آن جزء را بجا آورده است یا نه، اگر جزء بعدی را شروع نکرده است،

1- تحریرالوسیله، ج 1، ص 198، 199 و 200.

یعنی هنوز از محل آن جزء نگذشته است؛ باید آن را بجا آورد. ولی اگر بعد از داخل شدن در جزء بعدی شک پیش آمده است؛ یعنی از محل آن گذشته است؛ به چنین شکی اعتنا نمی‌شود و نماز را ادامه می‌دهد وصحیح است.
ب: اگر درصحّت جزئی از نماز شک کند؛ یعنی نمی‌داند جزئی را که بجا آورده،صحیح انجام شده است یا نه، در اینصورت به شک خود اعتنا نمی‌کند، یعنی بنا می‌گذارد برصحیح بودن آن و نماز را ادامه می‌دهد وصحیح است.
2- شک در رکعات: «(1)»
* شکهائی که نماز را باطل می‌کند: «(2)»
1- اگر در نماز دو رکعتی؛ مثل نمازصبح یا در نماز مغرب، شک در رکعت پیش آید، نماز باطل است.
2- شک بین یک و بیشتر از یک؛ یعنی اگر شک کند یک رکعت خوانده یا بیشتر، نماز باطل است.
3- اگر در نماز نداند چند رکعت خوانده نماز باطل است.

1- شک در رکعات نماز، موارد دیگری نیز دارد، امّا چون پیش آمدن آن موارد بسیار کم است از بیان آنها صرف‌نظر شد، برای آشنایی می‌توانید به رساله توضیح المسائل مسأله 1165 تا 1200 مراجعه کنید.
2- توضیح‌المسائل، م 1165.

ص:114
جای جدول شکیّات

* شکهایی که نباید به آنها اعتناء کرد: «(1)»
1- در نماز مستحبی.
2- در نماز جماعت؛ که توضیح این دو خواهد آمد.
3- پس از سلام نماز؛ یعنی اگر بعد از تمام شدن نماز، شک در رکعت یا اجزاء پیش آید، لازم نیست نماز را دوباره بخواند.
4- بعد از گذشت وقت نماز؛ یعنی اگر پس از گذشت وقت نماز، شک کند که نماز را خوانده است یا نه، خواندن آن نماز لازم نیست.
یاد آوری:
1- هر آنچه در نماز خوانده یا بجا آورده می‌شود، جزئی از نماز است.
2- اگر نمازگزار شک کند که جزئی از نماز را بجا آورده یا نه، مثلًا شک دارد سجده دوم را انجام داده یا نه، چنانچه وارد جزء بعدی نشده است باید آن جزء را بجا آورد، ولی اگر وارد جزء بعدی شده است؛ به شک خود اعتنا نمی‌کند، بنابراین اگر مثلًا در حالی که نشسته است و تشهد را شروع نکرده، شک کند یک سجده بجا آورده است یا دو سجده، باید یک سجده دیگر بجا آورد؛ اما اگر در بین تشهد و یا پس از ایستادن شک کند، لازم نیست سجده‌ای بجا آورد، نماز را ادامه می‌دهد وصحیح است.

1- توضیح‌المسائل، م 1168.

3- چنانچه پس از بجا آوردن جزئی از اجزاء نماز؛ مثلًا خواندن حمد و یا یک کلمه از آن شک کند کهصحیح بجا آورده است یا نه، به شک خود توجه نمی‌کند و لازم نیست دوباره بجا آورد؛ نماز را ادامه می‌دهد وصحیح است.
4- شک در رکعت، یعنی در بین نماز در تعداد رکعتهای خوانده شده شک کند؛ مثلًا هنگام خواندن تسبیحات نداند که اکنون رکعت چهارم را می‌خواند یا سوم؟
5- اگر در تعداد رکعتهای نماز مستحبی شک کند، بنابر دو می‌گذارد چون تمام نمازهای مستحبی- بجز نماز وتر و اعرابی- دورکعتی است پس اگر شک بین یک و دو یا دو و بیشتر از آن پیش آید، بنابر دو می‌گذارد و نمازصحیح است.
6- در نماز جماعت، اگر امام جماعت شک کند ولی مأموم شک نداشته باشد و مثلًا با گفتن «اللّه اکبر» امام را مطّلع کند، امام جماعت به شک خود اعتنا نمی‌کند و همچنین اگر مأموم شک کند ولی امام جماعت شک نداشته باشد، همانگونه که امام جماعت نماز را انجام می‌دهد او هم عمل می‌کند وصحیح است.
7- اگر یکی از شکهایی که نماز را باطل می‌کند پیش آید، باید کمی فکر کند و چنانچه چیزی یادش نیامد و شک باقی ماند، نماز را بهم می‌زند و دوباره شروع می‌کند.

نماز احتیاط

1- در مواردی که نماز احتیاط واجب می‌شود؛ مثل شک بین 3 و 4، باید بعد از سلام نماز، بدون آنکهصورت نماز را بهم بزند و یا مبطلی از مبطلات نماز راانجام دهد، برخیزد و بدون اذان و اقامه تکبیر بگوید و نماز احتیاط را بخواند.
فرق نماز احتیاط با نمازهای دیگر:
نیّت آن را نباید به زبان آورد.
* سوره و قنوت ندارد (هر چند دور رکعتی باشد).
* حمد را باید آهسته بخواند (بنابر احتیاط واجب). «(1)» 2- اگر یک رکعت نماز احتیاط واجب باشد، پس از سجده‌ها، تشهد می‌خواند و سلام می‌دهد و اگر دو رکعت واجب شده باشد، نباید در رکعت اول تشهد و سلام بخواند، بلکه باید یک رکعت دیگر هم (بدون تکبیرةالاحرام) بخواند و در پایان رکعت دوم تشهد می‌خواند و سلام می‌دهد. «(2)»

1- گلپایگانی- خویی سوره حمد را واجب است آهسته بخواند. مسأله 1225
2- توضیح‌المسائل، م 1215 و 1216.

سجده سهو

1- در مواردی که سجده سهو واجب می‌شود، مانند شک بین 4 و 5 در حالت نشسته، باید بعد از سلام نماز، به سجده رود و بگوید:
بِسْمِ‌اللَّه وَ بِاللَّهِ اللَّهُمَصَلِّ عَلی مُحَمَّد وَ آلِ مُحَمَّدٍ و بهتر است بگوید: بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ السَّلامُ عَلَیْکَ ایُّها النَّبِیُّ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَکاتُهُ «(1)» و بعد بنشیند و دوباره به سجده رود و یکی از ذکرهای بالا را بگوید سپس بنشیند و تشهد و سلام را بجا آورد. «(2)» 2- سجده سهو تکبیرةالاحرام ندارد.

1- خوئی احتیاط واجب آن است که جمله دوّم را بگوید. مسأله 1259
2- . توضیح‌المسائل، م 1250.

نماز مسافر

اشاره

انسان باید در سفر، نمازهای چهار رکعتی را دو رکعت (یعنی شکسته) بجا آورد، به شرط آنکه مسافرتش ازهشت فرسخ که حدود 45 کیلومتر است کمتر نباشد. «(1)» چند مسأله:
1- اگر مسافر از جائی که نمازش تمام «(2)» است- مثل وطن- حداقل چهار فرسخ می‌رود و چهار فرسخ برمی‌گردد نمازش دراین سفرهم شکسته است. «(3)» 2- کسی که به مسافرت می‌رود، زمانی باید نمازش را شکسته بخواند که حداقل به مقداری دور شود که دیوارهای آنجا را نبیند و اذان

1- توضیح‌المسائل، ص 173، نماز مسافر.
2- به نماز چهار رکعتی، نماز تمام گفته می‌شود در مقابل نماز دو رکعتی.
3- توضیح‌المسائل، م 1272 و 1273.

آنجا را هم نشنود (این فاصله را حد ترخّص می‌گویند) «(1)» و چنانچه قبل از آنکه به این مقدار دور شود بخواهد نماز بخواند باید تمام بخواند. «(2)»
3- اگر از محلی مسافرت می‌کند که خانه و دیوار ندارد، «(3)» وقتی به جایی برسد که اگر آن محل دیوار داشت، از آنجا دیده نمی‌شد، باید نماز را شکسته بخواند. «(4)» 4- اگر به جایی می‌رود که دو راه دارد، یک راه آن کمتر از هشت فرسخ و راه دیگر آن هشت فرسخ یا بیشتر باشد، اگر از راهی که هشت فرسخ است برود، باید نماز را شکسته بخواند واگر از راهی که هشت فرسخ نیست برود باید نماز را چهار رکعتی بخواند. «(5)»
نماز مسافر در این موارد تمام است:
1- قبل از آنکه هشت فرسخ برود، از وطن خود می‌گذرد و یا در جایی ده روز می‌ماند.
2- از اول قصد نداشته است به سفر هشت فرسخی برود و بدون قصد، این مسافت را پیموده است؛ مثل کسی که به دنبال گمشده‌ای

1- خوئی- اراکی به قدری دور شود که اذان آنجا را نشنود و اهل آنجا او را نبینند و نشانه آن این است که او اهل آنجا را نبیند. مسأله 1292
2- توضیح‌المسائل، نماز مسافر، شرط هشتم.
3- اراکی- خوئی ساکنینی ندارد، اگر به جایی برسد اگر آن محل ساکنینی می‌داشت او را نمی‌دیدند.
4- توضیح‌المسائل، م 1321.
5- توضیح‌المسائل، م 1279.

می‌گردد.
3- در بین راه از قصد سفر برگردد؛ یعنی قبل از رسیدن به چهار فرسخ، از رفتن منصرف شود.
4- کسی که شغل او مسافرت است؛ مثل راننده قطار، ماشینهای برون شهری، خلبان و ملوان (در سفری که شغل اوست).
5- کسی‌که‌به سفر حرام می‌رود؛ مانند سفری که موجب اذیّت پدر و مادر باشد. «(1)» در این مکانها نماز تمام است:
1- در وطن.
2- در جایی که می‌داند و یا بنا دارد ده روز بماند.
3- در جایی که سی روز با تردید مانده؛ یعنی معلوم نبوده است که می‌ماند یا می‌رود، در اینصورت باید بعد از سی روز نماز را تمام بخواند. «(2)»

وطن کجاست؟

1- وطن، جایی است که انسان برای اقامت وزندگی خود اختیار کرده است، خواه در آنجا به دنیا آمده و وطن پدر و مادرش باشد، یا خودش آن جا را برای زندگی اختیار کرده است. «(3)» 2- تا انسان قصد ماندنِ همیشگی در غیر وطن اصلی خودش را

1- توضیح‌المسائل، نماز مسافر.
2- توضیح‌المسائل، شرط چهارم، مسأله 1328- 1335- 1353.
3- توضیح‌المسائل، م 1329.

نداشته باشد، آنجا وطن او حساب نمی‌شود. «(1)» «(2)» 3- اگر قصد دارد در محلی که وطن اصلی او نیست مدتی بماند و بعد به جای دیگری برود، آنجا وطن او حساب نمی‌شود؛ مانند دانشجویی که مدتی برای تحصیل در شهری می‌ماند. «(3)» 4- اگر انسان بدون قصد ماندن همیشگی در جایی آن قدر بماند که مردم، او را اهل آنجا بدانند، آن جاحکم وطن او را دارد. «(4)» 5- اگر به جایی برود که قبلًا وطن او بوده ولی هم اکنون از آنجاصرف نظر کرده است، نباید نماز را تمام بخواند، اگر چه وطن دیگری هم برای خود اختیار نکرده باشد. «(5)» 6- مسافری که به وطنش برمی‌گردد، وقتی دیوار وطن خود را ببیند «(6)» وصدای اذان را بشنود باید نماز را تمام بخواند. «(7)»

قصد ده روز

1- مسافری که قصد کرده ده روز در محلی بماند، اگر بیشتر از ده

1- توضیح‌المسائل، م 1331.
2- گلپایگانی- خوئی جائی را که انسان، محل زندگی خود قرار داده و مثل کسی که آنجا وطن او است در آنجا زندگی می‌کند، که اگر مسافرتی برای او پیش آید دوباره به همانجا برمی‌گردد، اگر چه قصد نداشته باشد که همیشه در آنجا بماند در حکم وطن او حساب می‌شود. مسأله 1340
3- توضیح‌المسائل، م 1330.
4- توضیح‌المسائل، م 1331.
5- . توضیح‌المسائل، م 1334.
6- اراکی وقتی که اهل وطن او را ببینند و اذان آنجا را بشنود. خویی وقتی که اهل وطن خود را ببیند و اذان آنجا را بشنود. مسأله 1320
7- توضیح‌المسائل، م 1319.

روز در آنجا بماند، تا وقتی مسافرت نکرده است، باید نمازش را تمام بخواند و لازم نیست دوباره قصد ماندن ده روز کند. «(1)» 2- اگر مسافر از قصد ده روز برگردد:
الف: قبل از خواندن نماز چهار رکعتی از قصد خود برگردد: باید نماز را شکسته بخواند.
ب: بعد از خواندن یک نماز چهار رکعتی از قصد خود برگردد: تا وقتی که در آنجا هست باید نماز را تمام بخواند. «(2)» 3- اگر مدت اقامت زائران در مدینه منوره ده روز یا بیشتر باشد، باید نماز را بخوانند، هر چند بین ده روز به مسجد قُبا، قبلتین، مساجد سَبْعه یا احُد بروند، چون به سبب توسعه شهر، این اماکن به شهر متصل شده است.
4- حکم نماز حجاج در شهر مکه:
الف: قبل از رفتن به عرفات (روز عرفه)، ده روز یا بیشتر در شهر مکه اقامت می‌کنند؛ مثلاً روز 25 ذیقعده وارد مکه شده‌اند: باید قبل از رفتن به عرفات و همچنین در عرفات و مشعر و پس از بازگشت به مکه نماز را تمام بخوانند، چون فاصله هیچکدام از این اماکن با شهر مکه 4 فرسخ نمی‌باشد.
ب: قبل از گذشت ده روز اقامت در مکه، باید عرفات بروند: باید قبل از رفتن به عرفات، مشعر و منی و در آن اماکن نماز را شکسته

1- توضیح‌المسائل، م 1347.
2- توضیح‌المسائل، م 1342.

بخواند، و پس از برگشت به شهر مکه اگر ده روز یا بیشتر می‌ماند، باید نماز بخواند، و چنانچه کمتر از ده روز می‌ماند، نماز شکسته است.
5- مسافری که نمازش شکسته است در اماکن زیر می‌تواند نماز را تمام یا شکسته بخواند:
* مسجد الحرام
* مسجد النبی
* مسجد کوفه
* حرم امام حسین- ع- «(1)»
6- حکم مسأله قبل اختصاص به مسجد قدیم ندارد، بلکه در قسمتهای توسعه یافته جدید هم مسافر می‌تواند نماز را تمام یا شکسته بخواند. «(2)» «(3)» 7- حکم مسأله 5 اختصاص به نماز دارد و شخص مسافر نمی‌تواند در آنجا روزه بگیرد. «(4)» 8- در سفری که نماز شکسته است، روزه هم صحیح نیست، مگر آن‌که بعداز ظهر به مسافرت برود که روزه آن روزصحیح است و یا قبل از ظهر به وطن یا جایی که می‌خواهد ده روز بماند برسد و مبطلی هم

1- العروةالوثقی، ج 2، ص 164، م 11.
2- مناسک حج، مسائل متفرقه.
3- گلپایگانی می‌تواند در دو شهر مکه و مدینه نماز را تمام بخواند و اختصاص به مسجدالحرام و مسجدالنبی ندارد. مسأله 237 و 1365 خویی ظاهراً اختصاص به مسجد ندارد، بلکه این حکم در شهر قدیمی مکه و مدینه جاری است.
4- العروةالوثقی، ج 2، ص 165، م 13.

انجام نداده باشد، بنابر این کسی که در غیر وطن کمتر از ده روز می‌ماند، نمی‌تواند روزه بگیرد. «(1)» 9- در سفر، نماز قضا می‌توان خواند، هرچند نماز چهار رکعتی، ولی روزه قضا نمی‌توان گرفت. «(2)» مسافری که نمازش را تمام خوانده است:
الف: اگر نمی‌دانسته است که مسافر باید نماز را شکسته بخواند:
نمازی که خوانده،صحیح است. «(3)» ب: حکم سفر را می‌دانسته ولی بعضی از جزئیّات را نمی‌دانسته است و یا نمی‌دانسته که مسافر است:
نمازی که خوانده است باید دوباره بخواند. «(4)» «(5)» غیر مسافری که نمازش را شکسته خوانده است:
کسی که باید نماز را تمام بخواند، اگر شکسته بجا آورد، در هرصورت نمازش باطل است. «(6)» «(7)»

1- العروةالوثقی، ج 2، ص 215، الخامس.
2- همان مدرک.
3- توضیح‌المسائل، م 1359.
4- توضیح‌المسائل، م 1360، 1361 و 1362.
5- گلپایگانی- خویی اگر خارج از وقت بفهمد قضا ندارد. مسأله 1369
6- توضیح‌المسائل، م 1363.
7- خویی مگر مسافری که قصد ماندن ده روز در جایی داشته باشد و به جهت ندانستن حکم مسأله نماز را شکسته بخواند. مسأله 1372

ص:126

آداب سفر

از آنجا که آشنایی با آداب سفر و عمل به آنها می‌تواند سفر زیارتی شما را پربارتر کند، در این قسمت به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:
1- مستحب است انسان هنگام سفر با اهل و عیال و خویشان خود خداحافظی کند.
2- برادران ایمانی خود را از سفر مطلع نماید.
3- هنگام سفر وصیّت کند، بویژه نسبت به واجبات. «(1)»
4- با «بسم‌اللّه»، ذکر، حمد، شکر خداوند و خواندن برخی از سوره‌ها و آیات قرآنی سفر را آغاز کند. (از جمله سوره‌ها و آیاتی که مستحب است؛ سوره حمد، توحید، قدر و آیه الکرسی می‌باشد).
5- هنگام سفر چیزیصدقه بدهد.
6- برای سفر، همسفر انتخاب کند و تنهایی نرود.
7- آنچه را که در سفر به آنها نیاز دارد همراه بردارد.
* و بر دیگران نیز مستحب است که با وی خداحافظی کرده و او را بدرقه کنند و در شروع سفر، به وی کمک کنند و برای او دعا کنند.
و در سفر حج مستحب است:
1- به زیارت پیامبر نیز مشرف شود.
2- هنگام بازگشت از سفر و خارج شدن از مکه، نیّت بازگشت

1- برای آشنایی با مسائل وصیّت به ص 215 مراجعه کنید.

مجدّد داشته باشد.
3- اگر هنگامی‌که بازمی‌گردد ظهر شده است ابتدا نماز ظهر و عصر را بخواند و سپس از مکه یا مدینه خارج شود.
4- این سفر را سفر سیاحتی و تجارتی قرار ندهد، بلکه آن‌را جزء سفر آخرت به حساب آورد و در این سفر به یاد قیامت باشد.
5- هرگز این سفر را سبب فخرفروشی به دیگران و خود بزرگ‌بینی قرار ندهد. «(1)» یادآوری
زائران محترم می‌توانند در آغاز سفر یا هنگام رسیدن به مقصد، از مسؤولان یا روحانی کاروان، مدت اقامت در آنجا را سؤال کنند، تا نسبت به نماز مشکلی نداشته باشند.

1- العروةالوثقی، ج 2، کتاب الحج.

ص:128

نماز قضا

اشاره

پیش از این گذشت که «نماز قضا» نمازی را گویند که بعد از وقت خوانده می‌شود.
انسان باید نمازهای واجب را در وقت خود بخواند و چنانچه بدون عذر نمازی از او قضا شود، گناهکار است و باید توبه کرده و قضای آن را هم بجا آورد.
در دو مورد بجا آوردن قضای نماز، واجب است:
الف: نماز واجب را در وقت آن، نخوانده باشد.
ب: بعد از وقت متوجه شود نمازی که خوانده است باطل بوده. «(1)» 1- کسی که نماز قضا دارد، نباید در خواندن آن کوتاهی کند، ولی واجب نیست فوراً آن را بجا آورد. «(2)»

1- توضیح‌المسائل، م 1370- 1371.
2- توضیح‌المسائل، م 1372.

2- حالتهای مختلف انسان نسبت به نماز قضا:
* می‌داند نماز قضا ندارد: چیزی واجب نیست.
* شک دارد نماز قضا دارد یا نه: چیزی واجب نیست.
* احتمال می‌دهد نماز قضایی داشته باشد: مستحب است احتیاطاً قضای آن را به جا آورد.
* می‌داند نماز قضا دارد، ولی شماره آنها را نمی‌داند؛ مثلًا نمی‌داند چهار تا بوده یا پنج تا: چنانچه کمتر را بخواند کافی است.
* اگر شماره آنها را می‌دانسته ولی فراموش کرده است؛ اگر مقدار کمتر را بخواند کفایت می‌کند.
* شماره آن را هم می‌داند: باید قضای آن را بجا آورد. «(1)» 3- قضای نمازهای یومیّه لازم نیست «(2)» به ترتیب خوانده شود؛ مثلًا کسی که یک روز نماز عصر و روز بعد نماز ظهر را نخوانده، لازم نیست اوّل نماز عصر و بعد از آن نماز ظهر را قضا کند. «(3)» 4- نماز قضا را با جماعت می‌توان خواند، چه نماز امام جماعت ادا باشد یا قضا، و لازم نیست هر دو، یک نماز را بخوانند؛ مثلًا اگر نماز قضایصبح را با نماز ظهر یا عصر امام بخواند اشکال ندارد. «(4)» 5- اگر مسافری که باید نماز را شکسته بخواند، نماز ظهر یا عصر

1- توضیح‌المسائل، م 1374 و 1383.
2- اراکی باید به ترتیب خوانده شود. مسأله 1368
3- توضیح‌المسائل، م 1375.
4- توضیح‌المسائل، م 1388.

یا عشا، از او قضا شود، باید آن را دو رکعتی بجا آورد، اگر چه در غیر سفر بخواهد قضای آن را بجا آورد. «(1)» 6- درسفرنمی‌توان روزه‌گرفت، حتی‌روزه‌قضا، ولی نماز قضا می‌توان بجا آورد. «(2)» 7- اگر در سفر بخواهد نمازهایی را که در غیر سفر قضا شده است بجا آورد، باید نمازهای ظهر و عصر و عشا را چهار رکعتی قضا کند. «(3)» 8- نماز قضا را در هر وقتی می‌توان بجا آورد؛ یعنی قضای نمازصبح را می‌توان ظهر یا شب خواند. «(4)»

نماز قضای پدر

1- تا انسان زنده است اگر چه از خواندن نماز خود عاجز باشد، شخص دیگری نمی‌تواند نمازهای او را قضا کند. «(5)» 2- پس از مرگ پدر، نماز و روزه‌هایی را که بجا نیاورده باشد، بر پسر بزرگتر او واجب است آن نماز و روزه‌ها را قضا کند، و احتیاط مستحب «(6)» است نماز و روزه‌هائی را که از مادرش قضاء شده است بجا آورد. «(7)»

1- توضیح‌المسائل، م 1368.
2- تحریرالوسیله، ج 1، ص 224، م 5؛ و العروة الوثقی، ج 1، ص 734، م 10.
3- توضیح‌المسائل، م 1368.
4- تحریرالوسیله، ج 1، ص 293، م 1؛ العروة الوثقی، ج 1، ص 734، م 10.
5- توضیح‌المسائل، م 1387.
6- اراکی نماز و روزهای مادر را هم باید قضا کند. مسأله 1382 گلپایگانی احتیاط واجب است نماز و روزه‌های مادر را نیز قضا کند. مسأله 1399
7- توضیح‌المسائل، م 1390.

3- حالتهای مختلف پسر بزرگتر نسبت به نماز قضای پدر:
الف: می‌داند، پدر نماز قضا داشته است و:
* تعداد آن را هم می‌داند: باید آنها را قضا کند.
* تعداد آن را نمی‌داند: اگر مقدار کمتر را بجا آورد کافی است.
* شک‌دارد که‌خودش بجاآورده‌است‌یانه: بنابر احتیاط واجب باید قضا کند.
«(1)» ب: شک دارد که پدر، نماز قضا داشته است یا نه: چیزی بر او واجب نیست. «(2)» 4- اگر پسر بخواهد نماز پدر یا مادر را بخواند، باید به تکلیف خود عمل کند؛ مثلًا نماز قضای صبح و مغرب و عشاء را باید بلند بخواند. «(3)» 5- اگر پسر بزرگتر، پیش از آن که نماز و روزه پدر را قضا کند، از دنیا برود، بر پسر دوم چیزی واجب نیست. «(4)» «(5)» راهنمایی آنان که نماز قضا دارند، فرصت را از دست ندهند و اوقات

1- توضیح‌المسائل، م 1390- 1392.
2- توضیح‌المسائل، م 1391.
3- توضیح‌المسائل، م 1395.
4- توضیح‌المسائل، م 1398.
5- گلپایگانی چنانچه بین مرگ پدر یا مادر و مرگ او به قدری طول کشیده که‌می‌توانسته قضای نماز و روزه‌ها را به جا آورد، بر پسر دوّم چیزی واجب نیست و اگر این مقدار طول نکشیده بنابر احتیاط واجب پسر دوم باید قضای آن‌را بجا آورد. مسأله 1407

فراغت خود را بیهوده نگذرانند، و بیش از مقدار نیاز وقت خود را در بازارها و مغازه‌ها تلف نکنند، و نمازهای قضای خود را بجای آورند، که این وظیفه واجب آنهاست، و باید بدان عمل کنند و چه بهتر که این عبادتها در اماکن مقدسی همچون مسجدالحرام و مسجدالنبی انجام شود، که افزون بر عمل به واجب شرعی از پاداش بیشتری نیز بهره‌مند خواهند شد.

نماز جماعت

اشاره

وحدت امّت اسلامی، از جمله مسائلی است که اسلام، به آن اهمیّت بسیاری داده، و برای حفظ و ادامه آن، برنامه های ویژه‌ای دارد، یکی از آنها نماز جماعت است.
در نماز جماعت، یکی از نمازگزاران که دارای ویژگی خاصی است پیشاپیش جمعیت می‌ایستد و دیگران درصفوفی منظم، پشت سر او و هماهنگ با او نماز را بجا می‌آورند.
کسی که در این نماز دسته‌جمعی، پیشاپیش جمعیت می‌ایستد «امام جماعت» است و کسی که پشت سر او در نماز از او پیروی می‌کند «مأموم» است.
اهمّیت نماز جماعت
گذشته از آنکه در روایات زیادی، برای نماز جماعت، اجر و پاداش بسیاری وارد شده است، با دقّت در برخی از مسائل احکام، به

اهمیّت این عبادت پی می بریم، و در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌کنیم؛
1- شرکت در نماز جماعت برای هر کس مستحب است، بویژه برای همسایه مسجد. «(1)» 2- مستحب است، انسانصبر کند که نماز را به جماعت بخواند.
3- نماز جماعت، هر چند اوّل وقت خوانده نشود، از نماز فُرادایِ «(2)» اوّل وقت بهتر است.
4- نماز جماعتی که مختصر خوانده می‌شود، از نماز فُرادایی که آن را طول بدهد بهتر است. «(3)» 5- سزاوار نیست انسان بدون عذر نماز جماعت را ترک کند.
6- حاضر نشدن به نماز جماعت از روی بی‌اعتنایی به آن، جایز نیست. «(4)»

شرایط نماز جماعت

هنگام برپایی نماز جماعت، شرایط زیر، باید مراعات شود:
مأموم از امام، جلوتر نایستد، و احتیاط واجب آن است که کمی عقب‌تر بایستد.
جایگاه امام جماعت از جایگاه مأمومین، بالاتر نباشد.
فاصله امام و مأموم و فاصلهصف‌ها، زیاد نباشد.

1- توضیح المسائل، م 1399.
2- نمازی که به تنهایی خوانده شود و به جماعت نباشد،« نماز فُرادا» نام دارد.
3- توضیح المسائل، م 1402.
4- توضیح المسائل، م 1401.

بین امام و مأموم و همچنین بینصف‌ها چیزی مانند دیوار یا پرده مانع نباشد، ولی نصب پرده بینصفِ مردها و زنها اشکال ندارد. «(1)» امام جماعت باید بالغ و عادل‌باشد و نماز را بطورصحیح بخواند. «(2)» پیوستن به نماز جماعت (اقتدا کردن)
در هر رکعت، تنها در بین قرائت «(3)» و در رکوع می‌توان به «امام» اقتدا کرد، پس اگر به رکوع امام جماعت نرسد، باید در رکعت بعد اقتدا کند، و اگر تنها به رکوع امام جماعت هم برسد، یک رکعت به حساب می‌آید.

حالتهای مختلف برای پیوستن به نماز جماعت

رکعت اوّل
1- در بین قرائت مأموم حمد و سوره را نمی‌خواند و بقیّه اعمال را با امام جماعت بجا می‌آورد.
2- در رکوع رکوع و بقیه اعمال را با امام جماعت بجا

1- العروةالوثقی، ج 1، ص 777.
2- توضیح المسائل، م 1453.
3- در قنوت رکعت دوّم هم می‌تواند اقتدا کند و قنوت را با امام بخواند و همانند آنچه برای اقتدا در بین قرائت گفته می‌شود عمل کند.

می‌آورد. «(1)» رکعت دوّم
1- دربین‌قرائت مأموم حمد و سوره را نمی‌خواند و با امام، قنوت و رکوع و سجده را بجا می‌آورد و آنگاه که امام جماعت تشهد می‌خواند، بنا بر احتیاط واجب باید به‌صورت نیم‌خیز، بنشیندو اگر نماز دو رکعتی است یک رکعت دیگر به تنهائی بخواند و نماز را تمام کند و اگر سه یا چهار رکعتی است، در رکعت دوّم که امام جماعت در رکعت سوّم می‌باشد، حمد و سوره بخواند (هر چند امام جماعت تسبیحات بخواند) و آنگاه که امام جماعت رکعت سوّم را تمام کرد، و برای رکعت چهارم برمی‌خیزد، مأموم باید پس از دو سجده، تشهد بخواند، و برخیزد و قرائت رکعت سوّم را بجا آورد و در رکعت آخر نماز که امام جماعت با تشهد و سلام، نماز را به پایان می‌برد یک رکعت دیگر می‌خواند. «(2)» 2- در رکوع: رکوع را با امام جماعت بجا می‌آورد و بقیّه نماز را همانگونه که گفته شد، انجام

1- توضیح المسائل، م 1427.
2- توضیح المسائل، م 1439 و 1440.

می‌دهد.
رکعت سوّم
1- دربین‌قرائت چنانچه می‌داند که اگر اقتدا کند برای خواندن حمد و سوره و یا حمد تنها وقت دارد، می‌تواند اقتدا کند و باید حمد و سوره یا حمد را بخواند، و اگر می‌داند فرصت ندارد، بنا بر احتیاط واجب بایدصبر کند تا امام جماعت به رکوع رود، سپس به او اقتدا کند.
2- در رکوع چنانچه در رکوع اقتدا کند، رکوع را با امام بجا می‌آورد و حمد و سوره برای آن رکعت ساقط است، و بقیه نماز را همانگونه که قبلاً بیان شد بجا می‌آورد. «(1)» رکعت چهارم
1- دربین‌قرائت حکم اقتدا در رکعت سوّم را دارد، و آنگاه که امام جماعت در رکعت آخر نماز برای تشهد و سلام می‌نشیند، مأموم می‌تواند برخیزد و نمازش را به تنهایی ادامه دهد، و می‌تواند، بطور نیم‌خیز بنشیند تا تشهد و سلام امام جماعت تمام شود و سپس برخیزد.
2- در رکوع رکوع و سجده‌ها را با امام بجا می‌آورد، (اکنون رکعت چهارم امام و رکعت اوّل مأموم است) و

1- توضیح‌المسائل، م 1443- 1442 و تحریرالوسیله، ج 1، ص 271 و 272، م 5، 6 و 8.

بقیه نماز را همانگونه که گذشت انجام می‌دهد. «(1)»

1- اگر امام جماعت یکی از نمازهای یومیّه را می‌خواند، هر کدام از نمازهای یومیّه را می‌توان به او اقتدا کرد، بنابراین اگر امام، نماز عصر را می‌خواند، مأموم می‌تواند، نماز ظهر را به او اقتدا کند، و یا اگر مأموم پس از آنکه نماز ظهر را خواند، جماعت برپا شود، می‌تواند نماز عصر را به ظهر او اقتدا کند. «(2)» 2- مأموم می‌تواند نماز قضای خود را به نماز ادای امام، اقتدا کند، هر چند قضای دیگر نمازهای یومیّه باشد؛ مثلًا امام جماعت نماز ظهر را می‌خواند و او قضای نمازصبح را. «(3)» 3- نماز جماعت، حدّاقل با دو نفر برپا می‌شود، یک نفر امام و یک نفر هم مأموم، مگر در نماز جمعه و عید فطر و قربان. «(4)» 4- نمازهای مستحبی را نمی‌توان به جماعت خواند، مگر نماز طلب باران. «(5)»

1- همان مدرک.
2- . توضیح المسائل، م 1408.
3- تحریرالوسیله، ج 1، ص 265، م 1؛ العروةالوثقی، ج 1 ص 765 م 3.
4- العروةالوثقی، ص 766، م 8.
5- العروةالوثقی، ج 1، ص 764، م 2.

وظیفه مأموم در نماز جماعت
1- مأموم نباید تکبیرةالاحرام را پیش از امام بگوید، بلکه احتیاط واجب آن است که تا تکبیر امام تمام نشده، تکبیر نگوید. «(1)» 2- مأموم، باید غیر از حمد و سوره همه چیز نماز را خودش بخواند، ولی اگر رکعت اوّل یا دوّم او، و رکعت سوّم یا چهارم امام باشد، باید حمد و سوره را بخواند. «(2)»
چگونگی پیروی مأموم، از امام جماعت
الف): در خواندنی‌ها؛ مانند حمد، سوره، ذکر و تشهد، جلو افتادن از امام یا عقب افتادن از او اشکال ندارد، مگر در تکبیرةالاحرام.
ب): در اعمال؛ مانند رکوع، سر برداشتن از رکوع و سجده، پیش افتادن جایز نیست؛ یعنی نباید قبل از امام به رکوع برود و یا از رکوع برخیزد، یا به سجده برود، ولی عقب افتادن اگر زیاد نباشد اشکال ندارد. «(3)» مسأله: اگر موقعی که امام جماعت در رکوع است اقتدا کند، ممکن است، یکی از این حالت‌ها را داشته باشد:
* قبل از تمام شدن ذکر رکوعِ امام جماعت به رکوع

1- توضیح المسائل، م 1467.
2- توضیح المسائل، م 1461.
3- توضیح المسائل، م 1469- 1467 و 1470؛ العروةالوثقی، ج 1، ص 785.

می‌رسد نمازش به جماعت صحیح است.
* وقتی به حدّ رکوع می‌رسد، ذکرِ رکوعِ امام جماعت تمام شده ولی هنوز، امام در رکوع است نمازش به جماعتصحیح است.
* به رکوع رود ولی به رکوع امام هم نرسد نمازش بطور فُراداصحیح است و باید آن را تمام کند. «(1)» 1- به رکوع رود واجب است برخیزد و باامام جماعت به رکوع برود. «(2)»
2- ازرکوع برخیزد باید به رکوع برگرددوبا امام سر از رکوع بردارد، و در این اگرمأمومسهواًصورت زیاد شدن رکوع که رکن پیش از امام: است، نماز را باطل نمی‌کند.
3- به‌سجده‌رود واجب است، سر از سجده بردارد و با امام به سجده رود.
4- سرازسجده‌بردارد باید به سجده برگردد. «(3)»
اگر جای مأموم بلندتر از امام باشد، درصورتی که بلندی آن به

1- خوئی- اراکی نمازش باطل است. مسأله 1436؛ گلپایگانی جماعت باطل است ولی نمازش صحیح است. مسأله 1436
2- گلپایگانی بنا براحتیاط، باید برخیزد و با امام جماعت به رکوع رود. العروةالوثقی، ج 1، ص 786
3- العروةالوثقی، ج 1، ص 786، م 12.

مقدار متعارفِ زمان قدیم باشد، اشکال ندارد، مثل آنکه امام درصحن مسجد و مأموم در پشت بام به نماز بایستد ولی اگر مثل ساختمانهای چند طبقه این زمان باشد، جماعت اشکال دارد. «(1)» «(2)»

شرکت در نماز جماعت اهل سنت

در ایامی که زائران محترم در دو شهر مکه و مدینه هستند، از فرصت استفاده کرده و در نماز جماعت مساجد این دو شهر بویژه مسجدالحرام و مسجدالنبی که با جمعیت زیادی برگزار می‌شود شرکت کنند، تا از ثواب بسیار زیاد نماز جماعت و نماز خواندن در این اماکن مقدس بهره‌مند شوند، و هم از کارهایی که سبب توهین به مذهب تشیع و انگشت‌نما شدن شیعیان می‌گردد، بویژه برگشت به منازل، نزدیک وقت نماز یا هنگام برپایی نماز و یا تماشای نماز جماعت جداً بپرهیزند.
جهت آشنایی اهمیت این موضوع برخی از مسائل شرعی را در اینجا می‌آوریم:
1- خارج شدن از مسجدالحرام و مسجد مدینه هنگام شروع نماز جماعت جایز نیست و بر شیعیان واجب است که با آنان نماز جماعت بخوانند.
2- شرکت در نماز جماعت اهل سنت، اختصاص به مسجد الحرام و مسجد النبی ندارد و در دیگر مساجد هم از نماز واجب کفایت

1- توضیح المسائل، م 1416.
2- گلپایگانی- خوئی اگر جای مأموم بلندتر از جای امام باشد اشکال ندارد ولی اگر به قدری بلند باشد که نگویند اجتماع کرده‌اند، جماعت صحیح نیست. مسأله 1425

می‌کند. «(1)» استفتاء
س: گاهی مشاهده می‌شود که هنگام برپایی نماز جماعت در مسجدالنبی و مسجدالحرام، بعضی از حجاج از مسجد خارج می‌شوند و یا کناری ایستاده و تماشا می‌کنند، لطفاً نظر مبارک را در این‌باره مرقوم فرمایید:
(امام خمینی): وقتی که در «مسجدالحرام» یا «مسجدالنبی» نماز جماعت منعقد شد، مؤمنین نباید از آنجا خارج شوند و باید از جماعت تخلّف نکنند و با سایر مسلمین به جماعت نماز بخوانند.
(گلپایگانی): این عمل خوبی نیست و حجاج محترم شیعه باید از اینگونه اعمال بپرهیزند و کاری نکنند که انگشت‌نما و مورد اعتراض واقع شوند- واللّه‌العالم-.
(اراکی): احتیاط واجب آن است که در نماز جماعت شرکت کنند و از آنچه موجب تفرقه می‌شود جداً پرهیز کنند. «(2)» س: کسی که نماز را در مسجدالحرام به نحو استداره (به دور کعبه) خوانده است بطوری که رو در روی امام جماعت و یا طرفین او

1- گلپایگانی اختصاص به این دو مسجد ندارد بلکه در تمام مساجد، مستحب و مورد ترغیب و رجحان‌است، لکن اگر امکان دارد، نماز را اعاده کنند.
خوئی در صورتی که قرائت حمد و سوره را خود برای خود آهسته بخواند، کفایت می‌کند و در نماز جمعه، بعد از نماز جمعه، نماز ظهر را اعاده کند.
2- استفتاآت ویژه حج، س 33.

ایستاده بوده است، آیا این نماز احتیاج به اعاده دارد؟
(امام خمینی): با وضع فعلی نیاز به اعاده ندارد.
(گلپایگانی): نماز به نحو استداره مانعی ندارد، ولی بنابر احتیاط باید به حسب دایره مقدم بر امام نباشد، و همچنین بنابر احتیاط با مراعات قید قبلی نزدیکتر از امام به کعبه نباشد.
(اراکی): اگر مأموم در مواضع سجده و نزدیک نبودن به کعبه از امام عقب‌تر باشد اشکال ندارد.
(خوئی): نماز به نحو استداره، اطراف کعبه اشکال ندارد. «(1)»

برخی از مستحبات و مکروهات نماز جماعت:

1- مستحب است امام در وسطصف بایستد و اهل علم و کمال و تقوا درصف اوّل بایستند.
2- مستحب استصفهای جماعت منظم باشد و بین کسانی که در یکصف ایستاده‌اند فاصله نباشد.
3- اگر درصف‌های جماعت جا باشد، مکروه است انسان تنها بایستد.
4- مکروه است مأموم ذکرهای نماز را طوری بگوید که امام بشنود.
«(2)»

1- - مناسک حج محشی، مسائل متفرقه.
2- توضیح المسائل، ص 198- 197.

ص:144

نماز جمعه

اشاره

«(1)»
یکی از اجتماعات هفتگی مسلمانان «نماز جمعه» است، و نمازگزاران در روز جمعه می‌توانند به جای نماز ظهر، نماز جمعه بخوانند. «(2)» «(3)»
اهمیّت نماز جمعه
امام خمینی (ره) در اهمّیت نماز جمعه چنین نگاشته‌اند:
«نماز جمعه و دو خطبه آن، مانند حج و نماز عید فطر و قربان، از مراسم بزرگ مسلمانان است، ولی متأسفانه، مسلمانان از وظایف مهم

1- بحث نماز جمعه در رساله آیةاللّه گلپایگانی و حاشیه وسیلة النجاة نیامده ولی با مجمع‌المسائل مطابقت شد.
2- تحریرالوسیله، ص 231، م 1.
3- گلپایگانی بنابر احتیاط واجب باید نماز ظهر را نیز بخوانند. مجمع المسائل، ج 1، ص 251

سیاسی این عبادت، غافل و ناآگاهند، درصورتی که انسانی، با اندک مطالعه و دقت در احکام کشوری، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی اسلام درمی‌یابد که اسلام دین سیاست است و کسی که دین را از سیاست جدا می‌داند، نادانی است که نه اسلام را می‌شناسد و نه سیاست را.» «(1)»

چگونگی نماز جمعه

واجبات:
نماز جمعه دو رکعت است، مانند نمازصبح، ولی دو خطبه دارد که توسط امام جمعه، قبل از نماز ایراد می‌شود.
مستحبات:
1- خواندن حمد و سوره باصدای بلند (توسط امام جمعه). «(2)» 2- خواندن سوره «جمعه» بعد از حمد، در رکعت اوّل (توسط امام جمعه).
3- خواندن سوره «منافقون» پس از حمد در رکعت دوّم (توسط امام جمعه).
4- خواندن دو قنوت، یکی در رکعت اوّل، پیش از رکوع، دیگری در رکعت دوّم، پس از رکوع. «(3)»

1- تحریرالوسیله، ج 1، ص 234، م 9.
2- گلپایگانی- اراکی احتیاط واجب آن است که حمد و سوره نماز جمعه را بلند بخواند. مسأله 1484
3- . تحریرالوسیله، ج 1، ص 232، الثانی.

ص:146

شرایط نماز جمعه

1- تمام شرایطی که در نماز جماعت باید رعایت شود، در نماز جمعه هم معتبر است. «(1)» 2- باید به جماعت برگزار شود و فُراداصحیح نیست.
3- حداقل تعداد افراد برای برپائی نماز جمعه، پنج نفر می‌باشد؛ یعنی یک نفر امام، و چهار نفر مأموم.
4- بین دو نماز جمعه، حداقل باید یک فرسخ فاصله باشد. «(2)»

وظیفه امام جمعه هنگام ایراد خطبه‌ها

1- حمد و ثنای الهی را بجا آورد.
2- بر پیامبر اکرم-ص- و ائمه مسلمین- ع- درود بفرستد.
3- مردم را به تقوای الهی و پرهیز از گناهان سفارش کند.
4- سوره کوتاهی از قرآن بخواند.
5- برای مردان و زنان با ایمان طلب آمرزش کند. «(3)» و سزاوار است این مطالب را نیز بگوید: «(4)» 1- آنچه مسلمانان در زندگی دنیا و آخرت به آن نیاز دارند.

1- شرایط نماز جماعت در ص گذشت.
2- تحریرالوسیله، ج 1، ص 231.
3- برخی از این مسائل فتواست و برخی احتیاط واجب و برخی مربوط به هر دو خطبه است و برخی دیگر مربوط به یکی از خطبه‌ها.
4- این قسمت از تحریرالوسیله امام خمینی ره آورده شده است.

2- مردم را از آنچه در جهان می‌گذرد و به سود و زیان مسلمانان است، آگاه کند.
3- از مسائل سیاسی و اقتصادی که در استقلال و آزادی آنان دخالت دارد و چگونگی رفتار آنها با سایر ملت‌ها سخن بگوید.
4- مسلمانان را از دخالت دولت‌های ستمگر و استعمارگر در امور سیاسی و اقتصادی که منجر به بهره‌کشی از آنان می‌شود، آگاه کند. «(1)»

1- بنابر احتیاط واجب باید به خطبه‌ها گوش دهند.
2- احتیاط مستحب است از سخن گفتن بپرهیزند، و چنانچه سخن گفتن، سبب از بین رفتن فایده خطبه‌ها و یا گوش ندادن به آنها شود، ترک آن واجب است.
3- احتیاط مستحب است، شنوندگان، هنگام ایراد خطبه‌ها، رو به امام جمعه بنشینند، و بیش از مقداری که در نماز اجازه داده شده، به اطراف نگاه نکنند. «(2)»

1- تحریرالوسیله، ج 1، ص 233 و 234، م 7، 8 و 9.
2- . تحریرالوسیله، ج 1، ص 235، م 14.

نماز آیات

اشاره

یکی از نمازهای واجب «نماز آیات» است که به سبب این حوادث واجب می‌شود:
* زلزله
* خسوف (ماه گرفتگی)
* کسوف (خورشید گرفتگی)
* و نیز رعد و برق و بادهای زرد و سرخ و مانند آن، اگر بیشتر مردم بترسند. «(1)» «(2)»

چگونگی نماز آیات

1- نماز آیات دو رکعت است و در هر رکعت پنج رکوع دارد.
2- در نماز آیات، قبل از هر رکوع، سوره حمد و سوره دیگری

1- توضیح المسائل، م 1491.
2- گلپایگانی در صورتی که به آنها آیت صدق کند[غیرعادی باشد] اگر چه کسی هم نترسد، نماز آیات واجب است مسأله 1500.

از قرآن خوانده می‌شود، که در اینصورت، در دو رکعت، ده حمد و ده سوره خوانده می‌شود، ولی می‌توان یک سوره را پنج قسمت کرده و قبل از هر رکوع یک قسمت از آن را خواند، که در اینصورت، در دو رکعت دو حمد و دو سوره خوانده می‌شود.
در اینجا با تقسیم سوره «اخلاص» چگونگی نماز آیات را می‌آوریم.
رکعت اوّل
سوره‌حمدو «بسم‌اللَّه‌الرحمن الرحیم» رکوع.
«قل هواللَّه‌احد» رکوع.
«اللَّه الصمد» رکوع.
«لم یلد ولم یولد» رکوع.
«ولم یکن له کفواً احد» رکوع.
و سپس سجده‌ها را بجا آورده و برای رکعت دوّم برمی‌خیزد.
رکعت دوّم
رکعت دوّم را نیز مانند رکعت اوّل بجا می‌آورد و سپس با تشهد و سلام، نماز را به پایان می‌برد. «(1)»

1- توضیح المسائل، م 1508.

ص:150

احکام نماز آیات

1- اگر یکی از سبب‌های نماز آیات در شهری اتفاق بیفتد فقط مردم همان شهر باید نماز آیات بخوانند و بر مردم جاهای دیگر واجب نیست. «(1)» 2- اگر دریک رکعت ازنمازآیات پنج‌مرتبه حمدوسوره‌بخواند ودررکعت دیگر یک حمد بخواند و سوره را تقسیم کندصحیح است: «(2)» 3- مستحب است پیش از رکوع دوّم و چهارم و ششم و هشتم و دهم قنوت بخواند، و اگر تنها یک قنوت پیش از رکوع دهم بخواند کافی است. «(3)» 4- هر یک از رکوع‌های نماز آیات، رکن است، که اگر عمداً یا سهواً کم یا زیاد شود، نماز باطل است. «(4)» 5- نماز آیات را می‌توان به جماعت خواند، که در اینصورت حمد و سوره‌ها را تنها امام جماعت می‌خواند. «(5)»

1- توضیح المسائل، م 1494.
2- توضیح المسائل، م 1509.
3- توضیح المسائل، م 1512.
4- توضیح المسائل، م 1515.
5- العروةالوثقی، ج 1، ص 730، م 13.

ص:151

نمازهای مستحب

اشاره

1- نماز مستحب را «نافِلَه» گویند.
2- نمازهای مستحب بسیار است و این نوشته گنجایش تمام آنها را ندارد، امّا برخی از آنها را که اهمیت بیشتری دارد می‌آوریم. «(1)»

نماز شب

نماز شب 11 رکعت است که بدین ترتیب خوانده می‌شود:
دو رکعت به نیّت نافله شب.
دو رکعت به نیّت نافله شب.
دو رکعت به نیّت نافله شب.
دو رکعت به نیّت نافله شب.
دو رکعت به نیّت نافله شَفع.
یک رکعت به نیّت نافله وَتْر. «(2)»

1- توضیح المسائل، م 764.
2- توضیح المسائل، م 765.

وقت نماز شب

1- وقت نماز شب از نصف شب است تا اذانصبح و بهتر است نزدیک اذان صبح خوانده شود. «(1)» 2- مسافر و کسی که برای او سخت است نافله شب را بعد از نصف شب بخواند، می‌تواند آن را در اوّل شب بجا آورد. «(2)»

17 رکعت نماز واجب که در شبانه روز خوانده می‌شود، 23 رکعت نافله دارد که خواندن آنها، مستحب است. از جمله آنها دو رکعت نافله نمازصبح است که قبل از نمازصبح خوانده می‌شود و ثواب بسیاری دارد. «(3)»

نماز غُفیلَه

یکی دیگر از نمازهای مستحبی، نماز «غُفیلَه» است که پس از نماز مغرب خوانده می‌شود.

1- توضیح المسائل، م 773.
2- توضیح المسائل، م 774.
3- جهت آشنائی با کیفیت نافله یومیّه و وقت آنها، می‌توانید به رساله توضیح‌المسائل، مسأله 764 و 768 مراجعه کنید.

کیفیّت نماز غفیله

نماز غفیله دو رکعت است، که در رکعت اوّل، پس از حمد، باید به جای سوره، این آیه خوانده شود:«(1)» «وَذَا النُّونِ اذْ ذَهَبَ مُغا ضِباً فَظَنَّ انْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَیْهِ فَنَادیَ فِی الظُّلُماتِ انْ لااِلهَ الّا انْتَ سُبْحَانَکَ انّی کُنْتُ مِنَ الظالِمِینَ فَاستَجَبْنا لَهُ وَ نَجَّیْناهُ مِنَ الْغَمِّ وَ کَذلِک نُنْجِی الْمُؤْمِنینَ».

و در رکعت دوّم، پس از حمد، به جای سوره، این آیه خوانده می‌شود:

«وَ عِنْدَهُ مفاتِحُ الْغَیْبِ لایَعْلَمُها الّا هُوَ و یَعْلَمُ مَا فِی الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ و مَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ الّا یَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٍ فی ظُلُماتِ الْارْضِ وَ لَارَطْبٍ وَ لَایَابِسٍ الّا فِی کِتابٍ مُبینٍ».

و در قنوت آن، این دعا خوانده می‌شود:

«اللّهُمَّ انّی اسأَلُکَ بِمَفاتِحِ الْغَیْبِ الّتِی لا یَعْلَمُهَا الّا انْتَ انْ تُصَلِّیَ عَلَی مَحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَانْ تَغْفِرَلی ذُنُوبی «(2)» اللّهُمَّ انْتَ وَلِیُّ نِعْمَتِی وَ الْقادِرُ عَلَی طَلِبَتِی تَعْلَمُ حاجَتِی فَأسْأَلُکَ بِحَقِّ مُحَمّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَیْهِ و عَلَیْهِمُ السَّلامُ لَمَّا قَضَیْتَهَا لِی».

1- توضیح المسائل، م 775.

2- به جای جمله« ان تَغْفِرَلی ذُنُوبِی» می‌تواند حاجت دیگری از خدا بخواهد.

ص:154

روزه

اشاره

تعریف روزه
یکی دیگر از واجبات و برنامه‌های سالانه اسلام برای خودسازی انسانها «روزه» است، و روزه آن است که انسان از «اذانصبح» تا «مغرب» برای اطاعت فرمان خداوند از برخی کارها که شرح آنها خواهد آمد بپرهیزد.
برای آشنایی با احکام روزه ابتدا باید اقسام آن‌را بشناسیم:
1- واجب
2- حرام

اقسام روزه

3- مستحب
4- مکروه
1- روزه ماه مبارک رمضان و روزه قضا و کفاره و روزه نذری از

روزه‌های واجب است. «(1)» 2- روزه قضای پدر «(2)»، پس از مرگ وی بر پسر بزرگتر او واجب است. «(3)» 3- روزه عید فطر و قربان و روزه مستحبی فرزند که سبب اذیت پدر و مادر شود حرام است. «(4)» 4- روزه گرفتن در تمام ایام سال، بجز روزهای حرام و مکروه، مستحب است ولی در بعضی از روزها بیشتر سفارش شده است از جمله. «(5)»* هر پنجشنبه و جمعه.
* روز میلاد و مبعث پیامبر.
* روز عرفه (نهم ذی حجه) اگر سبب بازماندن از دعاهای آن روز نشود.
* روز هیجدهم ذی‌حجّه (روز عرفه و عید غدیر).
5- روزه مستحبی فرزند بدون اجازه پدر مکروه است. «(6)»

1- العروةالوثقی، ج 2، ص 240 و توضیح المسائل، م 1390.
2- اراکی و روزه قضای مادر مسأله 1382؛ گلپایگانی بنابر احتیاط واجب نماز قضای مادر هم بر او واجب است. مسأله 1399
3- همان مدرک.
4- توضیح المسائل، م 1739- 1742.
5- توضیح المسائل، م 1748.
6- توضیح المسائل، م 1747.

1- روزه از عبادات است و باید برای انجام فرمان خداوند بجا آورده شود. 2- انسان می‌تواند در هر شب ماه رمضان برای روزه فردای آن، نیّت کند، و بهتر است که شب اوّل ماه هم روزه همه ماه را نیّت کند.(1) 3- لازم نیست نیّت روزه را به زبان بگوید بلکه، همین‌قدر که برای انجام دستور خداوند عالم از اذانصبح تا مغرب، کاری که روزه را باطل می‌کند انجام ندهد کافی است.(2)

خوردن و آشامیدن، رساندن غبار غلیظ به حلق، فرو بردن تمام سر در آب، قی کردن، آمیزش، استمناء و باقی بودن بر جنابت تا اذانصبح، روزه را باطل می‌کند. «(4)» چند مسأله:
1- فرو بردن آب دهان، روزه را باطل نمی‌کند. «(5)» 2- اگر کسی به سبب فراموشی، چیزی بخورد یا بیاشامد، روزه‌اش باطل نیست. «(6)»

1- توضیح المسائل، م 1550.
2- توضیح المسائل، م 1550.
3- توضیح المسائل، م 1550.
4- توضیح المسائل، مبطلات روزه.
5- توضیح المسائل، م 1579.
6- توضیح المسائل، م 1575.

3- تزریق‌آمپول، اگر به‌جای غذا نباشد، روزه‌را باطل نمی‌کند. «(1)»* وص 4- اگر غبار غلیظ نباشد و یا به حلق نرسد و یا روزه‌دار شک کند به حلقش رسیده یا نه، روزه‌اش باطل نیست. «(2)» 5- اگر کسی سهواً سر در آب فرو برد، یا بی‌اختیار به آب بیفتد و یا به اجبار او را در آب بیندازند، روزه‌اش باطل نیست. «(3)» 6- اگر روزه‌دار بی‌اختیار قی کند و یا نداند روزه است، رزوه‌اش باطل نیست. «(4)» 7- اگر روزه‌دار در حال خواب جنب شود روزه‌اش باطل نیست. «(5)»

قضا و کفاره روزه

روزه قضا

اگر کسی روزه را در وقت آن نگیرد، باید روز دیگری، به جای آن روزه بگیرد، پس روزه‌ای که بعد از وقت آن بجا آورده می‌شود، «روزه قضا» نام دارد.

1- . توضیح المسائل، م 1576.
2- گلپایگانی اگر لازم شد و تزریق کرد روزه‌اش باطل نمی‌شود و فرقی بین آمپولها نیست. مسأله 1585؛
اراکی- خوئی تزریق آمپول روزه را باطل نمی‌کند. استفتاء- مسأله 1585.
3- توضیح المسائل، م 1608.
4- العروةالوثقی، ج 2، ص 187، م 48.
5- توضیح المسائل، م 1646.

ص:158

کفاره روزه

کفّاره همان جریمه‌ای است که برای باطل کردن روزه، معین شده است و عبارت است از:
* آزاد کردن یک بَرده.
* دو ماه روزه گرفتن که سی و یک روز آن باید پی‌درپی باشد.
* سیر کردن شصت فقیر، یا دادن یک مُدّ «(1)» طعام به هریک از آنها.
کسی که کفّاره بر او واجب شود، باید یکی از این سه را انجام دهد، و چون‌امروزه «برده» به معنای فقهیِ آن یافت نمی‌شود، مورد دوّم یا سوّم را انجام‌می‌دهد، و اگر هیچ‌یک از اینها برایش مقدور نیست، هر مقدار که می‌تواندباید به فقیر طعام بدهد و اگر اصلًا نتواند طعام بدهد، باید استغفار کند. «(2)» در این موارد بجا آوردن قضای روزه واجب است ولی کفّاره ندارد
1- عمداً قی کند. «(3)» 2- در ماه رمضان غسل جنابت را فراموش کند و با حال جنابت،

1- یعنی باید حدود 10 سیر گندم یا برنج و مانند آن به فقیر بدهد. توضیح المسائل، م 1703
2- توضیح المسائل، م 1660- 1661.
3- اراکی بنابر احتیاط واجب باید کفاره هم بدهد. مسأله 1691؛ خوئی- گلپایگانی کفاره هم واجب است. مسأله 1667

یک یا چند روز، روزه بگیرد.
3- در ماه رمضان بدون اینکه تحقیق کندصبح شده یا نه؟ کاری کند که روزه را باطل می‌کند؛ مثلاً آب بخورد، و بعد معلوم شودصبح بوده است.
4- کسی بگویدصبح نشده و روزه‌دار به گفته او، کاری کند که روزه را باطل می‌کند، و بعد معلوم شودصبح بوده است.
اگر عمداً روزه رمضان را نگیرد و یا عمداً آن را باطل کند، قضا و کفاره واجب می‌شود. «(1)»

روزه قضای پدر و مادر

پس از مرگ پدر، پسر بزرگ او باید نمازها و روزه‌های قضا شده او را بجا آورد و احتیاط مستحب «(2)» است قضای نماز و روزه‌های مادر را هم بجا آورد. «(3)»

روزه مسافر

مسافری که باید نمازهای چهار رکعتی را در سفر، دو رکعت

1- قی کردن و بیدار نشدن جنب برای غسل، حکم دیگری دارد. به توضیح المسائل مسأله 1658 مراجعه کنید.
2- اراکی قضای نماز و روزه مادر هم بر او واجب است. مسأله 1746؛ گلپایگانی بنابر احتیاط واجب، قضای نماز و روزه مادر را هم باید بجا آورد. مسأله 1721
3- تحریرالوسیله، ج 1، ص 227 م 16- توضیح المسائل، م 1712 و 1390.

بخواند، نباید در آن سفر روزه بگیرد ولی باید قضای آن را بجا آورد، و مسافری که نمازش را تمام می‌خواند؛ مثل کسی که شغل او سفر است، باید در سفر روزه بگیرد. «(1)»
1- قبل‌ازظهر به مسافرت می‌رود وقتی به حد ترخص «(2)» رسید روزه‌اش باطل می‌شود و اگر قبل ازآن روزه را باطل کند، به احتیاط واجب باید کفاره به سفررفتن بدهد. «(3)»
2- بعد از ظهر به مسافرت می‌رود روزه‌اشصحیح است و نباید آن را باطل کند.
1- کاری‌که‌روزه را باطل حکم روزه مسافر می‌کند، انجام نداده است، باید
1- قبل از ظهر به روزه آن روز راتمام کند و وطن یا جایی که بناصحیح است.
ازسفربرگشتن دارد ده‌روز بماند 2- روزه را باطل‌کرده می‌رسد است: روزه آن روز براو واجب نیست و باید قضای آن را بجا آورد.
2- بعدازظهر برسد روزه‌اش باطل است و باید قضای آن را بجا آورد. «(4)»

1- توضیح المسائل، م 1714- توضیح المسائل، م 1714.
2- توضیح« حد ترخص» در ص 120 گذشت.
3- خویی کفاره واجب است. مسأله 1730
4- توضیح المسائل. م 1714، 1721، 1722 و 1723.

ص:161
توجه: مسافرت در ماه رمضان اشکال ندارد، ولی اگر برای فرار از روزه باشد مکروه است. «(1)»

زکات فِطره

پس از پایان یافتن ماه مبارک رمضان؛ یعنی در روز عید فطر، باید مقداری از مال خود را به عنوان زکات فطره به فقیر بدهد.

مقدار زکات فطره

برای خودش و کسانی که نان‌خور او هستند؛ مانند همسر و فرزند، هر نفر یکصاع که تقریباً سه کیلوست. «(2)» جنس زکات فطره

جنس زکات فطره، گندم، جو، خرما، کشمش، برنج، ذرّت و مانند اینهاست، و نیز اگر پول یکی از اینها را بدهد کافی است. «(3)»

1- توضیح المسائل، م 1715.
2- توضیح المسائل، م 1991.
3- همان مدرک.

ص:162

خُمس

اشاره

یکی از تکالیف اقتصادی مسلمانان، پرداختن «خُمس» است، بدین معنا که در برخی موارد، باید 5 1 مال خود را برای مصارف مشخصی به حاکم اسلامی بپردازند.
در هفت چیز، خُمس واجب است:
* منفعت کسب (آنچه از خرج سال زیاد بیاید).
* معدن.
* گنج.
* غنایم جنگی.
* جواهری که بواسطه فرو روفتن در دریا به دست آید.
* مال حلال مخلوط به حرام.
* زمینی که کافر ذِمّی «(1)» از مسلمانی بخرد. «(2)»

1- ذِمِّه/ عهد و پیمان؛ غیر مسلمانانی که در ممالک اسلامی زندگی می‌کنند و با آنان پیمان بسته‌اند که مقرّرات اجتماعی مسلمانان را مراعات کنند و مالیات معینی هم بپردازند و در عوض جان و مال آنها در امان باشد، کفّار ذمی هستند.
2- توضیح المسائل، م 1751.

پرداخت خمس نیز مانند نماز و روزه از واجبات است و تمام افراد بالغ و عاقل که یکی از موارد هفتگانه را داشته باشند باید به آن عمل کنند.
همچنان‌که در آغاز تکلیف، هر کس به فکر انجام نماز و روزه خود است باید به فکر پرداخت خمس و زکات و عمل به سایر واجبات هم باشد، لذا آشنایی با مسائل و موارد آن در حدّ نیاز لازم است، ما، در این نوشته به مسائل یکی از موارد هفتگانه خمس که اکثر افراد جامعه را دربر می‌گیرد می‌پردازیم و آن «خمسِ چیزی است که از خرج سال انسان و خانواده‌اش زیاد بیاید.»
برای روشن شدن این مسأله باید به پاسخ دو سؤال بپردازیم:
1- مراد از خرج سال چیست؟
2- آیا یک‌سال، با ماههای قمری محاسبه می‌شود یا شمسی و آغاز آن چه وقت است.
مخارج سال اسلام به کسب و کار افراد احترام گذاشته و تأمین نیاز خودشان را بر پرداخت خمس مقدم داشته است، بنابراین هر کس در طول سال می‌تواند تمام مخارج مورد نیاز خود را از درآمدش تأمین کند و در پایان سال، اگر چیزی اضافه نیامد، پرداخت خمس واجب نیست، ولی پس از آنکه بطور متعارف و در حدّ نیاز خود زندگی را گذراند،- نه در مصرف

زیاده‌روی کرد و نه بر خود تنگ گرفت، اگر در پایان هم چیزی اضافه آمد، 5 1، آنچه را که اضافه آمده است باید برای مصارف مشخصی بپردازد و 5 4 آن را برای خود پس انداز می‌کند.
پس، مراد از مخارج، تمام چیزهایی است که در زندگی خود و خانواده‌اش بدان نیاز دارد که به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌کنیم:
* خوراک وپوشاک.
* اثاثیه منزل مانند ظرف، فرش و ...
* وسیله نقلیه‌ای که تنها برای کسب و کار نیست.
* مخارج مهمانی.
* مخارج ازدواج.
* کتاب‌های مورد نیاز.
* آنچه در راه زیارت مصرف می‌کند.
* جوایز و هدایایی که به کسی می‌دهد.
*صدقه و نذر و یا کفّاره‌ای که پرداخت می‌کند. «(1)» سال خمسی انسان از اوّلین روز بلوغ خود باید نماز بخواند و در اوّلین ماه رمضان روزه بگیرد و پس از گذشت یکسال از اوّلین درآمدی که به دست آورده است، خمس مازاد بر مخارج سال گذشته را بپردازد، بنابراین در محاسبه خمس، ابتدای سال، اوّلین درآمد و پایان آن گذشتن

1- العروة الوثقی، ج 2، ص 394.

یک سال شمسی از آن تاریخ است.
پس؛ ابتدای سال برای:
* کشاورز اوّلین محصولی است که برداشت می‌کند.
* و برای کارمند اوّلین حقوقی است که دریافت می‌کند.
* و برای کارگر اولین مزدی است که می‌گیرد.
* و برای مغازه‌دار اوّلین معامله‌ای است که انجام می‌دهد. «(1)» مالی که از راههای زیر به‌دست بیاید، خمس ندارد:
1- از راه ارث به دست آید.
2- چیزی که به انسان بخشیده‌اند.
3- جایزه‌هایی که دریافت کرده است.
4- آنچه به عنوان عیدی به انسان داده‌اند. «(2)» 5- مالی که به عنوان خمس یا زکات یاصدقه به کسی داده‌اند. «(3)»

1- . العروةالوثقی، ج 2، ص 394، م 6.
2- سایر مراجع شماره‌های 2- 4، اگر از مخارج سالش زیاد بیاید باید خمس آن را بدهد. مسأله 1762
3- العروة الوثقی، ج 2- ص 389- السابع ص 390، م 51.

پی آمدهای ندادن خمس
1- تا خمس مال را ندهد نمی‌تواند در آن تصرف کند؛ یعنی غذایی که در آن خمس باشد نمی‌تواند بخورد و با پولی که خمس آن را نداده، نمی‌تواند چیزی بخرد. «(1)» 2- اگر با پول خمس نداده، خرید و فروش کند (بدون اجازه حاکم شرع) 5 1 آن معامله باطل «(2)» است. «(3)» 3- اگر بخواهد پول خمس نداده بهصاحب حمّام بدهد و در حمام غسل کند، غسل او باطل «(4)» است. «(5)» 4- اگر با پولی که خمس آن را نداده است، خانه بخرد، نماز خواندن در آن خانه باطل است. «(6)»

1- اگر به واسطه قناعت کردن، چیزی از مخارج سالش زیاد بیاید

1- توضیح المسائل، م 1790.
2- اراکی- خوئی معامله صحیح است ولی باید خمس آن را بپردازد. مسأله 1794 و 1795.
3- توضیح المسائل، م 1760.
4- خوئی گرچه کار حرامی کرده است، ولی غسل او باطل نیست. گلپایگانی اگر می‌داند که حمامی با این وصف، راضی به غسل است یا با غفلت از رضایت حمامی غسل کند غسلش صحیح است. مسأله 389
5- توضیح المسائل، م 383.
6- توضیح المسائل، م 873.

باید خمس آن را بدهد. «(1)» 2- اگر اثاثیه‌ای که برای منزل خریده، نیازش از آن برطرف شود، بنابر احتیاط واجب «(2)» باید خمس آن را بدهد، مثل آنکه یخچال بزرگتری بخرد، و به یخچال قبلی نیاز نداشته باشد. «(3)» 3- آذوقه‌ای که از درآمد سال برای مصرف سالش خریده؛ مانند برنج، روغن و چای، اگر در آخر سال زیاد بیاید، باید خمس آن را بدهد. «(4)» 4- اگر کودکِ غیر بالغ سرمایه‌ای داشته باشد و از آن سودی به دست آید، بنابر احتیاط واجب «(5)» باید پس از بلوغ، خمس آن را بدهد. «(6)» «(7)»

مصرف خمس

خمس مال را باید دو قسمت کرد، نصف آن که سهم امام زمان- علیه‌السلام- است به مجتهد جامع الشرایطی که از او تقلید می‌کند، یا

1- توضیح المسائل، م 1756.
2- خویی احتیاط مستحب است.
3- توضیح المسائل، م 1781.
4- توضیح المسائل، م 1780.
5- گلپایگانی باید پس از بلوغ خمس آن را بدهد. مسأله 1803.
6- . توضیح المسائل، م 1794.
7- خوئی واجب نیست خمس آن را بدهد. مسأله 1802

نماینده او می‌پردازد.
و نصف دیگر را باید، یا به مجتهد جامع‌الشرائط بدهد و یا با اجازه او به سادات دارای شرایط بپردازد. «(1)» «(2)» شرایط سیدی که می‌توان به او خمس داد:
* فقیرباشد، ویا درسفرمانده‌باشد، هرچند درشهرخودفقیر نباشد.
* شیعه دوازده امامی باشد.
* آشکارا معصیت نکند (بنابر احتیاط واجب) و دادن خمس، کمک بر گناه او نباشد.
* از افرادی که مخارج آنان برعهده اوست؛ مانند همسر و فرزند نباشد (بنابر احتیاط واجب) «(3)» یادآوری
از جمله شرایط لباس احرام، مباح بودن آن است، و برخی از مخارج حج نیز، اگر از مال خمس نداده باشد اعمال و مناسک دچار اشکال خواهد شد، بنابر این به حجاج عزیز توصیه می‌شود، چنانچه تاکنون، در زندگی حسابرسی خمسی نداشته‌اند، به مرجع تقلید خود یا یکی از نمایندگان ایشان مراجعه کرده و نسبت به حسابرسی آن اقدام نمایند، و اگر از این بابت بدهی دارند، بپردازند و یا اجازه بگیرند، تا خدای ناکرده اعمالشان دچار اشکال نشود که سبب زحمت در دنیا و عذاب در آخرت خواهد شد.

1- توضیح المسائل، م 1834.
2- گلپایگانی- اراکی صاحب مال هم می‌تواند به سادات دارای شرایط بدهد. مسأله 1843
3- توضیح المسائل، م 1835 تا 1841.

ص:169

زکات

اشاره

یکی دیگر از وظایف مهم اقتصادی مسلمانان، پرداخت زکات است.
از اهمیت زکات همین بس که در قرآن مجید، پس از نماز آمده و نشانه ایمان و عامل رستگاری شمرده شده است.
در روایات متعددی که از معصومین- علیهم السلام- نقل شده آمده است: «کسی که از پرداخت زکات جلوگیری کند، از دین خارج است».
زکات هم مانند خمس موارد معینی دارد، یک قسم از آن مالیات بدن و حیات است که هر سال یک مرتبه در روز عید فطر پرداخت می‌شود و تنها بر کسانی که قدرت مالی پرداخت آن را دارند واجب است، که برای هر فرد، 3 کیلو گندم، برنج و مانند آن پرداخت می‌شود.
قسم دیگر، زکات اموال است، ولی چنین نیست که تمام اموال مردم مشمول این قانون باشد، و تنها نُه چیز است که زکات دارد و می‌توان

آنها را به سه دسته تقسیم کرد:
گندم
جو
1- غَلّات خرما
کشمش
شتر
موارد وجوب زکات «(1)» 2- دام‌ها گاو
گوسفند
طلا
3- سکّه‌ها نقره
زکات درصورتی واجب می‌شود که مورد زکات به حدّ نصاب برسد که نصاب هر یک و مقدار زکات آنها به قرار زیر می‌باشد:

1- توضیح المسائل، م 1853.

ص:171
شماره نوع مال نصاب مقدار زکات
* 110- درصورتی که‌با باران‌و آب
1 گندم رودخانه آبیاری شده است 2 جو 207/ 847* 120- درصورتی که‌با آب‌دستی‌و
3 خرما کیلوگرم دلو و موتور پمپ آبیاری شده است.
4 کشمش* 340- درصورتی که‌با هردو
آبیاری شده است.
اولین‌نصاب 5 شتر یک گوسفند 5 شتر تا 25 شتر هر 5 شتر یک گوسفند
26 شتر یک شتر
6 گاو 30 گاو یک گوساله یکساله
7 گوسفند 40 گوسفند یک‌گوسفند
8 طلا 15 مثقال 140
9 نقره 105 مثقال 140
یادآوری:
برای شتر، گاو و گوسفند نصابهای دیگری نیز هست که برای آشنایی با آنها می‌توانید به رساله توضیح المسائل مراجعه کنید.

ص:172

1- مخارجی را که برای گندم، جو، خرما و انگور کرده است، مانند قیمت بذر، مزد کارگر، و مزد تراکتور و ... می‌تواند از حاصل کسر کند، ولی مقدار نصاب قبل از کم کردن این مخارج محاسبه می‌شود «(1)» و اگر قبل از کسر مخارج به حدّ نصاب برسد، پرداخت زکات واجب شده است ولی زکات باقیمانده را می‌پردازد. «(2)» 2- زکات دام‌ها درصورتی واجب می‌شود که:
* یک سال مالک آنها باشد؛ «(3)» بنابراین اگر مثلًا 100 عدد گاو را خریداری کند و پس از 9 ماه بفروشد، زکات واجب نیست. «(4)»* حیوان در تمام سال بیکار باشد، بنابراین گاو یا شتری که در کار مزرعه یا حمل بار از آن استفاده می‌شود زکات ندارد. «(5)»* حیوان در تمام سال از علف بیابان بچرد، پس اگر در تمام سال یا مقداری از آن، از علف چیده شده یا کاشته شده بخورد، زکات ندارد. «(6)» 3- زکات طلا و نقره درصورتی واجب است که به صورت

1- گلپایگانی- اراکی پس از کم کردن مخارج محاسبه می‌شود. مسأله 1909؛ خوئی نمی‌تواند آن مخارج را کم کند. مسأله 1889
2- توضیح المسائل، م 1880.
3- سایر مراجع اگر یازده ماه مالک گاو و گوسفند و شتر و طلا و نقره باشد، اوّل ماه دوازدهم باید زکات آن‌را بدهد، ولی اوّل سال بعد را باید بعد از تمام شدن ماه دوازدهم حساب کند. مسأله 1886.
4- توضیح المسائل، م 1856.
5- توضیح المسائل، م 1908.
6- همان مدرک.

سکّه‌ای باشد که معامله با آن رواج دارد، بنابراین آنچه امروزه بانوان به عنوان زیور استفاده می‌کنند، زکات ندارد. «(1)» 4- پرداخت زکات از عبادات است و باید آنچه می‌پردازد به نیّت زکات و با قصد قربت باشد. «(2)»

مصرف زکات

مصرف زکات هشت مورد است که می‌توان آن را در تمام یا برخی از این موارد مصرف کرد:
1- فقیر، و آن کسی است که درآمد یا موجودی وی کمتر از خرج سالانه خود و خانواده‌اش باشد.
2- مسکین، آنکه بکلّی درمانده و بینواست.
3- کسی که از طرف امام (ع) یا نایب او مأمور جمع‌آوری و نگهداری و توزیع زکات است.
4- برای الفت دادن دلها به اسلام و مسلمانان؛ مانند غیر مسلمانان که اگر به آنها کمکی بشود، به دین اسلام مایل می‌شوند یا در جنگ به مسلمانان کمک می‌کنند. «(3)» 5- آزاد کردن بردگان.
6- بدهکاری که نمی‌تواند قرض خود را بدهد.

1- توضیح المسائل، م 1899.
2- توضیح المسائل، م 1957.
3- گلپایگانی بعید نیست که این مورد مخصوص امام معصوم- علیه السلام- باشد. مسأله 1933

7- در راه خدا؛ یعنی در کارهایی که نفع آن به عموم می‌رسد و مورد رضایت خداست؛ مانند ساختن جاده، پل، مسجد و ...
8- مسافری که در سفر درمانده است و خرج برگشت به وطن را ندارد، هر چند در وطن خود فقیر نباشد. «(1)» یادآوری
گرچه زکات بر تمام افراد جامعه واجب نمی‌شود ولی افرادی که زکات بدهکارند، لازم است قبل از سفر نسبت به پرداخت آن اقدام کنند، تا اعمال عمره و حجشان دچار اشکال نشود.

1- توضیح المسائل، م 1925.

ص:175

امر به مَعروف و نهی از مُنکر

اشاره

«(1)»
هر انسانی نسبت به کارهای ناپسندی که در جامعه انجام می‌پذیرد و کارهای نیک و پسندیده‌ای که ترک می‌شود، مسؤولیت دارد، بنابراین اگر کار واجبی ترک شود و یا حرامی اتفاق بیفتد، سکوت و بی‌تفاوتی در مقابل آن جایز نیست، و تمام افراد جامعه باید برای برپایی «واجب» و جلوگیری از «حرام» اقدام کنند، که این عمل، «امر به معروف» و «نهی از منکر» است.

اهمّیت امر به معروف و نهی از منکر

در برخی از سخنان امامان معصوم- ع- چنین آمده است:
* «امر به معروف و نهی از منکر» از مهمترین واجبات و شریفترین آنهاست.

1- مسائل امر به معروف و نهی از منکر در رساله حضرت آیةالله اراکی و آیةالله خوئی نیامده است.

* واجبات دینی به سبب «امر به معروف و نهی از منکر» استوار می‌گردد.
* «امر به معروف و نهی از منکر» از ضروریّات دین است و کسی که آن‌را مُنکر شود کافر است.
* اگر مردم امر به معروف و نهی از منکر را ترک کنند، برکت گرفته می‌شود و دعاها مستجاب نمی‌گردد.
تعریف «معروف» و «منکر»
در به تمام واجبات و مستحبات «معروف» و به تمام محرّمات و مکروهات «مُنکر» گفته می‌شود. بنابراین واداشتن افراد جامعه به انجام کارهای واجب و مستحب «امر به معروف» و بازداشتن آنها از کارهای حرام و مکروه «نهی از منکر» است.
امر به معروف و نهی از منکر، واجب کفایی است که اگر به قدر کفایت به انجام آن اقدام کنند، از دیگران ساقط می‌شود و اگر همه کس آن را ترک کرده باشند، چنانچه شرایط آن موجود باشد، همه آنها ترک واجب کرده‌اند.
«(1)»

امر به معروف و نهی از منکر با وجود برخی شرایط، واجب

1- . تحریرالوسیله، ج 1، ص 463، م 2.

می‌باشد درصورت نبود آنها، تکلیف ساقط است و آن شرایط عبارت است از:
1- کسی که امر یا نهی می‌کند، بداند آنچه را که دیگری انجام می‌دهد حرام است و آنچه را ترک کرده، واجب است، پس هر کسی که نمی‌داند این عمل که او انجام می‌دهد حرام است یا نه؟ جلوگیری واجب نیست.
2- احتمال بدهد امر یا نهی او تأثیر دارد، بنابراین اگر می‌داند تأثیر ندارد، یا شک دارد، امر و نهی واجب نیست.
3- شخص گناهکار اصرار بر ادامه کار خود داشته باشد، پس اگر معلوم شود، گناهکار بنای ترک عمل را دارد و دوباره تکرار نمی‌کند و یا موفّق به تکرار نمی‌شود، امر و نهی واجب نیست.
4- امر و نهی، سبب ضرر جانی یا آبرویی یا ضرر مالی قابل توجه، به خودش یا نزدیکان و یاران و همراهان و یا سایر مؤمنان نباشد. «(1)»

مراتب امر به معروف و نهی از منکر

برای امر به معروف و نهی از منکر، مراتبی است که اگر با عمل به مرتبه پایین‌تر مقصود حاصل می‌شود، عمل به مرتبه بعدی جایز نیست، و آن مراتب چنین است:
اوّل: با معصیت‌کار طوری عمل شود که بفهمد به سبب انجام آن گناه، با او اینگونه عمل می‌شود؛ مثل اینکه از او روبرگرداند یا با چهره

1- تحریرالوسیله، ج 1، ص 465، ص 472، م 1.

عبوس با او برخورد کند و یا با او رفت و آمد نکند.
دوّم: امر و نهی با زبان؛ «(1)» یعنی به کسی که واجبی را ترک کرده است دستور دهد که واجب را بجا آورد و به گناهکار دستور دهد که گناه را ترک کند.
سوّم: استفاده از زور، برای جلوگیری از منکر و برپایی واجب، یعنی زدن گناهکار. «(2)»

احکام امر به معروف و نهی از منکر

1- فراگیری شرایط امر به معروف و نهی از منکر و موارد آن واجب است، تا در امر و نهی مرتکب خلاف نشود. «(3)» 2- اگر بداند امر و نهی، بدون تقاضا و نصیحت و موعظه اثر نمی‌کند، واجب است که امر و نهی را با نصیحت و موعظه و تقاضا همراه کند، و اگر بداند که در خواست و موعظه به تنهایی (بدون امر و نهی) مؤثر است، واجب است به همین گونه عمل کند. «(4)» 3- اگر بداند یا احتمال دهد که امر و نهی‌اش با تکرار مؤثر است، واجب است تکرار کند. «(5)»

1- در رساله آیةالله گلپایگانی آمده است: در مرتبه دوّم با حُسن خُلق و سخن زیبا او را امر به معروف و ترک منکر کند و مصالح آن‌را بیان کند و مرتبه دوم و سوم این‌کتاب مرتبه سوم و چهارم می‌باشد.
2- تحریرالوسیله، ج 1، ص 476.
3- همان مدرک، م 8.
4- تحریرالوسیله، ج 1، ص 467، م 3.
5- تحریرالوسیله، ج 1، ص 468، م 5.

4- مراد از اصرار برگناه، مداومت برانجام کار نیست، بلکه ارتکاب آن عمل است، هر چند یکبار دیگر باشد، پس اگر یکبار نماز را ترک کرد و بار دیگر هم بنای ترک دارد، امر به معروف واجب است «(1)».
5- در امر به معروف و نهی از منکر زخمی کردن و کشتن معصیت‌کار بدون اجازه حاکم شرع جایز نیست، مگر منکر از اموری است که در اسلام اهمیت بسیار زیادی دارد؛ مثل آنکه شخصی بخواهد انسان بی‌گناهی را بکشد و جلوگیری از او بدون مجروح کردن وی ممکن نباشد «(2)» «(3)».

سزاوار است، کسی که به معروف امر می‌کند و از منکر جلوگیری می‌کند:
* مانند طبیبی دلسوز و پدری مهربان باشد.
* قصد خود را خالص کند و تنهابرای رضای خداوند اقدام کند، و عمل خود را از هرگونه برتری جویی پاک کند.
* خود را پاک و منزّه نداند، چه بسا همان شخصی که اکنون خطایی از او سرزده است، دارایصفات پسندیده‌ای باشد که مورد محبت الهی است، هر چند این عمل او هم اکنون ناپسند و مورد غضب الهی باشد. «(4)»

1- . تحریرالوسیله، ج 1، ص 470، م 4.
2- تحریرالوسیله، ج 1، ص 481، م 11 و 12.
3- این مسأله در رساله آیةالله گلپایگانی نیامده است.
4- تحریرالوسیله، ج 1، ص 481، م 14.

ص:180

خرید و فروش

اشاره

1- واجب
2- حرام
اقسام خرید و فروش 3- مستحب
4- مکروه
5- مباح

خرید و فروش واجب

از آنجا که در اسلام بیکاری و تنبلی بسیار نکوهش شده و تلاش برای تحصیل مخارج زندگی، واجب می‌باشد، کسانی که بجز از راه خرید و فروش نتوانند مخارج خود را تأمین کنند؛ یعنی تحصیل آن منحصر در همین راه باشد و راه دیگری بر ایشان امکان نداشته باشد، واجب است با خرید و فروش خرج زندگی خود را به دست آورند و محتاج به دیگران

نشوند. «(1)»

خرید و فروش مستحب

خرید و فروش برای توسعه در مخارج اهل و عیال خود و نفع رساندن به سایر مسلمانان مستحب است؛ مثلاً کشاورزی که با کاشتن محصول خرج خود را به‌دست می‌آورد، چنانچه در اوقات فراغت به خرید وفروش بپردازد تا از این راه بتواند به مستمندان کمک کند، ثواب دارد. «(2)»

خرید و فروش حرام

1- خرید و فروش نجاسات؛ مانند مردار.
2- خرید و فروش چیزهایی که منافع معمولی آنها حرام است؛ مانند ابزار قمار.
3- خرید و فروش چیزی که از راه قمار یا دزدی به دست آمده باشد.
4- خرید و فروش کتابهای گمراه کننده.
5- خرید و فروش با سکه‌های خارج از اعتبار.
6- فروش چیزی به دشمنان اسلام که موجب تقویت دشمنان بر

1- توضیح المسائل، مسأله 2053.
2- توضیح المسائل، مسأله 2053.

ضد مسلمانان باشد.
7- فروش اسلحه به دشمنان اسلام در حالی که موجب تقویت آنها بر ضد مسلمانان باشد. «(1)» «(2)» خرید و فروش حرام، موارد دیگری هم دارد که اکنون مورد ابتلا نمی‌باشد.
در این موارد خرید و فروش مکروه است:
* معامله با مردم پَست.
* خرید و فروش بین اذانصبح و طلوع آفتاب.
* وارد معامله دیگران شدن. «(3)» آداب خرید و فروش مستحبات
* بین مشتریها در قیمت فرق نگذارد.
* در قیمت جنس، سختگیری نکند.
* درصورتی که طرف مقابل از معامله پشیمان شد و تقاضای بر هم زدن معامله را کرد، از او بپذیرد. «(4)»

1- تحریرالوسیله، ج 1- ص 492 تا 498؛ توضیح المسائل، م 2055.
2- بند 4 تا 7 در رساله سایر مراجع یافت نشد.
3- توضیح المسائل، مسأله 2054.
4- توضیح المسائل، م 2051.

مکروهات
* تعریف کردن از کالا.
* بدگویی کردن به مشتری.
* قسم راست خوردن در معامله (قسم دروغ حرام است).
* قبل از همه برای معامله وارد بازار شدن و دیرتر از همه خارج شدن.
* وزن کردن یا متر کردن کالا در مواردی که وزن کردن و متر کردن را خوب نمی‌دانند.
* تقاضای کم کردن قیمت، پس از انجام معامله. «(1)»

1- فروختن و اجاره دادن خانه یا وسیله‌ای دیگر برای استفاده حرام، حرام است. «(2)» 2- خرید و فروش، نگهداری، نوشتن، خواندن و درس دادن کتابهای گمراه کننده حرام است، «(3)» مگر زمانی که برای هدفی صحیح باشد، مثلًا برای پاسخ دادن به اشکالهای آن. «(4)»

1- تحریرالوسیله، ج 1، ص 501.
2- تحریرالوسیله، ج 1، ص 496- م 10. توضیح المسائل، م 2068.
3- گلپایگانی اگر سبب گمراه شدن او بشود حرام است حاشیه وسیلةالنجاة در رساله سایر مراجع یافت نشد.
4- تحریرالوسیله، ج 1، ص 498، م 15.

3- مخلوط کردن جنسی که می‌فروشد با چیزی که ارزش ندارد و یا ارزش آن کمتر است، حرام می‌باشد؛ مثل آنکه روغن خوب را با غیر خوب و یا شیر را با آب مخلوط کند و بفروشد (این عمل را غش در معامله گویند). «(1)» 4- جنس وَقف شده را نمی‌توان فروخت، مگر درصورتی که خراب شده باشد و قابل استفاده نباشد، مانند فرش مسجد که قابل استفاده برای مسجد نباشد. «(2)» «(3)» 5- خرید و فروش خانه یا چیز دیگری که به کسی اجاره داده، اشکال ندارد ولی استفاده آن در مدت اجاره برای کسی است که آن را اجاره کرده است. «(4)» 6- در معامله باید خصوصیات جنسی که خرید و فروش می‌کنند معلوم باشد، ولی گفتن خصوصیاتی که گفتن و نگفتن آنها تأثیری در میل و رغبت مردم نسبت به آن کالا ندارد، لازم نیست. «(5)» 7- خرید و فروش دو کالای همجنس که با وزن یا پیمانه می‌فروشند به زیادتر «رِبا» و حرام است؛ مثلًا یک تُن گندم بدهد و یک تن و 200 کیلوگرم بگیرد. و همچنین کالا یا پولی را به کسی قرض بدهد وپس از مدتی زیادتر بگیرد؛ مثلًا ده هزار تومان قرض بدهد و پس از

1- تحریرالوسیله، ج 1، ص 499، م 17. توضیح المسائل، م 2055.
2- تحریرالوسیله، ج 1، ص 516، الرابع. توضیح المسائل، م 2094.
3- اراکی فروش آن با اجازه متولی و حاکم اشکال ندارد. مسأله 2120
4- توضیح المسائل، م 2096.
5- توضیح المسائل، م 2090.

یکسال 12 هزار تومان بگیرد. «(1)»

بهم زدن معامله

در برخی موارد فروشنده یا خریدار می‌توانند معامله را بهم بزنند که از جمله آنهاست:
* خریدار یا فروشنده گول خورده باشد.
* در هنگام معامله قرارداد کرده‌اند که تا مدت معینی، هر دو یا یکی از آنها بتوانند معامله را بهم بزنند؛ مثلًا هنگام خرید و فروش بگویند، هر کس پشیمان شد تا سه روز دیگر می‌تواند پس بدهد.
* کالایی که خریده است معیوب بوده و بعد از معامله بفهمد.
* فروشنده خصوصیاتی برای کالای خود بیان کرده و بعداً معلوم شود آنگونه نبوده است؛ مثلًا بگوید این دفتر 200 برگ است بعداً معلوم شود کمتر است. «(2)» اگر بعد از معامله عیب مال را بفهمد و فوراً آن را بهم نزند، دیگر حق بهم زدن معامله را ندارد. «(3)» «(4)»

1- . توضیح المسائل، م 2072 و 2283. و تحریرالوسیله، ج 1، ص 536.
2- توضیح المسائل، م 2124.
3- گلپایگانی مگر آنکه مسأله را نمی‌دانسته که وقتی فهمید می‌تواند معامله را بهم بزند خوئی لازم نیست فوراً معامله را بهم بزند و بعداً هم حق بهم زدن معامله را دارد. مسأله 2140.
4- توضیح المسائل، م 2132.

ص:186

قَرض، امانتداری، عاریه

قرض

قرض دادن از کارهای مستحبی است که هم در قرآن و هم در روایات، راجع به آن سفارش فراوان شده است و قرض دهنده در روز قیامت پاداش بسیاری خواهد داشت.

اقسام قرض

1- مدت دار: یعنی هنگام قرض دادن مشخص شده است که قرض گیرنده چه موقع بدهی را بپردازد.

2- بدون مدت: قرضی که زمان پرداخت، در آن مشخص نشده است.

احکام قرض

1- اگر قرض مدت‌دار باشد، طلبکار، نمی‌تواند «(1)» پیش از تمام

1- سایر مراجع بنابر احتیاط واجب مسأله 2289.

شدن آن مدت، طلب خود را درخواست کند. «(1)» 2- اگر قرض مدت‌دار نباشد، طلبکار هر وقت بخواهد، می‌تواند طلب خود را درخواست کند. «(2)» 3- اگر طلبکار، طلب خود را درخواست کند؛ چنانچه بدهکار بتواند بدهی خود را بدهد، باید فوراً بپردازد و اگر تأخیر بیندازد، گناهکار است. «(3)» 4- اگر مقداری پول به کسی بدهد و شرط کند که پس از مدتی؛ مثلاً یکسالِ دیگر، زیادتر بگیرد، رِبا و حرام است؛ مثلاً یکصد هزار تومان‌بدهد وشرط کندکه پس‌ازیکسال یکصدوبیست‌هزار تومان بگیرد. «(4)»

امانتداری

اگر انسان مالِ خود را به کسی بدهد و بگوید نزد تو امانت باشد و او هم قبول کند، باید به احکام امانتداری عمل کند. «(5)» احکام امانتداری
1- کسی که نمی‌تواند از امانت نگهداری کند، بنابر احتیاط واجب «(6)» نباید قبول کند. «(7)»

1- توضیح المسائل، م 2275.
2- همان مدارک.
3- توضیح المسائل، م 2276.
4- توضیح المسائل، م 2288.
5- توضیح المسائل، م 2327.
6- اراکی جایز نیست قبول کند. گلپایگانی جایز نیست قبول کند. مگر آنکه به صاحب مال بگوید که نمی‌تواند امانت را نگهداری کند. مسأله 2339
7- توضیح المسائل، م 2330.

2- کسی که چیزی را امانت می‌گذارد، هر وقت بخواهد می‌تواند آن را پس بگیرد و کسی که امانت را قبول می‌کند، هر وقت بخواهد می‌تواند آن را بصاحبش برگرداند. «(1)» 3- کسی که امانت را قبول می‌کند، اگر برای آن، جای مناسبی ندارد، باید جای مناسبی تهیه کند؛ مثلًا اگر پول است و در خانه نمی‌تواند نگهداری کند، به بانک بسپارد. «(2)» 4- امانتدار باید طوری از امانت نگهداری کند، که مردم نگویند در امانت خیانت و یا در نگهداری آن کوتاهی کرده است. «(3)» 5- اگر امانت مردم از بین برود:
الف: اگر امین در نگهداری آن کوتاهی کرده باشد؛ باید عوض آن را بصاحبش بدهد.
ب: اگر در نگهداری آن کوتاهی نکرده و بطور اتفاقی آن مال از بین رفته؛ مثلًا سیل برده است؛ امانتدار ضامن نمی‌باشد و لازم نیست عوض آن را بدهد. «(4)»

عاریه

1- عاریه آن است که انسان مال خود را به دیگری بدهد که از آن

1- توضیح المسائل، م 2332.
2- توضیح المسائل، م 2334.
3- . همان مدرک.
4- توضیح المسائل، م 2335.

استفاده کند و در عوض، چیزی هم از او نگیرد، مثل آن‌که اتومبیل خود را به کسی می‌دهد تا منزل برود و برگردد. «(1)» 2- کسی که چیزی را عاریه گرفته، باید آن را بخوبی نگهداری کند.
3- اگر کسی مالی را که عاریه کرده از بین برود یا معیوب شود:
الف: اگر در نگهداری از آن کوتاهی، و یا در استفاده از آن زیاده روی نکرده، ضامن نیست.
ب: اگر در نگهداری آن کوتاهی کرده و یا در استفاده از آن زیاده‌روی کرده باشد باید خسارت آن را بپردازد. «(2)» 4- اگر قبلًا شرط کرده باشند که هرگونه خسارت بر آن مال وارد شود عاریه کننده ضامن است، باید آن خسارت را بپردازد. «(3)»

1- توضیح المسائل، م 2344.
2- همان مدرک.
3- همان مدرک.

ص:190

صَدَقه، نَذر، اشیاء پیداشده

اشاره

«(1)»

صدقه

صَدقه عملی‌است مستحب‌که‌در آیاتِ قرآن و روایاتِ معصومین- علیهم‌السلام- تأکید بسیاری نسبت به آن شده و ثواب بیشماری برای آن بیان گشته است تا آنجا که فرموده‌اند: «صدقه؛ در دنیا مانع پیشامدهای ناگوار و مرگهای ناگهانی می‌گردد و در آخرت گناهان بزرگ را می‌زداید و حسابرسی قیامت را آسان می‌کند».
به جهت اهمیت موضوع، در این نوشته به برخی از احکام آن اشاره می‌کنیم:
احکامصَدقه
1- انسان باید در پرداختصدقه قصد قُربت داشته باشد؛ یعنی تنها برای رضای خدا بپردازد و از هرگونه ریا و خودنمایی بدور باشد. «(2)»

1- احکام صدقه از کتاب تحریر الوسیله، آورده شده است.
2- تحریرالوسیله، ج 2، ص 90، م 1.

2- پس گرفتنصدقه جایز نیست. «(1)» 3-صدقه بر سید هم حلال است، گر چه زکاتِ غیر سیّد بر آنها حرام است. «(2)» 4-صدقه دادن به کافری که در حال جنگ با مسلمانان نباشد و به پیامبر یا امام- علیهم السلام- دشنام نمی‌دهد، اشکال ندارد. «(3)» 5-صدقه را بهتر است پنهانی بدهد، مگر آنکه بخواهد دیگران هم تشویق شوند، ولی زکات بهتر است آشکارا داده شود. «(4)» 6- گدایی کردن و رد کردن گدا (چیزی به او ندادن) هر دو مکروه است. «(5)»

نَذر

1- در نذر بایدصیغه خوانده شود و لازم نیست انسان آن را به عربی بخواند، پس اگر بگوید: «چنانچه مریض من خوب شود برای خدا بر من است که هزار ریال به فقیر بدهم»، نذر اوصحیح است. «(6)»
2- نذر زن بدون اجازه شوهر باطل است. «(7)» «(8)»
3- انسان کاری را می‌تواند نذر کند که انجام آن برایش ممکن

1- . همان مدرک، مسأله 2.
2- تحریرالوسیله، ج 2، ص 91، م 3.
3- . همان مدرک، م 5.
4- همان مدرک، م 6.
5- همان مدرک، ص 92، م 10- 9.
6- توضیح المسائل، م 2641.
7- توضیح المسائل، م 2644.
8- خوئی در صورتی که وفای به نذرش منافی حق شوهر باشد.

باشد، بنابر این کسی که مثلًا نمی‌تواند پیاده به کربلا برود، اگر نذر کند که پیاده برود، نذر اوصحیح نیست. «(1)»
4- اگر انسان نذر کند کاری را انجام دهد، باید همانطور که نذر کرده، عمل کند، پس اگر نذر کند روز اول ماه روزه بگیرد، چنانچه روز قبل یا بعد از آن بجا آورد، کفایت نمی‌کند. «(2)»
5- اگر نذر کند که به فقیر معینی صدقه بدهد، نمی‌تواند آن‌را به فقیر دیگری بدهد. «(3)»
6- اگر نذر کند که به زیارت یکی از امامان برود، چنانچه به زیارت امام دیگر برود، کافی نیست و چنانچه به واسطه عذر نتواند آن امام را زیارت کند، چیزی بر او واجب نیست. «(4)»
7- اگر برای حرم یکی از امامان- علیهم السلام- یا امامزادگان چیزی نذر کند، باید آن‌را به مصارف حرم برساند «(5)»، از قبیل فرش، پرده و روشنایی. «(6)»
8- اگر برای خود امام (ع) یا امامزاده چیزی نذر کند، چنانچه مصرف معینی را قصد کرده، باید به همان مصرف برساند «(7)» و اگر

1- توضیح المسائل، م 2647.
2- توضیح المسائل، م 2651.
3- توضیح المسائل، م 2659.
4- توضیح المسائل، م 2660.
5- خوئی باید آن‌را بنابر احتیاط در تعمیر و روشنایی و فرش حرم و مانند اینها مصرف کنند؛ گلپایگانی باید آن را در تعمیر و روشنایی و فرش حرم و مانند اینها مصرف کنند یا به زوّار و خدام آنان بدهند.
6- توضیح المسائل، م 2662.
7- خوئی بهتر آن‌است به مصرفی برسانند که نسبتی با امام ع داشته باشد؛ مانند زوّار فقیر یا به مصارف حرم آن امام ع از قبیل تعمیر و مانند آن برسانند.
اراکی بنابر احتیاط.

مصرف معینی را قصد نکرده، باید به فقیران و زائران بدهد و یا مسجد و مانند آن بسازد و ثواب آن‌را به امام (ع) هدیه کند. «(1)»

کفّاره تخلّف نذر

اگر انسان بدون عذر به نذر خود عمل نکند باید کفّاره بدهد؛ یعنی:
* یک برده آزاد کند.
* یا به شصت فقیر طعام دهد.
* و یا دو ماه پی‌در پی روزه بگیرد. «(2)» یادآوری:
زائران عزیز! چنانچه چیزی نذر کعبه یا مسجدالحرام یا حرم پیامبر (ص) یا حرم امامان (ع) و یا امامزادگان کرده‌اند، با روحانی کاروان، مسأله را در میان بگذارند، تا در عمل به نذر دچار اشکال نشوند و آنچه نذر شده به مصرف واقعی خود برسد.

اشیاء پیدا شده

1- برداشتن چیزی که پیدا شده مکروه است.
2- اگر چیزی پیدا کند ولی برندارد، وظیفه خاصی برعهده‌اش

1- توضیح المسائل، م 2663.
2- توضیح المسائل، م 2654.

نمی‌آید.
3- اگر چیزی پیدا کند و بردارد، احکام خاصی دارد به این شرح:
الف: اگر نشانه‌ای ندارد که به واسطه آنصاحبش معلوم شود، احتیاط واجب آن است که از طرف صاحبش صدقه بدهد.
ب: اگر نشانه دارد:
1- قیمت آن از 6/ 12 نخود نقره سکه‌دار «(1)» کمتر است:
صاحبش معلوم باشد؛ باید به او بدهد.
صاحبش معلوم نباشد؛ می‌تواند برای خودش بردارد.
2- قیمت آن به 6/ 12 نخود نقره سکه‌دار می‌رسد؛ باید تا یک سال اعلام کند پس اگرصاحبش پیدا شد، به او بدهد و اگرصاحبش پیدا نشد، می‌تواند:
* برای خودش بردارد.
* برایصاحبش نگهداری کند تا پیدا شود.
* احتیاط مستحب است که از طرفصاحبشصدقه بدهد. «(2)» 3- اگر در منطقه حرم [شهر مکه و اطراف آن] چیزی پیدا کند و قیمتش به 6/ 12 نخود نقره سکه‌دار می‌رسد وصاحبش پیدا نشود می‌تواند از طرف صاحبش صدقه بدهد، یا آن‌را برایصاحبش نگهداری کند، ولی نمی‌تواند برای خودش بردارد. «(3)» «(4)»

1- قیمت 6/ 12 نخود نقره اکنون در بازار در حدود 710 ریال است تابستان 1372 ه. ش..
2- توضیح المسائل، م 2564 تا 2568.
3- خوئی احتیاط واجب آن است که صدقه بدهد.
4- تحریرالوسیله، ج 2، ص 225، م 5.

4- در مواردی که برای پیدا شدنصاحبش باید اعلام کند، تا یک هفته روزی یک مرتبه و بعد از آن تا یک سال هفته‌ای یک مرتبه در محل اجتماع مردم؛ مانند بازار و محل نماز جماعت باید اعلام کند. «(1)» «(2)» 5- بنا بر احتیاط واجب باید فوراً اعلام کند و تأخیر نیندازد. «(3)» 6- اگر می‌داند، اعلام کردن فایده ندارد و یا از پیدا شدن صاحبش ناامید است، اعلام لازم نیست. «(4)» 7- اگر بچه نابالغ چیزی پیدا کند، سرپرست او (پدر یا جدّ) باید اعلام کند. «(5)» «(6)»

گم کردن کفش

اگر کفش انسان راببرند و کفش دیگری به جای آن مانده باشد، مسأله چندصورت دارد:

1- تحریرالوسیله، ج 2، ص 228، م 19 و 31.
2- گلپایگانی لازم نیست که هر روز اعلام کند بلکه اگر تا یک سال طوری بگوید که مردم بگویند که اعلام می‌کند کافی است خوئی تا یکسال در محل اجتماع مردم اعلام کند. مسأله 2575.
3- تحریرالوسیله، ج 2، ص 226، م 9.
4- همان مدرک، م 13.
5- توضیح المسائل، م 2571.
6- خوئی ولیّ او می‌تواند اعلام کند و پس از آن برای او بردارد و یا از طرف صاحبش صدقه بدهد.
اراکی بنابر احتیاط واجب باید سرپرست او اعلام کند. مسأله 2585.

1- می‌داند کفشی که مانده، مالِ کسی است که کفش او را برده، «(1)» اگر از پیدا شدن صاحبش ناامید شود و یا پیدا کردن او برایش سخت باشد، می‌تواند آن را به جای کفش خودش بردارد، ولی اگر قیمت آن کفش بیشتر از قیمت کفش خودش باشد، و از پیدا شدن صاحبش ناامید شود، باید، با اجازه حاکم شرع از طرف اوصدقه بدهد.
2- احتمال می‌دهد، کفشی که مانده، مالِ کسی نیست که کفش او را برده؛ اگر بردارد بایدصاحبش را پیدا کند «(2)» و اگر از پیدا شدن او ناامید شد، از طرف وی به فقیرصدقه بدهد [ولی بهتر است برندارد]. «(3)»

1- اراکی و بداند که عمداً برده. مسأله 2595؛ خوئی و راضی است که کفشش را عوض کفشی که برده است بردارد، می‌تواند به جای کفش خودش بردارد و همچنین است اگر بداند که کفش او را بطور ناحق و ظلم برده است ولی در این صورت به حکم مسأله متن باید عمل کند. مسأله 2590
2- حکم مال پیدا شده را دارد.
3- توضیح المسائل، م 2581.

خوردن و آشامیدن

اشاره

خداوند بزرگ برای استفاده انسانها، طبیعتِ زیبا و تمام حیوانات و میوه‌ها و سبزیجات را در اختیار آنها قرار داده است، تا از آنها برای خوردن و آشامیدن و پوشاک و مسکن و سایر نیازهای خود بکار گیرند، ولی برای حفظ جان انسانها و سلامتی جسم و روح آنها و بقای نسلها و احترام به حقوق دیگران، قوانین و مقرراتی قرار داده است که در این درس به برخی از آنچه که در رابطه با خوراکیها و آشامیدنیهاست می‌پردازیم:

* میوه‌ها

1- گیاهی

* سبزیجات

اهلی

انواع خوراکی‌ها* چهارپایان

وحشی

2- حیوانی

* پرندگان

* آبزیان (دریایی)

«(1)»
غذاهای گیاهی تمام میوه‌ها و سبزیجات حلال است، مگر آنچه برای بدن ضرر داشته باشد.
غذاهای حیوانی* انواع گوسفندان «(2)» 1- حلال گوشت* گاو «(3)»* شتر
* اسب 1- اهلی 2- مکروه* قاطر* الاغ
* سگ 3- حرام گوشت* گربه چهارپایان* و ...
* آهو 1- حلال گوشت* گاو* بز کوهی 2- وحشی* گورخر
2- حرام‌گوشت تمام حیوانهای درنده مانند گرگ و پلنگ حرام می‌باشند.
«(4)»

1- - مطالب این درس با حواشی حضرت آیةالله گلپایگانی بر کتاب« وسیلةالنجاة» مطابقت دارد و آن دسته از مسائلی که از توضیح المسائل آورده شده، مطابق فتاوای حضرت آیةالله اراکی و خوئی نیز می‌باشد.
2- بز هم نوعی گوسفند است.
3- گاومیش هم نوعی گاو و حلال گوشت است.
4- - تحریرالوسیله، ج 1، ص 156، م 5.

چند مسأله
1- تمام حیوانهای درنده، حرامگوشت هستند، هر چند از نظر قدرت درندگی ضعیف باشند؛ مانند روباه.
2- خوردن گوشت خرگوش حرام است.
3- تمام انواع حشرات، حرام می‌باشند. «(1)» پرندگان این دسته از پرندگان حلال گوشت هستند:
* تمام اقسام کبوترها (قُمری هم نوعی کبوتر است).
* تمام اقسام گنجشکها (بُلبُل هم نوعی گنجشک است).
* مرغ و خروس
این دسته از پرندگان حرام گوشت هستند:
* خفاش.
* طاووس.
* کلاغ (زاغ هم نوعی کلاغ است).
* تمام پرندگانی که چنگال دارند؛ مانند عقاب. «(2)»

1- . همان مدرک.
2- . همان مدرک- مسأله 6.

چند مسأله
1- خوردن گوشت پرستو و هُدهُد «(1)» مکروه است. «(2)» 2- تخم مرغ و سایر پرندگان حلال گوشت، حلال و تخم پرندگان حرام گوشت حرام است. «(3)» 3- مَلخ از پرندگان است و حلال گوشت می‌باشد. «(4)»
آبزیان 1- از حیوانهای دریایی، تنها ماهی پولک‌دار و برخی از پرندگان دریایی حلال گوشت است.
2- میگو که همان ملخ دریایی و از پرندگان است، حلال گوشت می‌باشد. «(5)» چند مسأله:
1- خوردن گِل حرام است. «(6)»

1- گلپایگانی احتیاط واجب آن است که از خوردن گوشت هدهد خودداری نمایند. مسأله 2633
2- توضیح المسائل، م 2624.
3- تحریرالوسیله، ج 2، ص 158، م 12.
4- توضیح المسائل، م 2622.
5- تحریرالوسیله، ج 2، ص 155، م 1.
6- تحریرالوسیله، ج 2، ص 164، م 7.

2- خوردن کمی از تربت سیدالشهدا (ع) برای شفا یافتن از بیماری اشکال ندارد. «(1)» 3- خوردن و آشامیدنِ چیز نجس حرام است. «(2)» 4- خوردن چیزی که برای انسان ضرر دارد حرام است، «(3)» مثلًا خوردن غذای چرب برای مریضی که غذای چرب برایش ضرر دارد حرام است. «(4)» 5- خوردن تخم چهارپایان حلال گوشت حرام است. «(5)» 6- نوشیدن شراب و هر مایع مست کننده دیگر حرام است. «(6)» 7- بر هر مسلمانی واجب است مسلمان دیگری را که نزدیک است از گرسنگی یا تشنگی بمیرد، نان و آب داده و از مرگ نجات دهد. «(7)»

آداب غذا خوردن

مستحبات 1- دستها را قبل از غذا و پس از آن بشوید.
2- در اوّل غذا «بسم‌اللَّه» و در پایان، «الحمدُلِلَّه» بگوید.
3- با دست راست غذا بخورد.

1- . توضیح المسائل، م 2628.
2- توضیح المسائل، م 141.
3- خوئی خوردن چیزی که سبب مرگ می‌شود یا برای انسان ضرر کلّی دارد حرام است. مسأله 2639.
4- توضیح المسائل، م 2630.
5- توضیح المسائل، م 2626.
6- توضیح المسائل، م 111، 2632.
7- . توضیح المسائل، م 2635.

4- لقمه را کوچک بردارد.
5- غذا را خوب بجود.
6- میوه را پیش از خوردن با آب بشوید.
7- اگر چند نفر سر سفره نشسته‌اند، هر کسی از غذای جلوی خودش بخورد.
8- میزبان پیش از همه شروع به غذا خوردن کند و بعد از همه دست بکشد. «(1)» مکروهات 1- در حال سیری غذا خوردن.
2- پرخوری (زیاد غذا خوردن).
3- نگاه کردن بهصورت دیگران هنگام غذا خوردن.
4- خوردن غذای داغ.
5- فوت کردن به غذایی که می‌خورد.
6- پاره کردن نان با کارد.
7- گذاشتن نان زیر ظرف غذا.
8- دور انداختن میوه، پیش از آنکه کاملًا آن را بخورد. «(2)»

1- توضیح المسائل، م 2636.
2- توضیح المسائل، م 2637.

ص:203

آدابِ آب نوشیدن

مستحبات:
1- در روز، ایستاده آب بخورد.
2- پیش از آشامیدن آب «بِسمِاللَّه» و بعد از آن «الحَمدُللَّه» بگوید.
3- به سه نفس آب بیاشامد.
4- پس از آشامیدن آب، حضرت امام حسین- علیه‌السلام- و خاندان و یاران او را یاد و قاتلان ایشان را لعن کند. «(1)» مکروهات 1- زیاد آشامیدن.
2- آشامیدن آب بعد از غذای چرب.
3- با دست چپ آب نوشیدن.
4- در شب، ایستاده آب نوشیدن. «(2)»

1- توضیح المسائل، م 2638.
2- . توضیح المسائل، م 2639.

ص:204

نگاه به دیگران

1- بجز زن و شوهر، نگاه کردن هر فرد انسانی به فرد دیگر، اگر برای لذّت بردن باشد حرام است، خواه همجنس باشد مانند نگاه مرد به مرد دیگر، و یا غیر همجنس مانند نگاه مرد به زن، و خواه از محارم باشد و یا غیر محارم و به هر جای بدن باشد همین حکم را دارد. «(1)» 2- نگاه کردن مرد «(2)» به بدن زن اگر برای لذّت بردن نباشد احکام خاصی دارد که اکنون به بیان آنها می‌پردازیم:
1- به عورت حرام.
1- مَحرم 2- به غیر عورت جایز.
نگاه مرد به زن 1- به صورت و دستها تا مچ جایز «(3)» 2- نامحرم 2- به سایر اعضای بدن حرام. «(4)»

1- تحریر الوسیله، ج 2، ص 243، م 15 تا 19.
2- احکامی که برای مردان آورده می‌شود برای پسرها هم همان است و احکامی که برای بانوان آورده می‌شود، دخترها هم همان حکم را دارند.
3- گلپایگانی نگاه کردن به صورت و دستها هم حرام است. خوئی احتیاط واجب آن است که به صورت و دستها هم نگاه نکند. مسأله 2442.
4- . همان مدرک- استفتاء. توضیح المسائل، م 2433.

ص:205

احکام مسجد، قرآن

اشاره

این کارها در رابطه با مسجد، حرام است:
* زینت کردن مسجد با طلا. «(1)»* فروش مسجد، هر چند خراب شده باشد.
* نجس کردن مسجد، و چنانچه نجس شود باید فوراً تطهیر کنند.
* بردن خاک و ریگ از مسجد، مگر خاکهای زیادی.
این کارها در رابطه با مسجد، مستحب است:
* زودتر از همه به مسجد رفتن و دیرتر از همه از مسجد بیرون آمدن.
* چراغ مسجد را روشن کردن.
* تمیز کردن مسجد.
* هنگام وارد شدن، ابتدا پای راست را داخل مسجد گذاشتن.
* هنگام بیرون آمدن از مسجد اوّل پای چپ را بیرون گذاشتن.

1- گلپایگانی بنابر احتیاط واجب تزیین نکنند. خوئی احتیاط مستحب است. حاشیه العروةالوثقی.

* خواندن دو رکعت نماز مستحبیِ تَحیّت مسجد.
* خوشبو کردن خود و پوشیدن بهترین لباسهای خود برای رفتن به مسجد.
این کارها در رابطه با مسجد، مکروه است:
* گلدسته‌ها را بیش از پشت بام مسجد بالا بردن.
* عبور از مسجد، به عنوان محل عبور؛ بدون آنکه در آنجا نماز بخواند.
* انداختن آب دهان و بینی در مسجد.
* خوابیدن در مسجد، مگر در حال ناچاری.
* فریاد زدن در مسجد وصدا را بلند کردن مگر برای اذان.
* خرید و فروش، در مسجد.
* سخن گفتن از امور دنیا.
* رفتن به مسجد، برای کسی که سیر یا پیاز خورده و بوی دهانش مردم را آزار می‌دهد. «(1)»

1- قرآن همیشه باید پاک و تمیز باشد و نجس کردن خط و ورق قرآن، حرام است، و اگر نجس شود باید فوراً آن را آب بکشند. «(2)» 2- اگر جلد قرآن نجس شود و بی‌احترامی به قرآن باشد باید آن

1- العروةالوثقی، ج 1، ص 455 و 456.
2- توضیح المسائل، م 135.

را آب بکشند. «(1)»

لَمس کردن خطوط قرآن

1- رساندن جایی از بدن به نوشته قرآن، برای کسی که وضو ندارد حرام است. «(2)» 2- در تمام این موارد لمس کردن خطوط قرآن بدون وضو حرام است:
* در نوشته قرآنی فرقی بین آیات و کلمات بلکه حروف و حتی حرکات آن نیست.
* در چیزی که قرآن بر آن نوشته شده است، بین کاغذ و زمین و دیوار و پارچه، فرقی نیست.
* در نوشته قرآنی فرقی نیست که با قلم نوشته شده باشد یا چاپ یا گچ و یا چیز دیگر. «(3)»* اگر نوشته قرآنی در قرآن هم نباشد، لمس کردن آن حرام است. پس اگر آیه‌ای از قرآن در کتاب دیگری نوشته شده باشد، بلکه اگر کلمه‌ای از آن در کاغذی باشد، یا نصف کلمه‌ای از آن از برگ قرآن یا کتاب دیگری بریده شده باشد، باز هم لمس آن بدون وضو حرام است.
3- موارد زیر، لمس نوشته قرآن به حساب نمی‌آید و حرام نمی‌باشد:
* لمس آن از پشت شیشه، یا پلاستیک.

1- . توضیح المسائل، م 136.
2- توضیح المسائل، م 317.
3- العروةالوثقی، ج 1، ص 191- 190.

* لمس ورق قرآن و جلد آن و اطراف نوشته‌ها (گرچه مکروه است).
* ترجمه قرآن، به هر لغتی باشد، مگر اسم خداوند که به هر لغتی باشد، لمس آن برای کسی که وضو ندارد حرام است، مانند کلمه «خدا». «(1)»
4- کلماتی که مشترک بین قرآن و غیر قرآن است مانند «مؤمن»، «الّذین» اگر نویسنده به قصد قرآن نوشته باشد لمس آن بدون وضو حرام است. «(2)» 5- لمس خطوط قرآن بر انسان جُنب هم حرام است.
6- انسان جُنب نباید سوره‌های سجده‌دار قرآن را بخواند، (تفصیل این مسأله درصفحه 55 گذشت). «(3)» 7- برای جنب، نسبت به قرآن، این کارها مکروه است:
* خواندن بیش از هفت آیه از سوره‌هایی که سجده واجب ندارد.
* رساندن جایی از بدن به جلد و حاشیه و بین خطهای قرآن.
* همراه داشتن قرآن.
8- برای همراه داشتن قرآن و خواندن و نوشتن آن و لمس حاشیه قرآن وضو گرفتن مستحب است. «(4)»

1- العروة الوثقی، ج 1، ص 189- 190.
2- العروةالوثقی، ج 1، ص 190.
3- توضیح المسائل، م 355.
4- . توضیح المسائل، م 322.

احکام سلام کردن

1- سلام کردن به دیگران مستحب، ولی جواب آن واجب است. «(1)» 2- سلام کردن به کسی که در حال خواندن نماز می‌باشد، مکروه است. «(2)» 3- اگر کسی به نمازگزار سلام کند، باید پاسخ او را بدهد، ولی در جواب باید کلمه «علیکم» را مقدم بدارد؛ یعنی بگوید: «علیک‌السلام» یا «علیکم السلام». «(3)» «(4)» 4- کسی که نماز می‌خواند، جایز نیست به دیگران سلام کند. «(5)» 5- سلام را باید فوراً جواب داد و اگر عمداً تأخیر بیندازد گناه کرده است. «(6)» 6- اگر دو نفر، همزمان به یکدیگر سلام کنند، بر هر یک واجب است که جواب سلام آن دیگری را بدهد. «(7)» 7- سلام کردن به کافر مکروه است، و اگر او به مسلمانی سلام کند، احتیاط واجب آن است که در جواب بگوید: «علیک» و یا فقط

1- العروةالوثقی، ج 1، ص 715، م 30.
2- همان مدرک، م 29.
3- همان مدرک، ص 711، م 17.
4- سایرمراجع باید همانگونه که سلام کرده، پاسخ دهد یعنی اگر گفته است« سلام‌علیک»، او هم در جواب بگوید:« سلام علیک» حاشیه العروةالوثقی.
5- همان مدرک، م 15.
6- . همان مدرک، ص 557، م 25.
7- همان مدرک، ص 716، م 36.

بگوید: «سلام». «(1)» آداب سلام کردن
1- مستحب است:
* سواره به پیاده.
* و ایستاده به نشسته.
* و گروه اندک به گروه زیاد.
* و کوچک به بزرگ سلام کند. «(2)» 2- مستحب است، در غیر حال نماز، جواب سلام را بهتر از آن بدهد، پس اگر کسی بگوید: «سلام علیکم» مستحب است در جوابش بگوید «سلام علیکم ورحمةاللّه». «(3)» 3- سلام کردن مرد به زن، مکروه است مخصوصاً به زن جوان. «(4)»

1- . همان مدرک، م 33.
2- همان مدرک- م 33.
3- . همان مدرک، ص 717، م 38.
4- . العروةالوثقی، ج 2، ص 804، م 41.

ص:211

احکام برخی از گناهان

اشاره

غَصب «(1)» غصب آن است که انسان، به ناحق و از روی ظلم و ستم، بر اموال دیگران یا حقوق آنان مسلط شود.
غصب از گناهان بزرگ است و انجام دهنده آن در قیامت به عذاب سخت گرفتار می‌شود.
انواع غصب
شخصی؛ مانند سرقت یا از بین بردن اموال کسی.
* اموال عمومی؛ مانند ازبین بردن لوازم اداره، نپرداختن خمس و زکات.
اقسام‌غصب شخصی؛ مانند نماز خواندن در محلی که دیگری در* حقوق مسجد برای‌خود گرفته است.
عمومی؛ مانند جلوگیری از استفاده مردم از مسجد یا پل و خیابان و سدّ معبر. «(2)»

1- مسائلی که از تحریرالوسیله و استفتائات، آورده شده مطابق با فتاوای حضرت امام‌خمینی ره می‌باشد.
2- تحریرالوسیله، ج 2، ص 173، م 1.

احکام غصب

1- تمام اقسام غصب حرام است و ازگناهان بزرگ به شمار می‌رود. «(1)» 2- اگر انسان چیزی را غصب کند، علاوه بر آنکه کار حرامی کرده است باید آن را به صاحبش برگرداند و اگر آن چیز از بین برود، باید عوض آن را به او بدهد. «(2)» 3- اگر چیزی را که غصب کرده، خراب کند، باید آن را با مزد ساختنش بهصاحب آن بدهد، و اگر پس از ساختِ مجدّد قیمتش از اولش کمتر شود، باید تفاوت قیمت آن را هم بدهد. «(3)» 4- اگر چیزی را که غصب کرده، تغییری در آن داده که از اولش بهتر شده باشد؛ مثل اینکه دوچرخه را تعمیر کرده، اگرصاحب مال بگوید، آن را به همین صورت بده، باید به او بدهد، و نمی‌تواند برای زحمتی که کشیده مزد بگیرد، و حق ندارد آن را تغییر دهد که مثل اولش بشود. «(4)»

1- همان مدرک.
2- همان مدرک، م 3.
3- توضیح المسائل، م 2553.
4- توضیح المسائل، م 2554.

ص:213

دروغ گفتن

1- دروغ گفتن از کارهای حرام و از گناهان بزرگ است. «(1)» 2- اگر امر بسیار مهمی در پیش باشد، مثل کشته شدن یک فرد و یا بهم خوردن نظام خانواده، گفتن دروغی که از آن جلوگیری کند، اشکال ندارد. «(2)»

غیبت

تعریف غیبت اگرصفتی ناروا در شخصی باشد، یا کاری انجام داده باشد، که خلاف است و دیگران از آن بی‌اطلاعند و دوست ندارد کسی آن را برای دیگران بازگو کند، بازگو کردن آن پشت سر او پیش دیگران، «غیبت» است. «(3)» احکام غیبت
1- غیبت، هم برای گوینده و هم برای شنونده حرام است. «(4)» 2- اگر کسی، از شخصی غیبت کرده، باید از آن گناه توبه کند، و

1- استفتاءات، ج 2، ص 616، س 4.
2- همان مدرک- سؤال 1.
3- استفتاءات، ج 2، ص 618، س 9.
4- . همان مدرک.

لازم نیست به او بگوید. «(1)» 3- اگر شخصی نماز نمی‌خواند ولی این گناه خود را آشکار نمی‌کند، غیبت او جایز نیست [گرچه باید او را امر به معروف کرد]. «(2)»

قَسم خوردن

1- اگر کسی به یکی از اسامی خداوند عالم؛ مانند «خدا» و «اللَّه» قسم بخورد که کاری را انجام دهد، یا ترک کند، مثلاً سوگند بخورد که روزه بگیرد یا سیگار نکشد، واجب است به آن عمل کند. «(3)» 2- اگر عمداً به سوگندی که خورده است عمل نکند، باید کفّاره بدهد و کفّاره آن یکی از این سه چیز است:
* آزاد کردن یک برده.
* سیر کردن ده فقیر.
* پوشاندن ده فقیر.
و اگر هیچکدام از اینها را نتواند انجام دهد، باید سه روز روزه بگیرد. «(4)»
«(5)» 3- کسی که قسم می‌خورد، اگر حرف او راست باشد، قسم

1- . همان مدرک، ص 620، س 15 و 16.
2- همان مدرک، س 18.
3- توضیح المسائل، م 2670 و 2671.
4- همان مدرک.
5- گلپایگانی و باید سه روز روزه، پی‌درپی باشد. مسأله 2679.

خوردن او مکروه است و اگر دروغ باشد، حرام و از گناهان بزرگ است.
«(1)»

وصیّت، زیارت

اشاره

وصیّت
یکی از مسائلی که قبل از سفر عمل به آن مستحب می‌باشد وصیت است، بنابر این جهت آشنایی شما زائران عزیز، برخی از مسائل وصیّت، در این قسمت آورده می‌شود.

تعریف وصیّت

وصیّت آن است که انسان سفارش کند بعد از مرگش برای او کاری انجام دهند، یا بگوید بعد از مرگش چیزی از اموال او برای کسی باشد، یا برای فرزندان خود قیّم (سرپرست) مشخص کند. «(2)»

چگونگی وصیّت

* با گفتار؛ یعنی وصیّت خود را بگوید.
* با نوشته‌ای که مقصود وصیّت کننده را برساند.

1- توضیح المسائل، م 2675.
2- توضیح المسائل، م 2694.

* با اشاره‌ای که مقصود را بفهماند. «(1)»
کسی که انسان به او وصیّت می‌کند «وَصیّ» نام دارد.
وصیّ باید مسلمان، عاقل، بالغ و مورد اطمینان باشد، بنابر این انسان نمی‌تواند فرزند غیر بالغ خود و یا کسی را که به او اطمینان ندارد، وصیّ خود قرار دهد. «(2)» «(3)»

متن وصیتنامه

آنچه باید بر آنها وصیت کرد بدین شرح است:
1- نماز و روزه‌های قضا شده (درصورتی که خودش نتواند آنها را بجا آورد) و چنانچه پسر بزرگ داد که پس از مرگ بر وی واجب می‌شود، باید به او اطلاع دهد.
2- خمس و زکات و سایر بدهکاریها (درصورتی که نمی‌تواند بپردازد) چنانچه از خودش مال دارد و یا احتمال می‌دهد که کسی آنها را پرداخت می‌کند.
3- اگر حج بر او واجب شده و نتواند آن‌را بجا آورد.
4- اگر فرزندانش نیاز به سرپرست دارند که بدون سرپرست اموالشان از بین می‌رود یا خودشان ضایع می‌شوند، باید برای آنها قیّم

1- توضیح المسائل، م 2695 و 2696.
2- توضیح المسائل، م 2704.
3- خوئی وصی باید عاقل باشد و احتیاط آن است که بالغ نیز باشد و لازم است وصیّ مسلمان، مسلمان باشد و در اموری که راجع به شخص وصیّت کننده نیست لازم است مورد اطمینان باشد.

امینی قرار دهد. «(1)»

وصیّت مالی

وصیتی که انسان نسبت به اموالش دارد؛ یعنی مصرفی را برای آن مشخص کرده و یا گفته است که به کسی بدهند، چنانچه بیش از 13 کل اموالش نباشد باید مطابق وصیّت عمل کنند و اگر بیش از 13 اموال وی باشد، وصیّت او در بیش از ثُلث درصورتیصحیح است که ورثه او، حرفی بزنند یا کاری کنند که معلوم شود عملی شدن وصیّت را اجازه داده‌اند و تنها راضی بودن آنها کافی نیست. و اگر بعد از مردن او هم اجازه بدهندصحیح است. «(2)» «(3)»

زیارت اولیای خدا و بزرگان دین را آدابی است که مراعات آنها ثواب زیارت را افزون کرده و سبب تأثیر بیشتر آن، بر شخص زائر می‌گردد. اکنون با برخی از آنها آشنا می‌شویم: «(4)»

1- مستحب است انسان قبل از مشرف شدن به حرم، غسل کند.

1- توضیح المسائل، م 2700 تا 2703.
2- توضیح المسائل، م 2721.
3- خوئی اگر بعضی از ورثه اجازه دهند و بعضی ردّ کنند، تنها نسبت به سهم آنهایی که اجازه داده‌اند صحیح است.
4- این بخش، از کتاب شریف مفاتیح الجنان آورده شده است.

2- برای تشرف به حرم پاکیزه‌ترین لباسها را بپوشد وخود را خوشبو کند. (بجز در حرم امام حسین (ع) که خوشبو کردن خود مستحب نیست)
3- مستحب است با وضو به حرم مشرف شود.
4- هنگام تشرف به حرم گامها را کوتاه بردارد و باوقار و آرامی حرکت کند.
5- در راه به ذکر الهی مشغول باشد.
6- هنگام ورود به حرم اذن دخول بخواند.
7- با پای راست وارد حرم شود.
8- هنگام دیدن قبر تکبیر بگوید.
9- اگر مزاحم دیگران نیست، به ضریح حضرت نزدیک شود، بطوری‌که بتواند خود را به آن بچسباند.
10- زیارتهایی که از ائمه اطهار- علیهم السلام- رسیده است بخواند؛ از جمله زیارت جامعه.
11- هنگام خواندن زیارت رو به قبله بایستد.
12- پس از خواندن زیارت، ابتدا، گونه راست و سپس گونه چپ را بر ضریح بگذارد و دعا بخواند.
13- پس از زیارت دو رکعت نماز زیارت بخواند.
14- پس از نماز برای خود و دیگران دعا کند؛ بویژه دعا برای ستمدیدگان و علیه ستمگران.
15- از گناهان خود توبه و استغفار کند.

16- و نیز خواندن قرآن و هدیه کردن آن بهصاحب مزار مستحب است بویژه سوره قدر.
سجده کردن برایصاحب قبر جایز نیست، ولی اگر سجده شکر الهی باشد اشکال ندارد. «(1)»
یادآوری
آنچه در این کتاب آمده است، تمام مسائل احکام نیست، بلکه بسیاری از قسمتهای احکام را که در درجه اوّل نیاز زائران عزیز نبوده، در این کتاب نیاوردیم، ولی افراد علاقه‌مند می‌توانند برای آشنایی بیشتر به مسائل شرعی، به رساله توضیح المسائل یا کتابهای دیگر فقهی مراجعه کنند.
والحمدللّه اولًا و آخراً

1- توضیح المسائل، م 1090.

بسم الله الرحمن الرحیم
جاهِدُوا بِأَمْوالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ في سَبيلِ اللَّهِ ذلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه 41)
با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است
اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند
بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص 159
بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال 1340 هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.
مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال 1385 هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.
اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :
الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی
ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه
ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهاي رایانه اي و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...
د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار هاي تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر
ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای
و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط 2350524)
ز)طراحی سیستم هاي حسابداري ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...
ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...
ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه
ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال
دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگي مذهبي قائميه اصفهان
تاریخ تأسیس: 1385 شماره ثبت : 2373 شناسه ملی : 10860152026
وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com
فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com
تلفن 25-2357023- (0311) فکس 2357022 (0311) دفتر تهران 88318722 (021) بازرگانی و فروش 09132000109 امور کاربران 2333045(0311)
نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت

امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.
شماره حساب 621060953 ، شماره کارت :6273-5331-3045-1973و شماره حساب شبا : IR90-0180-0000-0000-0621-0609-53به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید
ارزش کار فکری و عقیدتی
الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».
التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».
[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».
مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹